

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مناسک حج

طبق فتاویٰ مرجع عالی قدر

حضرت آیت الله العظمیٰ فیاض (دام ظلّه)

بسم الله الرحمن الرحيم

حج، یکی از مهمترین واجبات بزرگ الهی و از باشکوهترین عبادات اجتماعی در اسلام بوده و دارای مفهوم عمیقی از نظر روحی و اجتماعی است و مراسمی است گروهی که مسلمانان آنرا در یک زمان و مکان و با آداب یکسان انجام میدهند.

اسلام به این فریضه بزرگ به اندازه‌ای اهمیت داده که در قرآن و روایات از ترک آن به کفر تعبیر کرده است.

شرایط وجوب حجت الاسلام

مسأله ۱- حجت الاسلام: حجتی است که در طول عمر یکبار بر شخص بالغ، عاقل، آزاد و مستطیع — مرد یا زن — واجب می‌شود. بنابراین، حج دوم حجت الاسلام نخواهد بود بلکه مستحب می‌باشد مگر آنکه به علت دیگری واجب گردد، مانند نذر و یا سوگند و یا اینکه حج سابق خویش را به دلیل نزدیکی با همسرش عمدا و با توجه به حکم شرعی آن قبل از وقوف در مشعر الحرام فاسد نماید که در این صورت باید حج را فعلا تمام نموده و کفاره جماع را نیز بپردازد و در سال آینده باید حج را اعاده نماید و این حج، به دلیل فاسد نمودن حج سابق بر شخص واجب می‌شود.

مسأله ۲- در صورت فراهم شدن شرایط حج، واجب است انسان برای انجام دادن آن اقدام نماید، و سهل انگاری و مسامحه و اتلاف وقت در سال

۶..... مناسک حج

اول استطاعت به امید دستیابی به سود تجارتي و یا امر دیگری از امور دنیوی، جایز نیست، و اگر مستطیع در سال اول کوتاهی نموده، و به حج نرود، سال دوم واجب است آن را بجای آورد، البته اگر مکلف مطمئن باشد که سال آینده می تواند به حج برود — با در نظر گرفتن امکانات مالی و سلامتی و امنیت و مسائل دیگر حج - در این صورت اقدام برای حج، در سال اول بنا بر احتیاط، واجب خواهد بود.

مسأله ۳— اگر سفر حج به تهیه مقدماتی از قبیل اخذ گذرنامه، ویزا و غیره بستگی داشته باشد، تلاش برای فراهم نمودن این موارد در حدی که مشقت زیادی نداشته باشد به طوری که مکلف به درک حج مطمئن شود، واجب است.

مسأله ۴— کسی که با اولین کاروان و یا هواپیما می تواند برای انجام حج مسافرت نماید، در صورتی که از فوت شدن مراسم حج هراس نداشته باشد، جایز است سفرش را به تاخیر بیندازد و با آخرین قافله یا هواپیما حرکت کند، البته اگر به دلیل تأخیر انداختن سفر، اتفاقاً حجّش فوت شود، اظهار این است که وجوب حج بر ذمه او مستقر نشده و واجب است در صورت امکان تا سال آینده استطاعت مالی خود را حفظ نماید.

شرایط حجت الاسلام

۲۱- بلوغ و عقل

بنابراین حج کودک غیر بالغ از حجت الاسلام کفایت نمی‌کند گرچه در سن تمییز و نزدیک بلوغ باشد، ولی حج او همانند نماز و روزه اش صحیح خواهد بود.

مسأله ۵- اگر کودک قبل از رسیدن به میقات بالغ شود، در صورتی که قبلاً مستطیع بوده باشد، واجب است برای عمره متمتع حجت الاسلام مُحَرَم شود، اما اگر بعد از احرام بالغ گردد، در صورتی که برگشتن به یکی از میقاتها برایش ممکن باشد، واجب است به آن جا برگشته و مُحَرَم گردد، ولی اگر برگشتن ممکن نباشد، بعید نیست از همان مکان فعلی مُحَرَم شود. بنابراین اگر بلوغش قبل از رسیدن به مکه باشد، احوط آن است که به مقدار ممکن از محل فعلی خود به طرف میقات برگردد و سپس مُحَرَم شود، و اگر بعد از رسیدن به مکه باشد، در صورتی که خروج از حرم برای وی مقدور باشد، باید تا آن جایی که ممکن است از حرم دور شده و سپس مُحَرَم شود، و اگر خروج ممکن نبود از همان محل مُحَرَم می‌شود. و همچنین دیوانه اگر عاقل شود و انجام حجت الاسلام برای وی میسر باشد، در صورتی که قبلاً مستطیع بوده، انجام حج بر او واجب است.

مسأله ۶- اگر کودک بعد از وقوف در عرفات و قبل از مشعر بالغ گردد، حج او از حجت الاسلام کفایت نمی‌کند. همچنین اگر دیوانه قبل از وقوف در مشعر عاقل شود، حجتش مجزی نخواهد بود.

۸..... مناسک حج

مسأله ۷ — اگر کودک به عقیده اینکه هنوز بالغ نشده، حج مستحبی به جای آورد و بعد از انجام حج، معلوم شود که بالغ بوده است، این حج از حجت الاسلام مجزی نیست.

مسأله ۸ — اذن ولی در صحت حج کودک ممیز، شرط نیست همچنانکه در صحت نماز و روزه اش شرط نمی باشد.

مسأله ۹ — مستحب است ولی کودک، در صورتی که وی توانایی به جای آوردن اعمال را شخصا داشته باشد او را به احرام و تلبیه و سایر اعمال حج و ادا نماید، و اگر این توانایی را نداشته باشد، باید ولی او را مُحْرِم نماید، بدینگونه که غسلش داده و از طرف وی تلبیه بگوید و او را طواف داده، و به جایش نماز بخواند و او را بین صفا و مروه سعی دهد.

مسأله ۱۰ — اگر سفر حج از نظر سلامتی و فکری برای کودک مصلحت داشته باشد، واجب نیست که ولی شرعی او، هزینه بیشتر از زندگی عادی کودک را که در حج صرف او می شود به عهده بگیرد، بلکه بعید نیست ولی بتواند پول قربانی کودک را نیز — به دلیل ولایتش بر کودک — از اموال او بپردازد، البته به شرط آنکه مفسده ای در آن نباشد والا نیست.

مسأله ۱۱ — کفاره شکار کودک بر عهده پدر اوست ولی سایر کفارات بر هیچ کدام (پدر و کودک) واجب نیست.

۳- استطاعت

استطاعت به چند رکن بستگی دارد:

شرایط حجت الاسلام ۹

رکن اول: امکانات مالی: کسی که به وطنش برمی‌گردد، باید هزینه رفتن و برگشتن و مصارف هنگام مراسم حج را داشته باشد، اما کسی که بر نمی‌گردد، چنانچه هزینه رفتن را داشته باشد، کافی است.

رکن دوم: امنیت: یعنی سلامتی انسان و مال و ناموسش در راه رفتن به حج و برگشتن از آن و نیز هنگام انجام مناسک حج در خطر نباشد.

رکن سوم: داشتن امکانات مالی بعد از انجام حج، یعنی اینکه شخص بتواند بعد از سفر حج، زندگی معمولی خویش را از سرگیرد بدون آنکه در عسر و حرج و تنگدستی بیفتد. اگر این ارکان سه گانه برای مکلف فراهم شد — چه مرد باشد و چه زن — و وقت کافی برای انجام حج داشته باشد، حجت الاسلام بر او واجب می‌گردد، و اگر با فراهم نشدن یکی از آن سه رکن، حج او حجت الاسلام نخواهد بود.

احکام استطاعت

رکن اول: امکانات مالی

مسئله ۱۲ — منظور از امکانات مالی، این نیست که مکلف فعلاً پول نقد در اختیار داشته باشد، بلکه مقصود داشتن مالی است که قیمت آن، برای هزینه های سفر حج کافی باشد به شرط آنکه آن مال، از مخارج ضروری زندگی مانند خانه مسکونی، اثاثیه و لوازم منزل و مانند اینها نباشد، و مراد از ضروری بودن لوازم منزل زندگی، اینست که اگر آنها برای حج خرج شود، انسان در مشقت و سختی می‌افتد.

۱۰..... مناسک حج

همچنانکه امکانات مالی با وجود اموال در نزد شخص محقق می‌گردد، با داشتن اموالی در ذمه دیگران به صورت قرض نیز صادق است، به شرط اینکه وقت ادای قرض رسیده و امکان به دست آوردن آن باشد.

مسأله ۱۳— مراد از توشه، داشتن قدرت مالی جهت هزینه‌های سفر حج برای رفت و برگشت و هنگام انجام اعمال آن است. و اما وسیله نقلیه، هنگامی از امکانات مالی شمرده می‌شود که نیازمند به آن باشد، مانند سوارشدن و یا حمل بار و توشه راه، بنابراین اگر شخص توانایی داشته باشد که پیاده به حج برود بدون آنکه به سختی و مشقت بیفتد، مستطیع شمرده می‌شود و استطاعتش متوقف بر وجود وسیله نقلیه نیست.

مسأله ۱۴— لازم نیست که مکلف در وطن خود امکانات مالی داشته باشد، بلکه اگر برای تجارت و یا کار به شهری نزدیک میقات، مثل مدینه منوره مسافرت کند و مالی به دست بیاورد که هزینه‌های حج از همانجا را کفایت کند، حج بر او واجب می‌گردد. و همچنین اگر با مشقت و سختی به محلی که نزدیک میقات است مسافرت کند و سپس آنجا مالی به دست آورد که کفاف هزینه حج را می‌کند، حج بر او واجب می‌شود، بلکه حتی اگر بعد از اینکه با مشقت و سختی احرام بسته است، مال کافی برای حج به دست آورد، باید به میقات مراجعت نموده و دوباره برای حجت الاسلام مُحرَم شود، و اگر برگشتن به میقات ممکن نباشد، در صورتی که سر راه او میقات دیگری باشد، واجب است از آنجا احرام ببندد، و اگر نباشد از محل فعلی

احکام استطاعت..... ۱۱

مُحَرَّم می‌شود، و احتیاط آن است که به اندازه ممکن از محلش دور شده و احرام ببندد.

مسأله ۱۵— اگر انسان دارای ملک و یا کالایی باشد که جوابگوی هزینه‌های سفر حج است ولی فروش آن به قیمت متعارف و معقول مقدور نیست، در صورتی که فروشنده از فروش آن بیش از حد متعارف ضرر نمی‌بیند واجب است به کمتر از قیمت معمولی بفروشد.

و همچنین اگر هزینه‌های سفر حج بالابرد — مانند قیمت بلیط هواپیما، چادر، هتل و غیره — چنانچه این افزایش قیمت، ضرری بیش از حد متعارف، داشته باشد، تاخیر حج تا سال آینده جایز است و گرنه جایز نیست، و از همین قبیل است اگر طلبی به صورت مدت دار (که زمان ادایش نرسیده) از کسی داشته باشد، که اگر بتواند آن را بفروشد هزینه حج او را کفاف می‌دهد، در صورتی که ضرری بیش از حد متعارف برای فروشنده نداشته باشد، فروش آن واجب است.

مسأله ۱۶— سوغات و هدایایی که حاجی‌ها برای نزدیکان خویش تهیه می‌کنند جزء استطاعت شمرده نمی‌شود و ناتوانی از خرید آنها مجوز ترک حج نمی‌شود، بلی اگر شخصی بان خریدن هدایا واقعا به عسر و حرج می‌افتد، مانند موارد حرجی دیگر، حج بر چنین شخصی واجب نیست.

مسأله ۱۷— اگر شخصی — چه مرد و چه زن — مالی به دست آورد که کفاف هزینه حج از طریق زمینی را می‌کند ولی جوابگوی سفر هوایی نیست، واجب است از راه زمینی حج نماید به شرط اینکه موجب، زحمت

۱۲..... مناسک حج

و مشقت نباسد و گرنه تا هنگامی که هزینه سفر هوایی را به دست نیاورد، حج بر وی واجب نخواهد بود.

مسأله ۱۸- اگر زنی مهریه خود را که از همسرش دریافت نموده چنانچه به اندازه‌ای است که کفاف هزینه‌های سفر حج را می‌کند — با کنار گذاشتن موارد و خرج‌های متعارفی که در زندگی زناشویی معمول و مرسوم است به شرط آنکه ترک آنها مشقت نداشته باشد — حج بر او واجب خواهد بود. و همچنین اگر زنی بی‌نیاز از زیور آلات خود باشد و قیمت آنها کفاف هزینه‌های حج را بکند — با توجه به خرج‌های متعارف و مرسوم که ترک آنها موجب عسر و حرج می‌گردد — حج بر او واجب می‌شود. و از این قبیل است آنچه که زن بعد از ازدواج به عنوان هدیه به دست می‌آورد، چنانچه به مقداری می‌باشد که امکانات مالی وی را فراهم نماید، موجب استطاعت و وجوب حج خواهد شد.

مسأله ۱۹- اگر امکانات مالی به صورت قرضی باشد که شخص آن را گرفته است، در صورتی که مطمئن باشد هنگام رسیدن زمان ادای دین دچار مشکل نمی‌شود، استطاعت محقق می‌گردد، البته واجب نیست ابتداءً برای حج قرض کند گرچه بداند که در ادای آن دچار مشکل نخواهد شد، ولی پس از قرض گرفتن، حج بر او واجب می‌گردد و حش صحیح بوده و از حجت الاسلام کفایت می‌کند. و از این قبیل است وامی که کارمند دولتی می‌گیرد اگر چه گرفتن آن واجب نیست ولی پس از دریافت آن، اگر کفاف

احکام استطاعت..... ۱۳

هزینه حج را بکند و نیز مطمئن باشد که در موعد مقرر قادر به باز پرداخت آن است، حج بر او واجب و صحیح می‌باشد و حجت الاسلام شمرده می‌شود.

مسئله ۲۰- اگر مالی را به صورت قرض به ذمه فردی داشته باشد که زمان ادای آن فرارسیده ولی او از پرداخت آن شانه خالی می‌کند و چنانچه بدون مراجعه به محاکم شرعی یا عرفی، وصول نمی‌شود، در این صورت اگر محذوری نداشته باشد، واجب است مراجعه نماید. و همچنین اگر مال، به صورت قرضی باشد که هنوز وقت پرداخت آن نرسیده است و شخص می‌تواند آن را به قیمت معقولی بفروشد که کفاف هزینه‌های سفر حج را بکند، فروش آن واجب است.

مسئله ۲۱- اگر انسان مالی داشته باشد که از مصارف حج کفایت می‌کند ولی از طرف دیگر نیاز به ازدواج و یا خرید خانه برای سکونت و امثال آن داشته باشد، در این صورت واجب است آن مال را در راه حج صرف کند و نیازهای دیگر را کنار بگذارد مگر آنکه عدم توجه به آن نیازها موجب عسر و حرج گردد.

مسئله ۲۲- اگر اموال انسان به صورت لوازم متعارف زندگی از قبیل خانه و اثاثیه منزل و ماشین و غیره باشد، این موارد از استطاعت مالی حج، مستثنی نیست. مگر آنکه نیاز انسان به آنها بنحوی باشد که صرف آن در راه حج موجب مضیقه و عسر و حرج گردد؛ مثلاً اگر خانه‌اش را بفروشد و در خانه استیجاری یا وقفی سکونت کند، مناسب شأنش نباشد و در فشار و عسر و حرج بیفتد. بلی اگر چنین کاری برای وی سختی و مشقت نداشته باشد،

۱۴..... مناسک حج

باید خانه را فروخته و پول آن را در راه حج مصرف کند، مانند کسی که سکونت در خانه وقفی یا استیجاری منافی شأنش نباشد که در این صورت مستطیع بوده و حج بر او واجب است. همچنین اگر لوازم متعارف زندگی، بیشتر از نیاز انسان باشد و آن زیادی کفاف هزینه‌های حج را می‌نماید، واجب است اضافی را بفروشد و یا آنها را به لوازم ارزانتر تبدیل نماید و قیمت اضافی را در راه حج مصرف کند.

مسئله ۲۳ — با سهم امام استطاعت حاصل نمی‌شود و اما با سهم سادات، با ملاحظه دو امر استطاعت محقق می‌گردد.

اول — مقدار سهم ساداتی که شخص قبض می‌نماید برای هزینه حج کفایت نماید.

دوم — مطمئن باشد اگر این مال را در راه حج صرف کند، پس از بازگشت در مضیقه مالی و عسر و حرج نمی‌افتد؛ در مورد زکات نیز مانند سهم سادات باید عمل نمود.

مسئله ۲۴ — اگر مالک به اندازه هزینه حج از سهم سادات و یازکات به شخصی بپردازد، در این صورت حق ندارد بر او شرط کند که به حج برود.

مسئله ۲۵ — کسی که دارای امکانات مالی و مستطیع است، اگر با سختی و تنگدستی و با اموال غصبی حج نماید، کفایت می‌کند به شرط اینکه پول قربانی او غصبی نباشد؛ مانند اینکه آن را با مال شخصی و یا با پول کلی در ذمه خریداری نماید.

احکام استطاعت..... ۱۵

مسئله ۲۶— با مالی که ملکیتش متزلزل است استطاعت حاصل می‌شود، بلکه حتی با اباحه تصرف - بدون ملکیت - استطاعت تحقق می‌یابد.

مسئله ۲۷— اگر شخصی مالی را به دست آورد که کفاف هزینه‌های حج را بکند، واجب است با آن مال به حج برود و جایز نیست آن را در نیازهای ضروری و معمولی زندگی مصرف کند مگر آنکه موجب مشقت و سختی طاقت فرسایی شود.

مسئله ۲۸— اگر انسان در شهری مالی دارد که به تنهایی و یا به ضمیمه اموالی که در اختیارش می‌باشد، کفاف هزینه‌های حج را بکند و بتواند آن مال را با حواله و یا بنحو دیگری به دست آورد، حج به صورت فوری می‌باشد، و اگر کوتاهی و یا سهل انگاری نماید تا اینکه آن مال از دست برود، گناهکار بوده و حج بر وی مستقر می‌شود.

احکام استطاعت بذلی

مسئله ۲۹— اگر کسی مالی را به شخص دیگری ببخشد، این بخشش چند صورت دارد:

اول— اینکه آن مال را به شرط انجام حج ببخشد؛ در این صورت قبول این بخشش و انجام حج واجب است.

دوم— اینکه آن مال را به شخصی ببخشد و او را در انجام حج و یا صرف مال در جهات دیگر مخیر کند؛ در این صورت ظاهر این است که قبول بخشش واجب نیست گرچه قبول آن احوط و بهتر است. ولی اگر قبول کند، در این صورت فراهم شدن شرایط دیگر، حج بر او واجب می‌گردد.

۱۶..... مناسک حج

سوم— اینکه آن مال را به شخصی ببخشد، بدون اینکه موضوع حج را مطرح کند؛ در این صورت پذیرفتن این بخشش واجب نیست. ولی اگر قبول کند وسائر شرایط فراهم باشد، حج بر او واجب می‌شود.

مسأله ۳۰— بذل مال با وصیت نیز تحقق پیدا می‌کند، مانند اینکه متوفی وصیت کند که مالی را به شخصی برای انجام حج بدهند و یا اینکه به وصیش بگوید که از ثلث مالش، هزینه حج شخصی را بپردازد.

مسأله ۳۱— استطاعت بذلی با پرداخت کلیه هزینه حج از قبیل هزینه رفتن و برگشتن و مصارف انجام مناسک حج، محقق می‌شود، و پول قربانی نیز جزء هزینه‌های حج است، بنابراین اگر بذل کننده از دادن پول قربانی امتناع نمود، قبول بذل واجب نیست، مگر آنکه گیرنده شخصا توانایی خرید قربانی را داشته باشد؛ و اما کفارات، برعهده خود شخص است نه بر بذل کننده.

مسأله ۳۲— در استطاعت بذلی فرقی نمی‌کند که بذل کننده مال را به خود گیرنده بدهد و یا اینکه متکفل مخارج حج اوشود؛ مثلا به او بگوید «به حج برو و خرجت برعهده من باشد» و یا اینکه او را همراه خود به حج ببرد.

مسأله ۳۳— اگر کسی به دیگری بگوید از طرف من قرض بگیر و با آن حج انجام بده، این کار بر او واجب نیست.

مسأله ۳۴— برگیرنده بذل، فقط حجی که در شرع مقدس در صورت استطاعت، وظیفه‌اش بود واجب می‌گردد؛ بنابراین اگر فاصله وطن و مسکنش از مسجدالحرام شانزده فرسخ و یا بیشتر باشد، وظیفه‌اش در

احکام استطاعت بذلی ۱۷

صورت استطاعت، حج تمتع خواهد بود، و اگر اقامتگاه وی در فاصله‌ای کمتر از شانزده فرسخ باشد، وظیفه‌اش حج افراد است؛ پس اگر به شخصی که در فاصله دور از مسجد الحرام زندگی می‌کند مالی بذل شود که با آن حج تمتع انجام دهد، واجب است آن را قبول نماید ولی اگر به همین شخص، مالی داده شود تا حج افراد بجای آورد، پذیرفتن آن واجب نیست. و عکس مسأله در مورد شخصی صادق است که در فاصله کمتر از شانزده فرسخ اقامت می‌کند.

مسأله ۳۵— در وجوب حج به وسیله بذل مال، بین اینکه باذل یک نفر باشد و یا بیشتر از یک نفر، فرقی نیست.

مسأله ۳۶— اگر مالی که کفاف هزینه یک حج را می‌نماید به عده‌ای بذل شود؛ معروف و مشهور این است که وجوب حج بر همه ثابت می‌شود، منتها اگر یکی از آنها بر دیگران پیشی گرفته و آن مال را به دست آورد، حج بر او واجب شده و از بقیه ساقط می‌گردد، و اگر همه افراد حج را ترک کنند، — در حالیکه هر یک قدرت به دست آوردن آن مال را داشته باشد — حج بر همگی مستقر می‌گردد؛ ولی این حکم بی‌اشکال نیست و احتیاط ترک نشود.

مسأله ۳۷— انجام حج بذلی از حجت الاسلام کفایت می‌کند، بنابراین پس از انجام حج بذلی اگر شخص مستطیع گردد، مجدداً حج براو واجب نمی‌شود.

۱۸..... مناسک حج

مسأله ۳۸— اگر کسی به شخصی مالی ببخشد که کفای هزینه حج را می‌کند او را مخیر سازد که یا به حج برود و یا به زیارت حضرت امام حسین (ع) مشرف شود، پذیرفتن این مال و حج رفتن بر او واجب نیست.

مسأله ۳۹— اگر بذل کننده مالی را معین نمود به تصور اینکه کفای هزینه حج را می‌نماید؛ وبعد از مدتی معلوم شد که کافی نیست، بذل مابقی بر او واجب نیست.

مسأله ۴۰— بذل کننده می‌تواند پیش از مُحرم شدن گیرنده بذل، از بذل خود صرف نظر کند، چه بذلش به صورت اباحه تصرف و یا بنحو هبه باشد، البته در صورتی که گیرنده در مال بذل شده تصرفی که باعث تغییر و دگرگونی آن گردد، نکرده باشد. بعد از مُحرم شدن، جایز است که از بذل خود برگردد؛ و در این صورت اتمام حج بر گیرنده بذل، اگر مقدور باشد، واجب است و آن مقدار از مالی را که تاکنون از مال بذل شده مصرف کرده، برای بذل کننده ضامن نیست.

مسأله ۴۱— اگر بذل کننده در میانه راه از بذل خود صرف نظر کند، بعید نیست که هزینه برگشت برعهده بذل کننده واجب باشد.

مسأله ۴۲— اگر مال بذل شده در اثنای راه به هر دلیلی از بین برود، استطاعت مالی بذلی نیز از بین می‌رود و انجام حج برگیرنده بذل واجب نیست، مگر آنکه خودش شخصاً امکانات مالی برای اتمام حج داشته باشد که در آن صورت اتمام حج بر او واجب بوده و از حجت الاسلام کفایت خواهد کرد.

احکام استطاعت بذلی ۱۹

مسأله ۴۳— اگر بعد از انجام حج معلوم گردد مال بذل شده، غصبی است، بعید نیست که از حجت الاسلام، مجزی باشد بشرط اینکه گیرنده بذل غافل و یا جاهل به موضوع غصب باشد.

مسأله ۴۴— در استطاعت بذلی، بذل مال به اندازه‌ای که هم جوابگوی هزینه زندگی گیرنده بذل باشد و هم مخارج سفر حج را کفایت کند شرط نیست؛ اگر بذل کننده مصارف رفت و برگشت و هنگام مراسم حج را بذل کند، در صورتی که گیرنده بذل بعد از انجام حج، بدون عسر و مشقت به امور زندگی خود ادامه بدهد، قبول بذل واجب و به عهده نگرفتن مصارف زندگی او از سوی باذل، عذری برای ترک حج نمی‌شود.

اما اگر این کار برای او ممکن نباشد؛ مانند کسی که کارمند دولیت است و اجازه سفر حج ندارد، و چنانچه مسافرت کند شغل و حقوقش را از دست می‌دهد و پس از مراجعت با توجه به اینکه باذل مصارف زندگی او را به عهده نگرفته، دچار مشکل می‌شود، قبول بذل در اینصورت واجب نخواهد بود و برای ترک حج معذور است.

مسأله ۴۵— اگر گیرنده بذل، بدهکار باشد قبول حج بذلی بر او واجب است به شرط اینکه سفر حج فرصت ادای بدهی وی را از بین نبرد و در غیراین صورت قبول بذل واجب نخواهد بود.

رکن دوم: امنیت و سلامت

مسأله ۴۶— اگر در راه سفر حج، مالیات قابل توجهی از شخص حاجی دریافت گردد، چنانچه مالیات مذکور، به نحو متداول و متعارفی باشد— مانند

۲۰..... مناسک حج

آنچه که حکومت از هر شخصی که وارد آن دیار مقدس می‌گردد دریافت می‌کند — چنین مالیاتی مانع وجوب حج نخواهد بود و باید آن را بپردازد، هر چند که موجب ضرر و زیان بر شخص باشد، اما اگر آن مالیات غیرعادی و نامانوس باشد مانند آنچه که دزدان و راهزنان مطالبه می‌کنند، در این صورت شرط امنیت مفقود و حج واجب نخواهد بود.

مسأله ۴۷ — اگر عوارض مذکور غیر متداول و بحسب اتفاق و تصادفا مطالبه شود، در صورتی که مقدارش اندک باشد، لازم است پرداخت گردد و مانع وجوب حج نمی‌شود و حتی تاخیر آن را تا سال آینده توجیه نمی‌کند؛ ولی اگر مقدار عوارض قابل توجه باشد، در صورتی که دریافت آن از شخص در راه حج به امنیت و سلامت او اخلال وارد کند، وجوب حج منتفی می‌گردد؛ اما اگر موجب چنین اخلالی نشود، پرداخت آن واجب است هر چند موجب ضرر و زیان شود به شرط اینکه ضرر بیش از حد معمول نباشد.

مسأله ۴۸ — چنانچه مسیر معمولی حج به خاطر وجود دزدان و راهزنان امنیت نداشته باشد، وجوب حج ساقط می‌گردد. البته اگر راه دیگری وجود داشته باشد که طولانی‌تر و پرهزینه‌تر از راه معمولی باشد ولی امنیت دارد، بر کسی که قدرت مالی داشته باشد، انجام حج از همان راه واجب بوده و تاخیر آن جایز نیست.

مسأله ۴۹ — اگر کسی فرزندان کوچکی دارد و بخواهد به سفر حج برود، چنانچه به دلیل عدم وجود امنیت از تلف شدن آنها در هراس باشد، حج بر او واجب نیست.

مسئله ۵۰- کسی که اموال قابل توجهی در وطنش در اختیار دارد و می‌ترسد که در غیاب او از بین برود، در این صورت به خاطر نبود امنیت مالی، وجوب حج از اوساقت می‌گردد. وهم چنین کسی که تجارت و دادو ستد و امثال آنها دارد و در صورت مسافرت از تلف شدن آنها بترسد، حج بر او واجب نیست، به طور کلی کسی که بر جان و اموال و ناموس خود هنگام سفر به حج، بترسد، حج بر او واجب نمی‌باشد.

مسئله ۵۱- اگر زنی مستطیع گردد ولی از سفر بدون مُحرم بترسد و از طرفی همراه بردن مُحرم برایش ممکن نباشد، حج بر وی واجب نیست، البته اگر از امنیت و سلامتی خود مطمئن باشد و حج را انجام دهد، حجتش صحیح می‌باشد و همراه داشتن مُحرم بر او واجب نیست گرچه امکان آن باشد؛ بنابراین وجود مُحرم شرط اصلی وجوب حج بر او نیست، بلکه ترس از سفر بدون مُحرم، شرط است.

مسئله ۵۲- اگر انسان استطاعت مالی فقط برای هزینه‌های سفر زمینی دارد، ولی از سفر زمینی می‌ترسد، حج بر او واجب نمی‌باشد.

مسئله ۵۳- اگر راه سفر منحصر از طریق دریا باشد و انسان از سفر دریایی هراس دارد، حج بر او واجب نمی‌باشد؛ ولی اگر در این حالت سفر دریای انجام دهد و حج بجای آورد، در این صورت حج در دریا با حالت ترس و بدون احساس امنیت احرام ببندد، حجتش صحیح نیست و از حجت الاسلام کفایت نمی‌کند. اما اگر در آنجا احرام نبندد تا به جده برسد و آنگاه به یکی از میقاتها عزیمت نموده و از آنجا مُحرم شود، حجتش صحیح

۲۲..... مناسک حج

است. همچنین اگر رفتن به میقات برایش ممکن نباشد و از جده احرام ببندد، حج او صحیح خواهد بود.

مسأله ۵۴— اگر مسیر راه تامیقات نا امن باشد ولی از میقات تامکه امنیت دارد و با این حال بسوی میقات حرکت کند، در این صورت اگر سالم بمیقات برسد و مستطیع هم باشد، انجام حج بر او واجب است.

رکن سوم: تمکن (ما به الکفایه)

منظور از ما به الکفایه و رکن سوم این است که شخص پس از بازگشت از سفر حج بتواند به صورت عادی به وضعیت اقتصادی زندگی خویش ادامه دهد بدون آنکه در مضیقه و مشقت بیفتد که حکم موارد مختلف مربوط به رکن سوم به ترتیب زیر بیان می شود:

مسأله ۵۵— اگر انسان سرمایه اندکی برای امرار معاش خود داشته باشد، در این صورت حتی اگر تمکن مالی و امنیت (رکن اول و دوم استطاعت) برای او فراهم باشد ولی رکن سوم آن به خاطر هزینه های سفر حج فراهم نباشد، یعنی پس از بازگشت از حج، در امور زندگی دچار مشکل و مضیقه قرار گیرد، برچنین شخصی حج واجب نیست.

مسأله ۵۶— شاگردی که نزد شخصی کار می کند و مرخصی به وی داده نشود، گرچه امکانات مالی برای حج داشته باشد اگر برای حج مسافرت کند، و پس از بازگشت کارش را از دست بدهد و در عسر و حرج بیفتد، در این صورت حج بر او واجب نیست.

مسئله ۵۷- اگر کارمند دولت امکانات مالی برای هزینه‌های حج را دارا باشد ولی برای سفر حج به اوازازه داده نشود و در صورت مسافرت به حج، پس از بازگشت شغل خویش را از دست بدهد در زندگی دچار مشکل گردد، حج بر او واجب نیست.

مسئله ۵۸- کسی که از وجوه شرعی زندگانی خود را اداره می‌کند، اگر مالی به دست آورد که کفاف هزینه حج را بکند، حج بر او واجب خواهد شد، زیرا وجوهات شرعی بعد از بازگشت از سفر حج بدون اینکه در سختی و مشقت بیفتد هزینه زندگی وی را به صورت عادی کفایت خواهد کرد، و همچنین کسی که خرج زندگی او مادام العمر تضمین شده باشد مانند زوجه؛ و یا شخصی که زندگی‌اش از هدایا و عطایای خویشاوندان و دیگران تامین شود، مانند انسان از کارافتاده که زندگی‌اش قبل از سفر حج و پس از آن یکسان است، در صورت به دست آوردن مالی که کفاف هزینه حج نماید، حج بر او واجب می‌شود.

مسئله ۵۹- صنعت گران و صاحبان حرفه و پیشه مانند خیاط، بنا، آهنگران و امثال اینها که به طور طبیعی درآمد زندگیشان از طریق حرفه و تخصصشان به دست می‌آید، اگر مالی به دست آورند که کفاف هزینه حج را بکنند، حج بر آنان واجب است، و از این قبیل است سائلی که به وسیله گدایی زندگی می‌کند، اگر مالی کافی برای حج به دست آورد، حج بر او واجب خواهد شد.

۲۴..... مناسک حج

مسئله ۶۰- اگر کسی پس از اعمال حج، هزینه بازگشت به وطنش تلف گردد، با توجه به اینکه در رکن اول گفته شد که هزینه‌های حج شامل رفت و برگشت و مخارج هنگام ادای مناسک می‌شود، این شخص از ابتدا مستطیع نبوده است.

مسئله ۶۱- بعید نیست با توجه به رکن سوم کسی که تمکن مابه الکفایه‌اش را از دست بدهد، از ابتدا مستطیع نباشد.

موانع وجوب حج

مسئله ۶۲- اگر واجبی مهمتر از حجت الاسلام متوجه مکلف باشد، مانند ادای بدهی که وقت ادای آن فرارسیده و طلب کار آن را مطالبه می‌کند و یا نجات جان نفس محترمه‌ای از هلاکت — مانند نگهداری از بیماری که در صورت رها نمودن فوت کند — در اینصورت واجب است واجب مهمتر بر حج مقدم گردد، ولی با وجود این اگر مکلف واجب اهم را ترک نمود و مالش را در راه حج صرف کرد و حج انجام داد، حجتش صحیح و از حجت الاسلام کفایت خواهد کرد گرچه معصیت نموده است.

مسئله ۶۳- اگر انسان مالی به دست آورد که هزینه حج را کفایت نماید ولی از طرفی به دلیل اینکه مال دیگری را تلف کرده و از این بابت به او بدهکار باشد، واجب است که آن مال را در راه ادای دین خود صرف نماید، گرچه دینش پس از مستطیع شدن پیش آمده باشد. اما اگر نیاز مبرمی برای صرف آن مال در مورد خاصی باشد به طوریکه اگر آن مال را هزینه

موانع وجوب حج ۲۵

حج بنماید در مضيقه و سختی خواهد افتاد، واجب نیست آن را در راه حج مصرف کند، بلکه اگر آن مال را در مورد حج خرج کند، حج ابطال و مجزی از حجت الاسلام نمی‌باشد.

مسأله ۶۴— اگر انسان از بابت خمس و زکات بدهکار باشد و در عین حال مالی نزد او است که جوابگوی هزینه‌های حج باشد، واجب است آن را برای ادای خمس یا زکات مصرف کند، اما اگر اصرار بر حج داشته باشد و با آن مال حج نماید، حجش صحیح و از حجت الاسلام کفایت می‌کند، گرچه معصیت نموده است.

مسأله ۶۵— اگر خمس یا زکات به عین اموال انسان — نه بر ذمه اش — تعلق بگیرد مانند اموال تجارتي و غیره، او بخواهد با این اموال به حج برود بدون آنکه خمس و یا زکات آن را خارج کند، حجش صحیح است بشرط اینکه پول قربانی‌اش حلال باشد و یا آن را در ذمه خریداری کرده باشد. البته سهل انگاری و کوتاهی در اخراج حقوق شرعی از اموال جایز نیست و همچنین جایز نیست سفر حج را بهانه تأخیر در این امر به حساب آورد.

مسأله ۶۶— در صحت طواف، مباح بودن پوشش و لباسهای احرام شرط نیست؛ بنابراین اگر لباسهای احرام و پوشش غصبی و یا مورد تعلق حقوق شرعی از قبیل خمس یا زکات باشد، طواف باطل نخواهد بود، گرچه این شخص گناهکار است.

مسأله ۶۷— همانطوری که قبلاً گفته شد وجوب ادای دین، مانع حصول استطاعت مالی نمی‌شود بلکه مانع وجوب حج می‌باشد، بنابراین وجوب

۲۶..... مناسک حج

ادای دین از وجوب حج مهمتر است. ولی در استطاعت بذلی، مکلف نمی‌تواند مال بذل شده را در غیر حج مصرف نماید؛ بنابراین هیچ چیز نمی‌تواند مانع وجوب حج بذلی گردد. البته اگر سفر حج فرصت ادای دین شخص را از بین ببرد، قبول این بذل بر او واجب نیست.

مسئله ۶۸- نفقه افراد تحت تکفل انسان در اثنای مراسم حج، اگر از نوع دینی باشد که بر ذمه شخص است، مانند نفقه زوجه — مانع وجوب حج می‌گردد، ولی اگر تنها یک وظیفه شمرده شود — مانند نفقه اولاد و والدین — مانع بودن آن از وجوب حج مورد اشکال است، بلکه می‌توان گفت مانع نیست.

مسئله ۶۹- اگر شوهر همسرش را از سفر حج منع کند، اثری ندارد و اجازه گرفتن زن از شوهر برای سفر حجت الاسلام واجب نیست، ولی اگر سفر برای حج مستحبی باشد، گرفتن اجازه از شوهر لازم است.

مسئله ۷۰- در صورت استطاعت، نذر یا عهد و سوگند نمی‌تواند مانع وجوب انجام حج شود، مانند اینکه کسی نذر نموده که هر سال در روز عرفه به زیارت حضرت امام حسین U برود.

مسئله ۷۱- اگر شخصی به مدت یکسال مثلاً برای انجام کاری اجیر شده باشد و سپس در همین مدت مستطیع گردد، حج بر وی متعین است و آن مقدار از اجاره که باحج منافات دارد باطل خواهد شد.

مسئله ۷۲- اگر فرزند امکانات مالی سفر حج اعم از هزینه رفت و برگشت و حین عمل را داشته باشد ولو پدر به دلایلی ممانعت نماید، حج بر

احکام متفرقه استطاعت ۲۷

او واجب خواهد بود و جایز نیست به خاطر ایثار آن اموال بر پدر، از حج چشم پوشی کرد؛ البته اگر فرزند نذر کرده که به حج برود، پدر می‌تواند آن را نقض نماید، همچنانکه اگر حج فرزند مستحبی باشد، می‌تواند آن را به خاطر ایثار بر پدرش ترک نماید.

احکام متفرقه

مسأله ۷۳- اگر انسان در واقع تمام شرایط استطاعت را داشته باشد، ولی نسبت به آن جاهل بوده و یا غافل از وجوب حج بر خود باشد تا اینکه پس از دست دادن اموالش متوجه گردد که واجب الحج بوده، در این صورت اگر جهل و غفلت او ناشی از سهل انگاری و سستی در یادگیری احکام دین و اهمیت ندادن به آن باشد، حج بر او مستقر است، ولی اگر چنین نباشد مستقر نمی‌باشد.

مسأله ۷۴- اگر انسان به اعتقاد اینکه مستطیع نشده است حج مستحبی انجام دهد، سپس معلوم شود که مستطیع بوده، در این صورت حجتی را که بجا آورده از حجت الاسلام کفایت نمی‌کند.

مسأله ۷۵- اگر شخصی به خاطر خدمت به حاجیان و گرفتن اجرت در راه حج و هنگام انجام اعمال حج، مستطیع شود، حج بر او واجب خواهد شد، در صورتی که آن را بجای آورد از حجت الاسلام کفایت می‌کند.

مسأله ۷۶- جایز است شخص مستطیع در صورتی که منافاتی با اعمال او نداشته باشد، خود را برای خدمت به حجاج در مسیر حج و نیز در مکه و مدینه اجیر نماید.

۲۸..... مناسک حج

مسئله ۷۷- اگر از شخصی خواسته شود که خود را برای خدمت در مقابل اجرت زیادی که متکفل تمام هزینه‌های حج باشد، اجیر نماید، واجب نیست آن را قبول نماید.

مسئله ۷۸- اگر کسی با اجیر کردن خودش برای انجام حج دیگری و گرفتن اجرت مستطیع شود، آیا لازم است ابتدا حج دیگری را انجام دهد یا حج خودش را؟ در این فرض باید گفت که اگر مورد اجاره مقید به سال اول باشد، واجب است ابتدا حج استیجاری را انجام دهد، ولی اگر مقید به سال اول نباشد، در صورتی که مطمئن باشد که در سال آینده می‌تواند حج استیجاری را انجام دهد، واجب است حج خود را مقدم کند.

مسئله ۷۹- اگر شخصی بدون استطاعت و با تحمل سختی حج بجای آورد، از حجت الاسلام که وظیفه اولی شخص مستطیع است کفایت نمی‌کند.

مسئله ۸۰- اگر کسی با اینکه مستطیع نباشد به نیابت از طرف دیگری و یا بطور مجانی حج انجام دهد، و چنانچه بعدا مستطیع شود، بعید نیست حج تبرعی یا نیابتی او مجزی از حجت الاسلام باشد ولی در عین حال، بنا بر احتیاط واجب بعد از استطاعت، حجت الاسلام را بجای آورد.

مسئله ۸۱- بر هر مستطیعی واجب است در صورت امکان، خودش شخصا به انجام حج اقدام نماید و انجام حج شخص دیگر چه با اجاره و چه تبرعا - برای وی مجزی نیست.

احکام متفرقه استطاعت ۲۹

مسأله ۸۲ — اظهار آن است که کافر، مکلف به فروع است؛ بنابراین در صورت استطاعت، حج بر او واجب است.

مسأله ۸۳ — اسلام شرط صحت عبادت نیست؛ بنابراین اگر کافر مستطیع مسلمان شود، در صورتی که استطاعتش بعد از اسلام آوردن باقی مانده باشد، حج بر او واجب خواهد بود ولی اگر بعد از زایل شدن استطاعت اسلام بیاورد، حج بر او واجب نیست گرچه در زوال استطاعت مقصر باشد.

مسأله ۸۴ — کافری که استطاعت دارد و حج را انجام نمی‌دهد سپس استطاعتش از بین برود، حج بر او واجب نیست.

مسأله ۸۵ — اگر کافر پس از مُحْرَم شدن از میقات، اسلام بیاورد، آیا همان احرام مجزی است یا اینکه باید در صورت امکان به میقات برگشته و مجدداً مُحْرَم شود و در صورت عدم امکان بازگشت، از محل فعلی احرام بندد؟

بعید نیست که احرام از محل فعلی مجزی باشد، گرچه بهتر و احوط آن است که به میقات بازگشته و از آنجا احرام ببندد.

مسأله ۸۶ — مشهور آن است که حج بر مرتد واجب است؛ پس حج او در حال ارتداد، صحیح است یا نه؟

بعید نیست صحیح باشد، گرچه احتیاط در این است که پس از توبه حجتش را اعاده نماید.

مسأله ۸۷ — اگر مسلمان غیر شیعه حج انجام دهد، سپس شیعه شود، در صورتی که یکی از دو شرط ذیل را دارا باشد، اعاده بر او واجب نیست: اول

۳۰..... مناسک حج

— اینکه حج او بنا بر مذهب خودش صحیح بوده، گرچه بنا بر مذهب شیعه باطل باشد. دوم — اینکه حج او بنا بر مذهب شیعه صحیح بوده، گرچه بنا بر مذهب خودش باطل باشد.

مسأله ۸۸ — اگر حج بر شخصی واجب شود و او به خاطر سستی و کوتاهی آن را به تأخیر بیندازد تا استطاعتش از بین برود، حج بر ذمه او مستقر خواهد شد، و در این صورت واجب است بهر طریق ممکن — گرچه با سختی و مشقت همراه باشد — آن را بجای آورد، و اگر بمیرد، واجب است از ترکه او حج را قضا نماید. و همچنین است حکم در حج افراد، قران و عمره مفرده.

احکام نیابت

مسأله ۸۹ - در صحت نیابت از شخص زنده - چه مرد و چه زن - دو امر معتبر است:

اول - استقرار حج در ذمه شخص، مثل اینکه استطاعت مالی داشته باشد، ولی به دلیل بیماری ویامانع دیگری حج برایش مقدور نباشد، و یا اینکه در زمانی امکان داشته ولی کوتاهی نموده و به حج نرفته است تا اینکه توانایی انجام حج از او سلب شده است.

دوم - آنکه امید دست یابی و توانایی رفتن به حج را شخصا در طول عمر خویش نداشته باشد.

مسأله ۹۰ - کسی که حج بر ذمه‌اش مستقر شده و شخصا از انجام آن به دلیل بیماری و یا پیری ویامانع دیگری ناتوان باشد - و امید به ادای حج در طول عمر خویش ندارد - وظیفه‌اش آن است که شخصی را نایب بگیرد، و بهتر آن است که نایب کسی باشد که قبلاً حج نرفته باشد.

مسأله ۹۱ - وجوب گرفتن نایب مانند وجوب حج - همانگونه که در مسأله دوم گفته شد - فوری است.

مسأله ۹۲ - حج نایب از شخص ناتوانی که زنده است و تا آخر عمر توان انجام حج را نداشته و به همان حالت از دنیا رفته است کفایت می‌کند. اما اگر بعد از انجام حج توسط نایب، توان انجام حج را به دست آورد و سپس از دنیا برود، در این صورت کفایت نمی‌کند، و اگر قبل از اینکه نایب

۳۲..... مناسک حج

حج را از طرف او انجام دهد، بهبود یابد و قدرت انجام حج را پیدا کند، به طریق اولی حج نایب کفایت نمی‌کند.

مسئله ۹۳— کسی که وجوب حج بر او مستقر شده، بعد از احرام و دخول در حرم فوت کند، از حجت الاسلام او کفایت می‌کند و در این مسئله فرقی بین حج تمتع و حج افراد نیست.

مسئله ۹۴— اگر کسی در اثنای عمره تمتع فوت کند، از حجت الاسلام کفایت می‌کند؛ ولی اگر اثنای حج افراد فوت کند، مجزی از عمره مفرده آن نیست.

مسئله ۹۵— اگر شخصی داخل حرم شود و سپس به هر دلیلی از آن خارج گردد و در خارج حرم بمیرد، کفایت نمودن از حجت الاسلام بدون اشکال خواهد بود، و بنا بر احتیاط قضا ترک نشود.

مسئله ۹۶— اگر شخصی به علت بیماری یا پیری و یا موانع دیگر قدرت بر انجام اعمال حج را شخصا نداشته و امیدی نیز به اعاده توانایی خویش تا آخر عمر ندارد، و وظیفه‌اش آن است که نایب بگیرد، و اگر این کار تا هنگام فوت وی به دلایلی انجام نگیرد، برولیش واجب است که شخصی را به نیابت از وی به حج بفرستد و هزینه حج از ترکه وی پرداخت می‌شود، البته اگر شخصی در سال استطاعت خود فوت نماید، چیزی بر گردن او نیست.

مسئله ۹۷— وظیفه شخص عاجزی که شخصا امیدی به انجام اعمال حج ندارد این است که فردی را به مکه مکرمه برای حج بفرستد، و اگر کسی به صورت مجانی از طرف وی حج نماید، مجزی نیست.

مسأله ۹۸— اگر برای مستطیعی در سال اول استطاعتش مرضی یا مانع دیگری پیش آید که نتواند حج را انجام دهد، در این صورت اگر یقین داشته باشد که این مانع تا آخر عمر وی باقی خواهد ماند، واجب است در همان سال برای حج نایب بگیرد و در تأخیر آن معذور نیست، البته اگر اطمینان داشته باشد که در صورت تأخیر تا سال آینده، حج از او فوت نخواهد شد، بعید نیست تأخیر جایز باشد گرچه تأخیر خلاف احتیاط است.

مسأله ۹۹— مواردی که واجب است نایب بگیرد فرقی بین اینکه علم به ادامه وجود مانع تا آخر عمر داشته باشد و یا اطمینان بدان حاصل نماید، و یا اینکه تعبدا استمرار وجود مانع را بپذیرد وجود ندارد، بنابراین در تمام این قرضها واجب است نایب بگیرد.

مسأله ۱۰۰— لازم نیست نایب برای شخصی که ناتوان و زنده است فردی باشد که اولین بار به حج می‌رود، گرچه چنین باشد بهتر است.

مسأله ۱۰۱— اگر کسی از جانب شخص زنده ناتوان که استطاعت مالی دارد نایب شود، کفایت می‌کند حتی اگر نایب زن باشد.

مسأله ۱۰۲— اگر کسی عذر مادر زادی داشته باشد که شخصا نمی‌تواند به حج برود، بعید نیست نایب گرفتن برای او واجب باشد. و اگر بدون انجا حج از دنیا برود، از ترکه او حج انجام دهد، واحوط آن است که از ورثه او نیز اجازه گرفته شود.

احکام نایب گرفتن

۳۴..... مناسک حج

مسأله ۱۰۳- اگر بر کسی حج واجب شود و با فراهم بودن همه شرایط تا هنگام وفات آن را انجام ندهد، واجب است حج نیابتی از جانب او انجام گیرد و هزینه‌های این حج از ترکه وی پرداخت می‌گردد؛ بنابراین اگر میت به حج وصیت نکرده باشد، تنها هزینه حج میقاتی از ترکه او داده می‌شود و بیش از این مقدار میت حق ندارد، و در حج میقاتی هزینه سفر از میقات به بعد به نایب داده می‌شود که مخارج آن کمتر از هزینه حج بلدی است؛ بنابراین اگر در نواحی میقات مانند مدینه منوره کسی پیدا شود که امکان اجیر نمودن وی برای حج باشد، نایب گرفتن او کافی است.

و اما اگر میت به حج وصیت کرده است، هزینه حج بلدی از ترکه او داده می‌شود، یعنی اگر میت در مورد ثلث اموال خویش وصیت کرده باشد که در موارد خیر و احسان صرف شود، واجب است اول هزینه و مخارج حج از اصل و مجموع ترکه جدا گردد و سپس مابقی اموال به سه قسمت تقسیم گردیده و یک قسمت آن طبق وصیت میت مصرف گردد.

مسأله ۱۰۴- اگر میت به انجام حج وصیت نماید و در ضمن، ثلث مالش را برای موارد دیگر وصیت کند، در مرحله اول واجب است از کل ترکه هزینه یک حج بلدی پرداخت گردد، سپس ثلث باقیمانده در موارد وصیت صرف شود.

مسأله ۱۰۵- اگر میت به حج و موارد دیگری مانند نماز و روزه از ثلث اموالش وصیت کند، در صورتی که ثلث مالش کفاف تمام موارد را بنماید، باید بدان وصیت عمل گردد، و اگر ثلث مال او تنها به مقدار نصف هزینه

تمام موارد باشد و حج مذکور، حجت الاسلام باشد، نصف هزینه حج از ثلث مال و نصف دیگر آن از اصل ترکه پرداخت گردد.

مسأله ۱۰۶— اگر کسی از دنیا برود چه مرد و چه زن و از وی مالی بجای بماند که خمس یا زکات به آن تعلق دارد، در عین حال حجت الاسلام را بجای نیاورده باشد، لازم است اول خمس یا زکات وی پرداخت گردد، و سپس اگر باقیمانده ترکه کفاف هزینه حج را ولو در حداقل بنماید، واجب است آن را در حج صرف نماید و اگر کفاف ندهد، وجوب حج ساقط میگردد؛ و آن مقدار باقیمانده در صورت عدم وجود بدهی و یا وصیت میت، ملک ورثه خواهد بود، و واجب نیست آنرا از مال شخصی خود جهت انجام حج تکمیل نمایند. البته اگر خمس یا زکات به ذمه میت بود — نه در عین مالی و ترکه اش — و ترکه، کفاف تمام موارد را نمی‌کرد، اظهر آن است که حج بر خمس یا زکات مقدم گردد، و در این مسأله فرقی بین بدهی شرعی و بدهی عرفی نیست. اما اگر چنین شخصی به حجت الاسلام وصیت نماید و در حالی که مالش مورد تعلق خمس یا زکات باشد، بر وصی واجب است که اول خمس یا زکات آن را اخراج نماید، سپس اگر مابقی مال، کفاف هزینه حج بلدی را نماید بر آن صرف شود، و اگر کفاف نکند، بر انجام حج میقاتی پرداخت شود، ولی اگر مابقی مال حتی کفاف هزینه حج میقاتی را نیز نکند، مال ورثه می‌شود بشرط اینکه میت بدهی و یا وصیت دیگری نداشته باشد.

۳۶..... مناسک حج

مسأله ۱۰۷— اگر برگردن میتی حجت الاسلام باشد، چنانچه ترکه بیش از مخارج حج باشد، تصرف ورثه در مقدار زائد جایز است بشرط اینکه مقدمات نیابت فراهم شود و از فوت آن بیم نداشته باشند والا جایز نیست.

مسأله ۱۰۸— اگر مقدار ترکه از حداقل هزینه حج کمتر باشد، وجوب حج ساقط می‌گردد و کل ترکه ملک ورثه خواهد بود به شرط آنکه بدهی ویا وصیتی نباشد؛ و واجب نیست ورثه، هزینه حج را از اموال شخصی خود تکمیل نمایند، همانگونه که واجب نیست ورثه تمام مخارج حج را ابدل نمایند، ودراین حکم بین اینکه میت به انجام حج وصیت کرده و یا نکرده باشد فرقی نیست.

مسأله ۱۰۹— اگر شخصی که حجت الاسلام بر او واجب است، بدون وصیت به آن، فوت نماید، واجب است برای اوفقط نایب حج میقاتی بگیرد بلکه حتی می‌تواند از نزدیکترین میقات برایش نایب بگیرد.

مسأله ۱۱۰— اگر حجت الاسلام بر شخصی واجب شود و قبل از انجام حج از دنیا برود، واجب است در همان سال فوت وی شخصی را اجیرنماید، و تأخیر آن تا سال آینده جایز نیست و نیافتن کسی که اجرت حج میقاتی در آن سال را بپذیرد، نمی‌تواند برای ورثه عذر تأخیر باشد، و لازم است در این صورت هزینه حج بلدی را از اصل ترکه بردارند، و همچنین اگر کسی بیش از مبلغ متعارف هزینه طلب نماید، در این صورت اگر شخصی که اجرت معمولی را بپذیرد پیدا نشود، واجب است پیشنهاد او را قبول کند، و جایز نیست حج تا سال آینده به تأخیر بیفتد.

مسأله ۱۱۱— اگر بین ورثه در وجوب حج بر میت اختلاف پیش بیاید؛ مثلاً برخی اقرار کنند که برگردن میت حجت الاسلام هست ولی برخی دیگر آن را انکار و یا از آن سرباز زنند، بر وارثی که این موضوع را پذیرفته، واجب نیست کل مخارج حج را از سهم ارث خود بپردازد، بلکه به نسبت ارث، بر تمام سهام ورثه تقسیم می‌گردد، بنابراین اگر هزینه حج به اندازه یک پنجم ترکه میت باشد، بر وی واجب است فقط یک پنجم آنچه به دست آورده برای حج میت بپردازد، و اگر یکی از آنها مجاناً بقیه هزینه‌ها را بدهد، بر او واجب است یک پنجم مال الارث خویش را ادا نماید، والا می‌تواند در تمامی سهم ارث خودش تصرف نماید و چیزی برگردن او نیست. و همچنین اگر برخی از ورثه بدهی میت را بپذیرند ولی دیگران آن را انکار و یا از آن سرپیچی نمایند، بر وارثی که اقرار کرده است واجب است فقط سهم خود را از آن بدهی بپردازد و لازم نیست کل بدهی را به گردن بگیرد.

مسأله ۱۱۲— اگر حجت الاسلام بر شخصی واجب شود و قبل از آنکه آن را بجای آورد و یا به آن وصیت کند از دنیا برود، چنانچه کسی بصورت مجانی به نیابت او اوجح را بجای آورد، تمامی ترکه ملک ورثه خواهد بود و لازم نیست مقدار هزینه حج را کنار گذاشته و در امور خیریه مصرف نماید.

و همچنین اگر میت از ترکه خود به حج وصیت نموده باشد ولی شخصی بصورت مجانی از طرف وی حج انجام دهد، در اینصورت نیز وصیت مذکور به جهت از بین رفتن موضوع آن ساقط می‌گردد و تمامی ترکه به

۳۸..... مناسک حج

ورثه منتقل خواهد می‌گردد مخارج حج از آن کسر نمی‌شود و در امور خیریه برای میت خرج گردد. البته اگر میت از ثلث اموال خود نسبت به حج وصیت کرده باشد و در همین حال شخصی بصورت مجانی از جانب وی حج انجام دهد، ورثه نمی‌توانند وصیت میت را نادیده بگیرند، بلکه می‌بایست به اندازه هزینه حج، از ثلث مال در امور خیریه صرف نمایند.

مسئله ۱۱۳— اگر میت از ترکه خود به حج وصیت نماید، واجب است وصی یا وارث شخصی را برای حج بلدی اجیر نماید، ولی اگر وصیت را مخالفت نموده و برای حج میقاتی شخصی را اجیر کند، تکلیف از گردن میت ساقط می‌گردد، و اعاده حج واجب نیست، گرچه وصی یا وارث معصیت نموده است. و در این صورت اجیر گرفتن برای حج میقاتی صحیح خواهد بود یا نه؟

چنانچه وصیت به حج بلدی معنایش این باشد که اجاره بر مقدمات و اعمال باهم باشد، در این صورت اجاره حج میقاتی باطل خواهد بود، و اگر معنایش فقط اجاره بر اعمال باشد — البته با این شرط که اجیر از بلد باشد — اجاره حج میقاتی مذکور صحیح می‌باشد. بنابراین در فرض اول اجیر فقط می‌تواند اجرت المثل — نه اجرت قراردادی — را مطالبه نماید ولی در صورت دوم، وی مستحق اجرت قراردادی می‌باشد.

مسئله ۱۱۴— اگر میت به حجت الاسلام از یک شهری غیر از بلد خویش وصیت نماید، واجب است وصی، شخصی را برای حج از آن شهر اجیر نماید و هزینه آن را از اصل ترکه بردارد، گرچه بیشتر از هزینه حج از

بلد خود میت باشد، به شرط اینکه در این وصیت غرض عقلائی در میان باشد، مانند اینکه حج نمودن از آن شهر دارای ثواب بیشتری باشد نه اینکه صرفاً برای ضررزدن به ورثه این وصیت را کرده باشد، همچنین نباید اجرت حج از آن شهر بیشتر از اجرت متعارف حج نیابتی بیشتر باشد.

مسأله ۱۱۵— اگر میت مقدار مشخصی از مال خویش را وصیت کرده باشد که با آن حج انجام شود، چنانچه آن مقدار بیشتر از اجرت متعارف باشد، به اندازه اجرت متعارف از اصل مال و مقداری زیادی از ثلث باقیمانده مال برای هزینه حج مصرف می‌گردد.

مسأله ۱۱۶— اگر میت مال معینی را برای حجت الاسلام وصیت نموده باشد، وارث و یا وصی بداند که به این مال، خمس تعلق دارد، واجب است اول خمس آن را خارج کرده و سپس مابقی را در راه حج مصرف نماید، و جایز نیست مالی را که خمس به آن تعلق گرفته به مصرف حج برساند، البته اگر خمس بر ذمه میت تعلق گرفته باشد و وی از بابت خمس بدهکار باشد، به این معنی که خمس بر عین مال تعلق نگرفته است، در این صورت حج بر آن مقدم می‌گردد. اما اگر مورد وصیت حج دیگری غیر از حجت الاسلام باشد، در هر صورت اخراج خمس بر حج مقدم است، و چنانچه مابقی به اندازه ثلث مالش بشود، عمل به وصیت واجب است، و باید برای حج مصرف شود، و اگر کفاف حج را ننماید، در امور خیریه مصرف گردد.

۴۰..... مناسک حج

مسأله ۱۱۷- شخصی که حجت الاسلام بر ذمه دارد وفوت نماید، کسی که ترکه میت در اختیارش می باشد واجب است برای حج، فردی را اجیر کند، و اگر در این کار کوتاهی و مسامحه نماید تا اینکه مال میت تلف شود، ضامن است و باید از اموال خویش بجای مال تلف شده جایگزین نماید، اما اگر از بین رفتن مال میت بدون سهل انگاری و کوتاهی باشد، او ضامن نیست و باید از باقیمانده ترکه، برای حج میت اجیر بگیرد.

مسأله ۱۱۸- اگر ورثه یا وصی بدانند که بر ذمه میت حجت الاسلام بوده است ولی شک کند که میت در زمان حیات خود آن را بجای آورده است یا نه؟ واجب است که برای انجام حج از طرف او فردی را اجیر نمایند.

مسأله ۱۱۹- اگر وارث بدانند که میت به حجت الاسلام وصیت نموده است ولی بعد از مدتی شک کند که به وصیت عمل نموده و برای حج میت شخصی را اجیر نموده یا خیر؟ در این صورت واجب است شخصی را برای حج میت اجیر نماید مگر آنکه مطمئن شود که به وصیت میت عمل نموده است.

مسأله ۱۲۰- به مجرد قرارداد با اجیر، حج از گردن میت ساقط نمی شود، بلکه با انجام تمام اعمال حج توسط اجیر ذمه میت فارغ می شود، بنابراین اگر معلوم شود که اجیر حج میت را انجام نداده است چه عمدا و چه از روی عذر، واجب است از ترکه میت دوباره شخصی را برای حج اجیر نمایند، و در صورت امکان اگر اجرت از مال میت داده شده، باید پس گرفته شود.

مسأله ۱۲۱- اگر اجرت متعارف به جهت تفاوت نوع اجیر از نظر علم و فضل و دقت در عمل مختلف باشد، واجب نیست حتما کسی را اجیر کند که کمترین اجرت را می‌گیرد، بلکه می‌توان بالاترین و یا کمترین اجرت را در نظر بگیرد، بنابراین اگر اجیر از میت افضل و یا اعلم و یا دارای رتبه اجتماعی بالاتر باشد اشکال ندارد، و نیز مانعی ندارد شخصی اجیر شود که از میت از نظر فضل و علم در رتبه پایین تری قرار دارد، به شرط اینکه موجب بی‌احترامی به میت نشود.

مسأله ۱۲۲- اگر شخصی که حجت الاسلام را بجای آورده به حج دیگری وصیت کند، هزینه‌های آن از ثلث مالش پرداخت می‌گردد، و همچنین اگر میت به حج وصیت کند ولی معلوم نشود که مراد او حجت الاسلام است یا حج دیگری، باید مخارج آن از ثلث میت پرداخت گردد.

مسأله ۱۲۳- اگر وارث بخواهد فردی را برای حج میت اجیر نماید، اگر نظر وی — اجتهادا یا تقلیدا — موافق احتیاط باشد، باید طبق نظر خودش عمل نماید، ولی اگر نظر میت موافق احتیاط و نظر وارث مخالف احتیاط باشد، در این صورت بنا بر احتیاط واجب باید طبق نظر میت — اجتهادا یا تقلیدا — عمل نمود.

اما در صورتی که وصی بخواهد برای میت اجیر بگیرد، اگر نظر او موافق نظر میت — اجتهادا یا تقلیدا — باشد به همان نظر عمل می‌شود، ولی اگر نظرش مخالف نظر میت و موافق احتیاط باشد، باید بر طبق نظر خودش عمل

..... ۴۲ مناسک حج

نماید، ولی اگر نظر میت مطابق با احتیاط باشد، باید به دلیل وجوب اجرای وصیت برطبق نظر میت عمل نماید.

مسأله ۱۲۴— اگر وصی بداند که میت مقلد مجتهدی بوده که معلوم نیست نظرش موافق یا مخالف احتیاط است، واجب است در اجیر گرفتن برای حج میت به دلیل وجوب اجرای وصیت شرایط موافقت با احتیاط در نظر گرفته شود، ولی اگر وارث چنین مطلبی را بداند، لازم نیست طبق نظر میت عمل نماید، بلکه واجب است فقط به نظر خودش — اجتهادا یا تقلیدا — عمل کند.

مسأله ۱۲۵— اگر میت وصیت نموده باشد که فرد خاصی از طرف وی حج انجام دهد، واجب است وصی، آن شخص را برای حج اجیر نماید، اگر آن شخص معین، اجرتی بیشتر از حد متعارف طلب نماید، مقدار زیادی از ثلث اموال میت پرداخت می‌گردد، و اگر به هر دلیلی این کار ممکن نشود، شخص دیگری را با اجرت متعارف اجیر نماید.

مسأله ۱۲۶— چنانچه میت به حج وصیت کند واجرتی را برای آن مشخص کرده باشد که هیچکس با آن حج انجام ندهد، در این صورت اگر به حجت الاسلام وصیت کرده باشد، باید از باقیمانده ترکه میت هزینه حج تکمیل گردد؛ ولی اگر حج دیگری باشد، وصیت مذکور باطل و آنچه که به عنوان اجرت معین کرده است در امور خیریه صرف گردد.

مسأله ۱۲۷— اگر شخصی مثلا خانه‌اش را به مبلغ معینی به فردی بفروشد و یا به همان مبلغ مصالحه نماید، و در ضمن عقد، شرط کند که مبلغ مذکور

را پس از فوت او برای انجام حج مصرف نماید؛ در این صورت اگر حج مورد وصیت حجت الاسلام باشد، آن مبلغ از ترکه به شمار می‌آید به شرط اینکه از اجرت متعارف بیشتر نباشد، ولی اگر بیشتر باشد، چنانچه ترکه دیگری دارد، مقدار زیادی از ثلث مالش به حساب می‌آید؛ اما اگر ترکه میت منحصر به آن مورد باشد، در صورتی که آن مبلغ به اندازه اجرت متعارف باشد، در حج صرف می‌گردد، ولی اگر بیشتر از آن باشد، دو ثلث آن ملک ورثه شده و یک ثلث آن برای میت در امور خیریه مصرف می‌شود، ولی اگر مبلغ مذکور از اجرت متعارف به حدی کمتر باشد که کفاف حداقل هزینه حج را ننماید، تمامی مبلغ از آن ورثه خواهد بود.

و اما اگر حج مورد وصیت، حج دیگری باشد، در صورتی که مبلغ مذکور به اندازه ثلث مال میت باشد، واجب است وصی آن را در راه حج صرف نماید، و اگر بیش از ثلث مالش باشد، مقدار زیادی از ثلث، ملک ورثه است و باقیمانده اگر کفاف مخارج حج را بکند، باید در همان راه مصرف شود، ولی اگر کفاف نباشد، در امور خیریه مصرف گردد. و همچنین اگر ترکه میت منحصر به آن مورد باشد، در این صورت دوسوم آن ملک ورثه و یک سوم آن مال میت خواهد بود، چنانچه این ثلث کفاف حج را بنماید در آن راه مصرف می‌گردد و اگر کافی نباشد در امور خیریه مصرف می‌شود.

بنابراین اگر اجیر از عمل به شرط یاد شده سرباززند، در این فرض اگر شرط مذکور حجت الاسلام باشد، حاکم شرع می‌تواند وی را به انجام

۴۴..... مناسک حج

حج مجبور کند، و اگر او این کار را نکند، حق خیار برای حاکم شرع — نه برای ورثه — ثابت می‌گردد و او می‌تواند معامله مذکور را فسخ نماید و در صورت فسخ، آن خانه به میت منتقل گردیده و بعد از انتقال، از آن برای حج صرف می‌گردد؛ و اگر از مخارج حج اضافه شود، مقدار اضافه از ثلث محسوب می‌گردد. البته اگر ترکه میت منحصر به این مورد باشد و در عین حال در فرض اخیر قیمت آن بیش از اجرت متعارف حج باشد، در این صورت دو ثلث مقدار زیادی ملک ورثه خواهد بود که با این فرض آنان نیز بخاطر امتناع احیر از پرداخت دو ثلث زاید، حق خیار خواهند داشت.

و اگر شرایط مذکور، حج دیگری باشد، چنانچه مبلغ مورد نظر به اندازه ثلث مال میت باشد، حکمش همان است که گذشت، و اگر بیش از ثلث باشد و یا اینکه ترکه میت منحصر به آن مورد باشد، در این صورت دو حق خیار ثابت خواهد بود؛ یکی برای میت که به حاکم شرع منتقل می‌شود و دیگری برای ورثه.

مسأله ۱۲۸ — اگر شخصی خانه‌اش را به فردی فروخته و یا مصالحه نموده اما به این شرط که بعد از فوتش برای او حج انجام دهد، و یا اینکه خانه را بفروشد و قیمت آن را برای انجام حج صرف کند؛ گرچه این موارد از وصیت شمرده نمی‌شود ولی واجب است به شرط عمل گردد، و در صورت امتناع وی، وارث می‌تواند عمل به شرط را از آن فرد مطالبه کند، و اگر نپذیرد، وارث می‌تواند عمل به شرط را از آن فرد مطالبه کند، و اگر نپذیرد، وارث به حاکم شرع مراجعه نماید تا او را به انجام آن شرط مجبور کند،

احکام نایب ۴۵

واگر این کار ممکن نشود، وارث می‌تواند عقد اجاره را به دلیل حق خیار تخلف شرط، فسخ نماید.

مسأله ۱۲۹— اگر پس از فوت وصی، معلوم نشود که او وصیت را اجرا نموده یا نه، در این صورت چنانچه حج مورد وصیت، حجت الاسلام باشد، واجب است از ترکه میت برای انجام حج اجیر گرفته شود؛ و اگر حج دیگری باشد، واجب است از ثلث مال او اجیر گرفته شود، و اگر وصی قبلاً مال الاجاره راقبض نموده و هنوز موجود باشد، باز گردانده می‌شود، و به این احتمال که ممکن است از اموال شخصی خودش اجیر گرفته باشد اعتنا نمی‌شود؛ ولی اگر مال الاجاره موجود نباشد، وصی ضامن نیست چون ممکن است این مال نزد او بدون سهل انگاری و یا زیاده روی، تلف شده باشد. تمام این مطالب در جایی است که قرینه‌ای دال بر انجام وصیت مانند ظاهر حال وصی که موجب وثاقت و اطمینان باشد — در میان نباشد، و گرنه بدان قرینه اعتماد می‌شود.

مسأله ۱۳۰— اگر مال میت، نزد وصی بدون کوتاهی و سهل انگاری تلف شود، در صورتی که حج مورد وصیت حجت الاسلام باشد، باید از باقیمانده ترکه میت فردی را برای حج میت اجیر نماید — گرچه ترکه بین ورثه تقسیم شده باشد — و اگر مورد وصیت حج دیگری باشد، باید از باقیمانده ثلث وی اجیر گرفته شود، و حکم چنین است اگر اجیر قبل از شروع در عمل فوت کند؛ چه بتواند مال الاجاره را از ورثه اجیر پس بگیرد و چه نتواند.

۴۶..... مناسک حج

مسأله ۱۳۱- اگر میت به حجی غیر از حجت الاسلام وصیت نموده باشد و برای آن مالی را معین رده که احتمال دارد بیش از ثلث اموالش باشد، تصرف در آن وهزینه کردن تمام آن برای حج جایز است.

مسأله ۱۳۲- اگر از کسی مالی نزد شخص دیگر موجود ویا در ذمه اش باشد، و صاحب مال پس از استقرار حجت الاسلام برگردنش، فوت کند واین شخص احتمال دهد که اگر مال را به ورثه برگرداند آن را برای حج میت صرف نخواهند کرد؛ او شخصا موظف است خودش از آن مال برای حج از طرف میت پرداخت کند وزیادی آن را به ورثه واگذار نماید وفرقی نمی کند که خودش شخصا این حج نیابتی را به عهده بگیرد ویا شخصی را اجیر نماید .

مسأله ۱۳۳- اگر بدانیم که میت در زمان حیاتش دارای امکانات مالی بوده ولی شک کنیم که آیا سایر شرایط حج برای او فراهم بوده یانه، قضای حج از جانب او واجب نیست، مگر اینکه آن شرایط قبلا برای او فراهم شده باشد. وهمچنین اگر برای وی سابقه دوگانه ومتضاد وجود داشته باشد، حج از جانب او واجب نیست، مگر اینکه علم اجمالی داشته باشیم به اینکه در زمان فراهم بودن سایر شرایط، مستطیع بوده است.

مسأله ۱۳۴- اگر برگردن میت حجت الاسلام واجب شده ولی بدان وصیت نکرده باشد و وارث هم آن را بدانند، واجب است شخصی را برای حج الاسلام اجیر نماید، ودر این فرض اگر وارث برای حج

احکام نایب ۴۷

بلدی اجیر بگیرد غافل از اینکه حج میقاتی بر میت واجب بوده است، مقدار زیادی بر حج میقاتی را ضامن است.

مسئله ۱۳۵- اگر شخصی حجت الاسلام برگردنش باشد، نمی‌تواند از طرف شخص دیگری برای حج اجیر شود و یا بصورت مجانی آن را بجای آورد، ولی اگر در این فرض چنین حجی را انجام دهد، صحیح می‌باشد، گرچه معصیت نموده است.

مسئله ۱۳۶- قبلاً گفته شد که نیابت حج تنها در صورتی مشروع است که حجت الاسلام برگردن میت قبلاً استقرار یافته و آن را تاهنگام فوتش بجای نیاورده باشد و یا اینکه پس از استطاعت در اثر مسامحه و کوتاهی حج ننموده تا اینکه امکان حج برایش منتفی شود و امیدی به انجام آن شخصاً نداشته باشد؛ ولی اگر چنانچه پیش از آنکه حجت الاسلام بر ذمه‌اش مستقر شود فوت نماید — مانند شخصی که در سال استطاعتش فوت کند — حجی برگردنش مستقر نمی‌شود تا اینکه نیابت از طرف وی مشروع باشد.

مسئله ۱۳۷- در حج مستحبی نیابت از اشخاص زنده و مرده جایز است و غیر از مسلمان بودن منوب عنه، شرط دیگری ندارد و در این جهت بین اینکه «منوب عنه» مرد باشد یا زن، بالغ و عاقل باشد یا دیوانه و یا کودک ممیز، فرقی نیست.

شرایط و مسائل نایب

۱- بلوغ، بنابراین حج کودک حتی اگر ممیز باشد به نیابت از دیگری در حجت الاسلام و یا جهای واجب دیگر، مجزی نیست.

۴۸..... مناسک حج

البته نیابت کودک ممیز در حج مستحبی اگر با اجازه ولی باشد صحیح است.

۲— **عقل**، بنابراین نایب گرفتن دیوانه مجزی نیست و فرق نمی‌کند که جنون وی دائم و یا ادواری باشد به شرط آنکه در مدت دیوانگی‌اش انجام گیرد. البته نایب گرفتن سفیه صحیح است.

۳— **ایمان**، بنابراین احتیاط.

۴— **قدرت**، یعنی نایب بتواند شخصا مناسک حج را بجای آورد، ولی اگر در بعضی از واجبات ناتوان باشد، نیابت چنین شخصی جایز نیست مانند کسی که از طواف و یاسعی بین صفا و مروه وامثال آن عاجز باشد. بنابراین اگر شخصی با چنین عجزی بخواهد بصورت مجانی از طرف کسی حج را بجای آورد، نباید به آن اکتفا نماید. البته اگر شخصی نسبت به رمی جمرات سه‌گانه در روز یازدهم و دوازدهم عاجز باشد، نایب گرفتن چنین شخصی اشکال ندارد، و همچنین اگر معلوم شود که این شخص در اثنای احرام نیاز به زیرسایه رفتن و غیره دارد، مانع از صحت نایب گرفتن او نمی‌شود.

مسأله ۱۳۸— اگر نایب در ابتدا قادر بر انجام اعمال حج باشد ولی در حین اعمال، عاجز گردد — مانند اینکه بیمار گشته و یا مثلا تصادفا پایش بشکند — و در نتیجه از ادامه مناسک حج شخصا بازماند، این موضوع ثابت نمی‌کند که اجاره وی از ابتدا باطل بوده است.

۵- نداشتن حج واجب، اگر حجت الاسلام و یا انواع دیگر حج بر انسان واجب باشد، نمی تواند از طرف شخص دیگری نایب شده و حج واجب خود را کنار گذارد؛ ولی اگر از روی غفلت و یا جاهل بوجوب حج، این کار را انجام دهد، نیابت و حج نیابتی وی صحیح است.

اما اگر حج نیابتی را عمدا و با توجه به فعلیت و جوب حج نسبت به خود انجام دهد، اجاره اش صحیح نیست ولی حج نیابتی او صحیح است.

مسئله ۱۳۹- اگر اجاره باطل بوده و در عین حال حج صحیح باشد، اجیر استحقاق اجره المثل را دارد، بنابراین اگر اجرت معین شده در اجاره اش بیش از اجره المثل باشد، نمی تواند مقدار اضافه را درخواست کند.

مسئله ۱۴۰- در صحت عمل نایب و اجاره اش، عدالت و یا موثق بودن و امین بودن معتبر نیست؛ ولی از آنجائیکه ذمه میت تنها با عقد اجاره فارغ نمی گردد، بلکه مربوط است به اینکه نایب، حج را درست انجام داده باشد، بدین جهت لازم است وصی یا وارث میت، شخصی را نایب بگیرد که اطمینان به انجام عمل مورد نظر داشته باشد، و جایز نیست کسی را که به وی اعتماد ندارد نایب بگیرد، و همچنین شخص ناتوانی که در حال حیات است و وظیفه اش نایب گرفتن می باشد، واجب است شخصی را نایب بگیرد که مورد اطمینان و اعتماد باشد به طوریکه بتواند یقین پیدا کند که وی عمل را بصورت صحیح انجام می دهد تا اطمینان بفرای ذمه خویش پیدا کند.

۶- اجازه مولا، پس آزادی در صحت نیابت معتبر نیست، بنابراین نیابت بنده از شخص آزاد به شرط آنکه با اجازه مولایش باشد صحیح می باشد.

۵۰..... مناسک حج

مسأله ۱۴۱- اگر کسی پس از استقرار حجت الاسلام دیوانه شد، وامیدی به بهبودی وی نباشد، شخصی به نیابت از او به حج فرستاده می‌شود، و اگر بمیرد، برولی او واجب است که یا خودش از طرف او به حج اقدام نماید و یا نایب بگیرد.

مسأله ۱۴۲- مماثلت و همجنس بودن نایب در حج معتبر نیست، بنابراین نیابت مرد از طرف زن و بالعکس صحیح می‌باشد، یعنی لازم نیست نایب مرد، مرد بوده و نایب زن، زن باشد. و همچنین فرق نمی‌کند که نایب قبلا حج انجام داده باشد یا نداده باشد.

مسأله ۱۴۳- قبلا گفته شد، شخصی که در قید حیات است و امکانات مالی دارد — چه مرد و چه زن — اگر از انجام حج ناتوان گردد و امیدوی به انجام اعمال حج شخصا نداشته باشد، واجب است که شخصی را به نیابت از خود به حج بفرستد، ولی لازم نیست آن شخص کسی باشد که هنوز به حج نرفته است. همچنانکه در مورد نیابت از میت چنین شرطی معتبر نیست.

مسأله ۱۴۴- قبلا گفته شد که کافر نسبت به فروع دین و احکام، مکلف است، اما نیابت از طرف او برای حج هر چند امید به مباشرت حج هم نداشته باشد، صحیح نیست چه در هنگام حیات و چه بعد از وفات.

بر وارث مسلمان نیز واجب نیست از طرف کافر شخصا و یا با گرفتن نایب حج را انجام دهد.

شرایط و مسائل نایب ۵۱

مسأله ۱۴۵— ناصبی، مانند کافراست به این معنی که نیابت از طرف او صحیح نیست، مگر در یک صورت و آن اینکه فرزند مومنی داشته باشد که این فرزند می‌تواند از طرف وی حج انجام دهد.

مسأله ۱۴۶— در حج مستحبی، نیابت از زنده صحیح است، چه این شخص مرد باشد و چه زن، و چه از انجام حج ناتوان باشد یا نباشد و چه این حج با اجاره باشد و چه بصورت مجانی انجام گیرد. ولی در حج واجب صحت نیابت مشروط به این است که انسان شخصا نتواند حج را بجای آورد و لازم است با اجاره باشد و تبرعا صحیح نیست. و اما از طرف میت — چه مرد و چه زن — در حج واجب و مستحب چه تبرعا و چه با اجاره، نیابت صحیح است.

مسأله ۱۴۷— در صحت عمل نایب دو امر معتبر است:

اول - قصد نیابت از طرف منوب عنه.

دوم - معین نمودن وی ولو اجمالا.

بنابراین اگر نایب عملی را بصد نیابت از دیگری بدون تعیین وی — ولو اجمالا — انجام دهد، از طرف منوب عنه شمرده نمی‌شود، همچنانکه اگر عملی را بدون قصد نیابت بجای آورد، برای منوب عنه واقع نمی‌گردد.

مسأله ۱۴۸— همچنانکه نیابت با اجاره صحیح است، با جعاله و با شرط ضمن عقد نیز صحیح می‌باشد.

مسأله ۱۴۹— اگر نایب قبل از احرام بمیرد، حج بر ذمه میت باقی می‌ماند، و واجب است وصی یا وارث برای حج از طرف میت شخص

۵۲..... مناسک حج

دیگری را نایب بگیرد. واما اگر نایب پس از احرام و قبل از ورود به حرم فوت کند، برای میت مجزی است، و در این حکم فرقی بین اقسام حج نیست، و همچنین بین این که حج نیابتی با اجاره و یا تبرعا انجام گیرد فرقی نیست.

مسأله ۱۵۰— اگر اجیر بعد از احرام بمیرد، اجاره نسبت به فراغت ذمه میت منعقد می‌شود، در اینصورت وی استحقاق تمام اجرت را دارد، ولی اگر اجاره بر اعمال حج منعقد شده باشد، در این صورت تمامی اجرت بر تمامی اعمال و مناسک حج تقسیم می‌گردد و اجیر به نسبت، سهم خود را از آن می‌برد.

مسأله ۱۵۱— اگر اجیر قبل از احرام بمیرد، مطلقا استحقاق اجرت را ندارد، چه اجاره بر فراغ ذمه میت منعقد گردیده باشد و چه بر اعمال و مناسک حج. البته آنچه را که اجیر تا قبل از رسیدن به میقات برای مقدمات حج مصرف نموده است ضامن نیست، و وارث یا وصی میت نمی‌تواند از وی مطالبه نماید.

مسأله ۱۵۲— اگر وارث یا وصی، شخصی را برای حج بلدی از طرف میت اجیر نماید ولی راه معینی را مشخص ننماید، اجیر در انتخاب راه حج مخیر است؛ ولی اگر راه معینی را مشخص نماید و به نظرشان از راههای دیگر بهتر باشد، اجیر نمی‌تواند از آن راه صرف نظر کند.

بنابراین اگر از آن راه عدول نموده و از راه دیگری به حج برود، حجتش صحیح است و ذمه میت فارغ می‌گردد؛ و اگر راه معین داخل در متعلق اجاره

شرایط و مسائل نایب ۵۳

باشد، اجیر به نسبت عمل خویش، سهمش را از اجرت می‌برد، و اگر داخل در متعلق آن نباشد، بدینگونه که اجاره بر انجام اعمال و مناسک حج و یا برفراغ ذمه میت منعقد شده باشد، وی مستحق تمام اجرت است، گرچه مخالفت شرط را نموده است و از راهی که معین شده به حج نرفته است.

مسأله ۱۵۳— اگر شخصی خود را برای حج از طرف کسی در یک سال معینی اجیر نماید، سپس از طرف کس دیگری در همان سال اجیر شود، اجاره دوم باطل است.

مسأله ۱۵۴— اگر انسان خود را برای حج از طرف دیگری در سال معینی اجیر نماید، واجب است در همان سال از طرف او به حج برود و تاخیر و یا تقدیم آن در سال دیگر جایز نیست، و بنابراین اگر احیانا تقدیم و یا تاخیر نماید، گرچه ذمه میت فارغ خواهد شد ولی اجیر مستحق هیچ چیزی نیست، نه اجرت مسمی، و نه اجرت المثل.

مسأله ۱۵۵— اگر ظالمی یا دشمنی بعد از احرام، از ادامه انجام اعمال حج اجیر جلوگیری کند و یا اینکه اجیر بعلت بیماری، نتواند اعمال حج را انجام دهد، حکمش، حکم مصدود و محصور است — که بعدا بیان خواهد شد — البته در اینصورت اگر اجاره مقید به آن سال بالخصوص باشد، فسخ می‌گردد و اگر مقید نباشد، حج در ذمه‌اش باقی است و باید در سال‌های آینده آن را بجای آورد.

۵۴..... مناسک حج

مسئله ۱۵۶— اگر نایب عمدا و با التفات به حکم شرعی ویا از روی اظطرار مُحَرَّمات احرام را مرتکب شود، کفاره آن بر گردن خودش می‌باشد نه منوب عنه، چه حج نیابتی اجاره‌ای بوده وچه تبرعی باشد.

مسئله ۱۵۷— اگر مال الاجاره کفاف هزینه‌های حج را ننماید، واجب نیست مستأجر آنرا جبران کند، همچنانکه اگر مال الاجاره بیش از هزینه حج باشد، حق ندارد از اجیر زیادی آن را مطالبه نماید.

مسئله ۱۵۸— اگر میت وصیت کند که مبلغ مشخصی برای حج وی در سال‌های مختلف صرف شود و برای هر سال مقداری را معین کرده باشد، ولی مقدار مذکور برای هر سال کفایت نکند، بعید نیست وصی، بتواند سهم دو سال ویا بیشتر را در یک سال برای حج وی صرف نماید.

مسئله ۱۵۹— اگر اجیر با همسر خود قبل از وقوف در مشعرالحرام نزدیکی کند، لازم است سال بعد نیر به حج برود، ویک شتر به عنوان کفاره بدهد و حج فعلی را به اتمام برساند که در اینصورت، ذمه میت فارغ می‌شود و اجیر، اجرت را مستحق می‌گردد؛ واما حج سال آینده در واقع کیفری است مانند سایر کفارات که به عهده اجیر می‌باشد.

مسئله ۱۶۰— پس از عقد اجاره، اجیر مالک اجرت می‌شود، ولی واجب نیست مستأجر پیش از پایان کار، آن را پرداخت کند مگر آنکه اجیر، در ضمن عقد شرط کرده باشد که اجرت را قبل از عمل دریافت کند که در اینصورت واجب است که قبل از عمل پرداخت گردد. البته در اینجا قرینه بر وجود چنین شرطی هست وآن اینکه عرف متداول وارتکاز ذهنی بر این

شرایط و مسائل نایب ۵۵

است که اجرت پیش از شروع عمل پرداخت شود، چون غالباً اجیر، نمی‌تواند بدون مال الاجاره، هزینه‌های حج را بپردازد. و بنابراین که عقد اجاره فی مابین اجیر و مستأجر بر پایه چنین موضوعی استوار است، این مطلب به منزله شرط ضمنی پرداخت اجرت پیش از شروع در عمل شمرده می‌شود.

مسئله ۱۶۱- اگر شخصی برای حج از طرف میت اجیر شود، نمی‌تواند شخص دیگری را برای اینکار اجیر نماید، مگر اینکه مستأجر اول چنین اجازه‌ای به او داده باشد و یا اینکه قرینه‌ای در میان باشد که منظور مستأجر اول، مباشرت آن شخص در حج نبوده است که در این صورت می‌تواند دیگری را برای حج مذکور اجیر نماید.

مسئله ۱۶۲- اگر وارث و یا وصی میت شخصی را برای حج تمتع اجیر نماید، سپس معلوم گردد که وقت تنگ بوده و اجیر نمی‌تواند عمره تمتع را انجام دهد و حج را درک نماید، در این صورت اجاره باطل می‌شود. البته اگر کمبود وقت و تاخیر سفر به حج از سوی اجیر به علت سستی و سهل انگاری صورت گیرد، نه اجاره باطل می‌گردد و نه وظیفه‌اش از حج تمتع به حج افراد تبدیل می‌شود، بلکه مستأجر حق خیار فسخ اجاره را دارد و می‌تواند اجرت را پس بگیرد.

مسئله ۱۶۳- در حج مستحبی نیابت یک نفر از چند نفر صحیح است چه زنده باشند و یا مرده. ولی در حج واجب این کار درست نیست، بلکه هر

۵۶..... مناسک حج

شخصی که حج بر او واجب می‌باشد نیاز به یک نایب مستقل دارد و نیابت یک نفر از چند نفر ممکن نیست.

مسأله ۱۶۴— نیابت چند نفر از طرف یک شخص اشکال ندارد، چه آن شخص زنده و یا فوت کرده باشد، و در این نیابت ممکن است نیت هر یک متفاوت از دیگری باشد، مثلاً یکی نیابت از حج مستحبی نموده و دیگری نیابت از حج واجب نماید، و یا اینکه همگی احتیاطاً نیابت از حجت الاسلام را نمایند، البته بنابراین که هر یک، نقص و بطلان عمل دیگری را احتمال بدهد.

مسأله ۱۶۵— در عقد اجاره، لازم است نوع حج — تمتع، افراد، قران — معین گردد. البته اگر مورد اجاره، حج مستحبی باشد و نوع خاص معین نشود، اجاره بر جامع منعقد می‌گردد، و اجیر در تطبیق آن جامع بر هر یک از انواع حج مخیر است. پس اگر مستأجر نوع خاصی از حج را معین نماید، اجیر نمی‌تواند از آن به نوع دیگر — گرچه افضل باشد — عدول نماید، مگر آنکه مستأجر اجازه دهد، و اگر بدون اجازه وی عدول نماید، هیچ یک از اجرت المثل و یا اجرت مورد توافق را نمی‌تواند از مستأجر مطالبه نماید.

مسأله ۱۶۶— طواف خانه خدا از اجزاء حج و عمره می‌باشد و در عین حال عبادت مستقلی بوده و به خودی خود مستحب است، مانند وضو، که شرایط صحت نماز است و در عین حال عبادت مستقلی می‌باشد؛ بنابراین انسان می‌تواند این طواف را مستقلاً بدون آنکه چیزی از اعمال حج و یا عمره را

مسائل متفرقه ۵۷

بدان ضمیمه نماید بجای آورد و در طواف مستحب مستقل وضو لازم نیست، گرچه برای نماز طواف وضولازم است.

مسأله ۱۶۷ — نایب می تواند پس از انجام اعمال حج نیابتی، برای خود و یا از طرف دیگری، عمره مفرده — چه تبرعا و چه با اجاره — بجای آورد.

مسائل متفرقه

مسأله ۱۶۸ — قبلا گفته شد که با سهم امام U استطاعت محقق نمی شود بنابراین، حج با آن واجب نمی گردد. حال اگر شخصی با سهم امام به حج برود و موفق به موعظه و بیان احکام شرعی و ارشاد مردم — در حد امکان و توانایی در شرایط و اوضاع مختلف — گردد، در اینصورت شخص مستطیع و حج بر او واجب شده و حجت U لاسلام شمرده می شود.

مسأله ۱۶۹ — بعثه های اعزامی از سوی حکومتها که با هزینه دولتها به حج فرستاده می شوند، حجتشان صحیح است و از حجت U لاسلام کفایت می کند به شرط آنکه حجتشان از نظر واجبات و شرایط کامل باشد.

مسأله ۱۷۰ — حج با جوایز و هدایای حاکمان و سلاطین صحیح می باشد. البته اگر یقین به غصبی بودن و حرمت آنها نداشته باشد، و مجزی از حجت U لاسلام نیز می باشد، اما اگر علم به غصبی بودن داشته باشد، از اموال مجهول المالک شمرده می شود، و در اینصورت اگر شخصی مستحق آنها باشد به نیت صدقه از طرف مالکان، آنها را تملک می نماید به شرط آنکه از مصرف سالش بیشتر نباشد، بنابراین اگر این مقدار کفاف هزینه های حج را

۵۸..... مناسک حج

بنماید، وی مستطیع می‌گردد؛ و اگر شخصی مستحق آن نباشد، به اندازه ثلث آن به فقرا صدقه دهد و سپس در باقیمانده آن می‌تواند تصرف نماید، و اگر این باقیمانده کفاف هزینه‌های حج را بکند، حج بر او واجب می‌گردد و در غیر این صورت حج بر وی واجب نیست. و همچنین در هدایای حکومتی نیز اگر علم به مجهول المالک بودن آن داشته باشد، حکم چنین است.

مسأله ۱۷۱— اگر انسان مستطیع باشد بدین معنی که از امکانات مالی برای هزینه‌های حج برخوردار باشد، ولی باوجود این، از مال غصبی در مخارج حج استفاده نماید، حش صحیح بوده و مجزی از حجت الاسلام می‌باشد به شرط آنکه پول قربانی از مال حلال باشد و یا در ذمه خریداری شود؛ و اما غصبی بودن پوشش در حال طواف — گرچه طواف کننده علم به آن داشته باشد — و نیز غصبی بودن لباسهای احرام به صحت آن ضرری نمی‌رساند چنانکه قبلا ذکر شد.

حج مستحب

مسأله ۱۷۲ — مستحب است انسان در صورت تمکن هر سال حج بجای آورد.

مسأله ۱۷۳ — مستحب است انسان هنگام خروج از مکه برای حج، نیت بازگشت به آن را بنماید.

مسأله ۱۷۴ — مستحب است انسان شخصی را که متمکن نیست به حج بفرستد. و همچنین مستحب است انسان برای حج قرض نماید به شرط آنکه مطمئن باشد که در وقتش توان ادای آنرا خواهد داشت؛ و نیز مستحب است در حج مال زیادی صرف شود.

مسأله ۱۷۵ — مستحب است به کسی که مستطیع نمی‌باشد، زکات داده شود تا به حج برود.

مسأله ۱۷۶ — مستحب است زن در حج مستحبی از شوهرش اجازه بگیرد، و همچنین مستحب است زنی که در عده طلاق رجعی می‌باشد، از شوهرش اجازه بگیرد؛ ولی در طلاق بائن و عده وفات این اجازه معتبر نیست.

عمره

عمره بر دو نوع می‌باشد:

اول: عمره مفرده

این عمره مستحب می‌باشد، بجز در یک مورد و آن عمره اول برای مستطیعی است که در فاصله کمتر از ۱۶ فرسخی مسجدالحرام زندگی می‌کند، چون وظیفه چنین شخصی این است که ابتدا حج نموده و بنا بر احتیاط عمره را بجای آورد، و این حج، حجت آلافراد نامیده می‌شود که عمره در آن، عملی مستقل از حج بوده و جزء آن نیست، بدین مناسبت به آن عمره مفرده گفته می‌شود. بنا بر این هرگاه آن شخص حج برایش مقدر نبوده و متمکن از عمره باشد، واجب است عمره را بصورت مستقل و جداگانه بجای آورد.

دوم: عمره تمتع

که این عمره جزء حج شمرده می‌شود، و وظیفه کسی است که دارای استطاعت مالی و جسمی بوده و امنیت نیز داشته باشد و در عین حال محل زندگی وی از مسجدالحرام، ۱۶ فرسخ (تقریباً ۸۸ کیلومتر) و یا بیشتر فاصله داشته باشد، که در اینصورت ابتدا باید عمره و سپس حج را بجای آورد و این حج تمتع نامیده می‌شود که عمره در آن اولین جزء شمرده می‌شود، و دیگر عمره مفرده واجب نمی‌گردد گرچه استطاعت آن را دارا باشد.

به عبارت دیگر وظیفه شخص نزدیک، حج افراد و عمره مفرده است که در آن ابتدا حج و سپس — بنا بر احتیاط — عمره انجام داده می‌شود. ولی وظیفه شخص دور، حج تمتع است که ابتدا عمره و سپس حج را بجای می‌آورد.

بنابراین صحت افراد به عمره مفرده بستگی ندارد ولذا یک عبادت شمرده نمی‌شود بلکه دو عبادت مستقل می‌باشد و بطلان هر یک مستلزم بطلان دیگری نیست، در حالیکه صحت حج تمتع به صحت عمره تمتع بستگی دارد، ولذا یک عبادت شمرده می‌شود، بنابراین بطلان هر یک مستلزم بطلان دیگری می‌باشد.

مسأله ۱۷۷— در حج مستحبی انسان بین حج تمتع و افراد و قران مخیر است — چه نزدیک باشد و چه دور— گرچه حج تمتع بهتر می‌باشد. البته اگر نخواهد عمره را در غیر موسم حج بجا آورد، لازم است عمره مفرده باشد و نمی‌تواند عمره تمتع را در غیر ماههای حج بجا آورد.

مسأله ۱۷۸— انسان می‌تواند در هر ماه قمری فقط یک عمره از طرف یک شخص — چه خودش و چه دیگری — بجای آورد. پس اگر آخر ماه عمره را انجام داده باشد، جایز است که عمره دیگر را در اول ماه بعدی بجای آورد. بنابراین در یک ماه نمی‌تواند دو عمره از طرف شخص واحد انجام دهد چه از طرف خودش و یا از طرف دیگری، البته جایز است دو عمره در یک ماه از طرف دو نفر چه زنده و چه مرده و یا اینکه عمره‌های متعدد از طرف اشخاص مختلف بجای آورد.

مسأله ۱۷۹— فاصله یک ماه قمری بین عمره مفرده و عمره تمتع معتبر نیست، یعنی ممکن است عمره مفرده اول ماه ذی الحجه و عمره تمتع را در همان ماه بجای آورد، همچنانکه بجا آوردن عمره مفرده پس از اتمام اعمال

۶۲..... مناسک حج

حج جایز می‌باشد، البته بجا آوردن عمره مفرده در فاصله بین عمره تمتع و حج جایز نیست.

مسأله ۱۸۰— چنانکه گفتیم عمره مفرده بر شخص نزدیک — در صورت استطاعت واجب است ولی بر شخص دور واجب نمی‌باشد اما باندر و یا سوگند و عهد و یا شرط ضمن عقد، عمره مفرده نسبت به شخص دور و نزدیک به طور یکسان واجب می‌شود.

موارد مشترک بین دو عمره

دو عمره - مفرده و تمتع - در موارد زیر مشترک می‌باشند:

۱- احرام: به اینصورت که مکلف جامه‌های احرام را پوشیده و پس از نیت، به قصد قدرت تلبیه بگوید، با این کیفیت، شخص مُحْرَم می‌گردد، آنگاه موارد مشخصی بر وی حرام می‌شود که شرح آن در مسائل بعدی خواهد آمد.

۲- طواف: به اینصورت که ابتدا کنار حجرالاسود بایستد بطوریکه خانه کعبه در سمت چپ او باشد و سپس بدور کعبه هفت مرتبه طواف نماید. و در هر مرتبه، از حجرالاسود شروع نموده و بدان ختم نماید.

۳- نماز طواف: و آن دو رکعت می‌باشد که ملکف مخیر است بصورت جهر و یا اخفات آن را بجای آورد.

۴- سعی بین صفا و مروه: به این ترتیب که سعی هفت مرتبه است که باید از صفا شروع نموده و به مروه ختم نماید و سپس همین مسیر را برعکس طی نماید تا هفت مرتبه کامل گردد.

موارد اختلاف بین دو عمره

۱- وقت عمره تمتع از نظر زمانی، ماه‌های حج - شوال، ذیقعدہ و ذیحجه — می‌باشد، در حالیکه زمان عمره مفرده تمام طول سال است، البته بهترین وقت آن، ماه رجب می‌باشد.

۲- عمره مفرده دارای یک طواف دیگری بنام طواف نساء است که آخرین عمل این عمره می‌باشد، در حالیکه عمره تمتع تنها یک طواف دارد.

۳- در عمره تمتع، مُحْرَم تنها با تقصیر (گرفتن مقداری از مو یا ناخن) از احرام خارج می‌گردد؛ در حالیکه در عمره مفرده، مُحْرَم می‌تواند علاوه بر تقصیر با حلق (سرتراشیدن) نیز از احرام خارج شود.

۴- عمره تمتع و حج تمتع یک عبادت شمرده می‌شوند، بنابراین عمره را نمی‌توان مستقل از حج تمتع بجای آورد و لازم است هر دو در یک سال و در ماه‌های حج بجای آورده شود؛ برخلاف عمره مفرده که با حج افراد یک عبادت شمرده نمی‌شود، بلکه خود یک عبادت مستقل از حج می‌باشد، بنابراین، می‌توان عمره مفرده را در یک سال و حج افراد را در سال دیگر بجای آورد.

۵- احرام عمره تمتع فقط از یکی از میقاتهای پنجگانه و یا از موازات آنها ممکن است؛ در حالیکه در عمره مفرده اگر از میقاتها و یا از برابر آنها عبور نکرده باشد، احرام از نزدیکترین نقطه خارج از حرم جایز است.

۶۴..... مناسک حج

۶— چنانکه گذشت عمره تمتع با حج تمتع مرتبط است و آن را نمی توان مستقل از حج بجای آورد، بنابراین هر گاه کسی بخواهد عمره مستحبی انجام دهد لازم است عمره مفرده بجای آورد.

۷— اگر شخصی وظیفه اش حج تمتع باشد، استطاعتش وقتی کامل می شود که نسبت به هر دو بخش آن — عمره تمتع و حج تمتع — مستطیع باشد، بنابراین اگر فقط نسبت به یکی از آن دو مستطیع باشد، هیچکدام بر وی واجب نیست، ولی اگر وظیفه کسی حج افراد باشد، استطاعت نسبت به هر یک از حج و عمره در وجوب آن کافی است، و اگر فقط مستطیع حج باشد، تنها حج بر وی واجب می گردد و اگر فقط مستطیع عمره باشد، تنها عمره بر او واجب می گردد؛ و اگر برای هر دو مستطیع باشد، هر دو واجب می گردد، البته در اینصورت بنابر احتیاط باید حج را بر عمره مقدم نماید.

چند مسأله مرتبط باعمره مفرده

چند مسأله به ترتیب زیر بیان می شود:

مسأله ۱۸۱— اگر کسی که می خواهد عمره مفرده بجای آورد چنانچه از یکی از میقاتها و یا از برابر آنها — که در عمره تمتع از آنها احرام بسته می شود — عبور نماید، واجب است همانجا مُحْرِم شود و حق ندارد به قصد احرام از نزدیکترین نقطه خارج از حرم از این میقاتها بگذرد. ولی اگر کسی در مکه باشد و بخواهد عمره مفرده انجام دهد، می تواند از حرم خارج گشته و از نزدیکترین نقطه خارج از حرم مُحْرِم می شود، و «ادنی الحل» نقطه ای است که در آن منطقه حلیت تمام شده و منطقه حرم پیرامون مکه آغاز

می‌گردد، البته بهتر آن است که از یکی از مناطق حدیبیه، جعرانه و تنعیم مُحَرَّم شود. در حالیکه احرام عمره تمتع فقط از میقاتهای پنجگانه و یا از محاذات آنها صحیح می‌باشد، و حتی کسی که در مکه بوده و بخواهد عمره تمتع بجای آورد، باید به یکی از آن میقاتها رفته و از آنجا مُحَرَّم شود مگر آنکه نتواند بدانجا برود که در این صورت اگر بیرون آمدن از حرم برایش ممکن باشد، واجب است این کار را انجام داده و از بیرون حرم مُحَرَّم شود، و اگر این کار برایش ممکن نباشد از جای خودش مُحَرَّم گردد، چنانکه تفصیل آن خواهد آمد.

مسأله ۱۸۲— اگر کسی بعد از فراغت از اعمال حج و یا پس از بجای آوردن عمره مفرده، از مکه خارج گردد و سپس بخواهد باردوم وارد شود، جایز است بدون احرام وارد شود، البته به شرطی که در همان ماهی باشد که حج و یا عمره مفرده را در آن انجام داده است، و در غیر اینصورت بدون احرام، ورود به مکه جایز نیست، مگر برای افرادی که بطور مکرر به آنجا رفت و آمد دارند مانند هیزم فروش و علف فروش دوره گرد. و بعید نیست حکم مذکور مختص هیزم فروش و دوره گرد نبوده و هر کسی که بدلیل نیازکاری مکرر رفت و آمد دارد شامل گردد، مانند پرستار، معلم، دانشجو و امثال آنها.

مسأله ۱۸۳— اگر کسی در ماه‌های حج، عمره تمتع را بجای آورده و قصد مراجعت به وطنش را داشته باشد و در همین حال تا روز ترویبه در مکه بماند، چنانچه نیت حج نماید، عمره‌اش تبدیل به عمره تمتع می‌شود و دیگر

۶۶..... مناسک حج

نمی‌تواند از مکه خارج گردد و حج را ترک نماید، ولی اگر چنین نیتی ننماید، خروج از مکه حتی در روز ترویبه نیز جایز است.

مسأله ۱۸۴— کسی که عمره مفرده را در ماه‌های حج انجام دهد با قصد اینکه بعد از آن حج انجام دهد، عمره مفرده تبدیل به عمره تمتع نمی‌گردد. و مورد تبدیل شدن عمره مفرده به عمره تمتع فقط در خصوص کسی است که عمره مفرده را با قصد رجوع بوطنش بجای آورده و سپس از نیت خویش عدول کرده و بنای ماندن در مکه را به قصد حج نموده است. تبدیل عمره مفرده به تمتع، هنگام نیت حج می‌باشد. و تبدیل مذکور مختص حج مستحبی است و شامل حج واجب مانند حجت الاسلام نمی‌گردد.

عمره مفرده در دهه اول ذیحجه نیز جایز است.

اقسام حج

حج بر سه قسم است: حج تمتع، حج افراد، حج قرآن

اول: حج تمتع

و آن عبادتی است مرکب از دو جزء وابسته بهم که یکی عمره و دیگری حج می باشد.

واجبات عمره تمتع

در عمره تمتع پنج چیز واجب است:

۱— احرام: به این کیفیت که دو جامه احرام بپوشد و نیت احرام عمره تمتع از حجت الاسلام را الی الله نموده تلبیه را بجای آورده؛ و چون تلبیه انجام گرفت، احرام منعقد شده و مُحْرَم می شود، بنابراین موارد، مشخصی بر وی حرام می گردد.

۲— طواف: به این کیفیت که طواف را به دور خانه کعبه از نقطه مقابل حجر الاسود شروع نماید، البته با مراعات اینکه خانه خدا در سمت چپ وی قرار گیرد، و آنگاه به دور کعبه هفت مرتبه طواف نماید و آن را الی الله به نیت طواف عمره تمتع از حجت الاسلام انجام دهد، و هر مرتبه از موازی حجر الاسود شروع نموده و در همانجا تمام نماید.

۳— نماز طواف: دو رکعت — مانند نماز صبح — می باشد و در آهسته خواندن و بلند خواندن آن مخیراست.

۶۸..... مناسک حج

۴— سعی: به این کیفیت که ابتدا نیت سعی بین صفا و مروه برای عمره تمتع از حجت الاسلام الی الله نماید و سپس از صفا شروع نموده و به مروه ختم نماید و از مروه به صفا برگردد، و این کار را تا جایی ادامه دهد که تعداد رفت و آمدها هفت مرتبه شود که هر یک را «یک شوط» می نامند. بنابراین در مجموع چهار مرتبه از صفا به مروه، و سه مرتبه از مروه به صفا رفت و آمد انجام می گیرد و در مروه سعی خاتمه می یابد.

۵— تقصیر: کیفیت آن به اینصورت است که از مویا ناخن خویش بگیرد و در آن نیت تقصیر عمره تمتع از حجت الاسلام الی الله نماید.

مسأله ۱۸۵— اگر مکلف این پنج عمل را انجام داد از احرام خارج می شود و تمامی مواردی که به سبب احرام بر وی حرام گشته بود، حلال می گردد. سپس تنها اعمال حج برای وی باقی می ماند.

واجبات حج تمتع

در حج تمتع دوازده چیز واجب است:

۱— احرام: و کیفیت آن همانند احرام عمره تمتع می باشد جز آنکه در اینجا نیت احرام حج تمتع الی الله می نماید، و مکان آن مکه مکرمه می باشد، و زمان آن باید قبل از ظهر روز نهم ذی حجه باشد به نحویکه در رک و وقوف واجب در عرفات ممکن باشد.

۲— وقوف در عرفات: حاجی از ظهر نهم ذی حجه تا غروب آن در عرفات می ماند، و می تواند از اول ظهر به مقدار یک ساعت تأخیر داشته باشد.

واجبات حج تمتع ۶۹

۳— وقوف در مزدلفه: جایی که حاجی پس از ترک عرفات در آنجا می‌ماند، و مقدار واجب آن از طلوع فجر تا طلوع آفتاب می‌باشد، و بیتوته یعنی گذراندن بقیه شب در آنجا واجب نیست، گرچه موافق احتیاط است.

۴— رمی جمره عقبه: وقت آن بین طلوع آفتاب و غروب آن است. و باید رمی با هفت ریگ به صورت متوالی و پی در پی انجام گیرد نه در یک دفعه.

۵— قربانی: و آن عبارت است از گوسفند و یا گاو و یا شتری که حاجی در روز عید قربان و در منی بعد از رمی جمره عقبه باید قربانی کند.

۶— حلق یا تقصیر: یعنی حاجیان مرد باید بعد از قربانی کردن، موی خود را تراشد (حلق) و یا تقصیر نمایند، ولی بر حاجیان زن همیشه تقصیر واجب است. و مراد از حلق، تراشیدن تمام موی سر می‌باشد، و مقصود از تقصیر، گرفتن مقداری از مو یا ناخن است. و مکان این عمل منی می‌باشد.

۷— طواف: و آن مانند طواف عمره تمتع است، جز اینکه در آن باید نیت طواف حج تمتع الی الله نیت نماید.

۸— نماز طواف: و آن مانند نماز طواف عمره است، مگر آنکه در این موارد باید نماز طواف حج را الی الله نیت بنماید.

۹— سعی بین صفا و مروه: و کیفیت آن مانند سعی در عمره می‌باشد، البته با این تفاوت که در اینجا برای حج تمتع الی الله نیت نماید.

۱۰— طواف نساء و نماز آن: که مانند طواف عمره و حج و نمازهای آنهاست.

۷۰..... مناسک حج

۱۱- بیتوته در منی: و آن بودن در منی از اول شب تا نصف، و یا از نصف شب تا طلوع فجر، در شب یازدهم و دوازدهم می باشد.

۱۲- رمی جمرات سه گانه: که از جمره اولی شروع نموده و به جمره عقبه ختم می گردد، و این رمی در روز یازدهم و دوازدهم باید انجام گیرد.

دوم - حج افراد

و آن وظیفه کسی است که وطن و مسکنش کمتر از شانزده فرسخ از مسجدالحرام فاصله داشته باشد. این حج واجب مستقلی است و به عمره بستگی ندارد. البته اگر مکلف بر هر دوی آنها باهم مستطیع شود، واجب است هر دورا بجای آورد، البته باید بنا بر احتیاط، حج را بر عمره مقدم بدارد - چنانکه گذشت - .

سوم - حج قرآن

که همان حج افراد است و هیچ تفاوتی بین این دو نمی باشد مگر اینکه اگر مکلف قربانی را هنگام احرام با خود بیاورد و در حج نیز نزد خود نگه داشته باشد، واجب است که روز عید آن را قربانی کند، و این حج، حج قرآن نامیده می شود، چون حاجی قربانی را همراه خود نگه می دارد؛ و اما اگر هنگام احرام قربانی را پیش خود نداشته باشد، حج افراد نامیده می شود، از آن نظر که حاجی به تنهایی حج نموده و قربانی را به همراه نیاورده است.

یکسان بودن اعمال حج تمتع با حج افراد

در موارد زیر حج تمتع و حج افراد باهم مساوی است:

۱- احرام.

حج افراد و حج قرآن ۷۱

۲- وقوف در عرفات و مزدلفه.

۳- رمی جمره عقبه.

۴- حلق یا تقصیر برای مردان، و فقط تقصیر برای زنان.

۵- طواف خانه خدا و نماز آن.

۶- سعی بین صفا و مروه.

۷- طواف نساء و نماز آن.

۸- بیتوته در منی در شب یازدهم و دوازدهم.

۹- رمی جمرات سه گانه در روز یازدهم و دوازدهم.

و اما قربانی کردن در حج افراد واجب نیست، مگر آنکه حاجی قربانی را هنگام احرام بستن به همراه داشته باشد که در این صورت باید آنرا در منی قربانی کند.

موارد اختلاف حج تمتع با حج افراد

در موارد زیر حج تمتع با حج افراد متفاوت است:

۱- صحت حج تمتع مشروط به این است که عمره تمتع را قبل از آن بصورت صحیح انجام داده باشد، درحالیکه صحت حج افراد به آن بستگی ندارد.

۲- در حج تمتع، باید قربانی در منی ذبح یا نحر شود، ولی این کار در حج افراد واجب نیست، مگر اینکه حاجی در هنگام احرام قربانی را به همراه داشته و با خود آورده باشد، چنانکه گذشت.

۷۲..... مناسک حج

۳— محل احرام بستن در حج تمتع، مکه مکرمه است؛ و در حج افراد، هر یک از میقاتهای عمره تمتع و یا محاذی آنها می باشد.

۴— در حج تمتع نمی توان در حالت اختیار طواف حج وسیعی صفا و مروره را برووقوف در عرفات و مشعر مقدم داشت ولی این عمل در حج افراد جایز است.

نکات تکمیلی

مسأله ۱۸۶— فاصله شانزده فرسخ بین وطن شخص و مکه معتبر است و مسافت مذکور — شانزده فرسخ — از انتهای وطن شخص در نظر گرفته می شود نه از منزلش.

شخصی که مسکنش در رأس آن مسافت قرار دارد، وظیفه اش حج تمتع است نه افراد. و نیز وظیفه کسی که شک دارد در اینکه مسکنش در رأس مسافت می باشد یا نه چنین است.

مسأله ۱۸۷— اگر شخصی دارای دو منزل باشد، به طوریکه یکی از آن دو، از مسجدالحرام شانزده فرسخ، و دیگری کمتر از آن فاصله داشته باشد، آیا وظیفه اش حج تمتع است یا افراد؟

جواب: هر کدام از دو عنوان بر وی صدق عرفی نماید حکم آن بر او جاری است؛ و اگر هر دو عنوان به یک نسبت بر وی صدق کند، واجب است احتیاطاً بین هر دو وظیفه جمع نماید.

مسأله ۱۸۸— اگر شخصی که وطنش بیش از شانزده فرسخ از مسجد الحرام فاصله دارد، بخواهد در مکه به قصد سکونت اقامت کند، وظیفه اش

حج افراد و حج قران..... ۷۳
از ابتدا از حج تمتع به حج افراد تبدیل می‌گردد گرچه استطاعت وی در
وطنش حاصل شده باشد، تبدیل شدن وظیفه وابسته به این نیست که فرد
مدتی در مکه اقامت نماید.

اما اگر چنین شخصی به نیت مجاورت در مکه اقامت گزیند، اگر
استطاعت وی پس از دو سال اقامت در آنجا پیش بیاید، وظیفه‌اش از حج
تمتع به افراد تبدیل می‌شود.

مسأله ۱۸۹— اگر استطاعت چنین شخصی در وطنش و یا در مکه قبل
از تکمیل اقامت دو ساله، حاصل گردد ولی بعلت کوتاهی و سهل انگاری حج
نماید تا اینکه وارد سال سوم اقامت خود شود، آیا باز هم وظیفه‌اش از تمتع
به افراد تبدیل می‌گردد؟

جواب: در هر دو صورت مشهور بین فقها این است که تبدیل نمی‌شود.
ولی این مطلب خالی از اشکال نیست، واقرب این است که تبدیل می‌شود
گرچه احتیاط در جای خود محفوظ است.

مسأله ۱۹۰— اگر شخصی در مکه به قصد مجاورت اقامت کند
و استطاعت وی در وطنش پیش آمده باشد و یا اینکه پیش از تکمیل دو سال
در مکه مستیطع گردد و بخواهد حج تمتع نماید، جایز است برای عمره تمتع
از نزدیکترین نقطه خارج از حرم احرام بزند. گرچه احتیاط در این است که
به یکی از میقاتها رفته و از آنجا احرام ببندد.

مسأله ۱۹۱— شخصی که اهل مکه بوده ولی در جای دیگری که بیش از
شانزده فرسخ از مکه فاصله دارد به مدت دو سال و یا بیشتر قصد اقامت

۷۴.....مناسک حج

نماید، تا هنگامیکه بر او صدق نکند که اهل آن محل است، حکم آنجا شامل وی نمی‌شود.

در حج تمتع پنج چیز معتبر می‌باشد

۱— نیت همراه با سه عنصر آن که عبارت است از: قصد قربت، اخلاص و قصد عمل مشخص که آن را شرعا از موارد دیگر متمایز سازد.

۲— مجموع عمره و حج باید در ماه‌های حج — شوال، ذیقعد و ذیحجه — انجام گیرد. بنابراین اگر احرام عمره، پیش از دخول ماه شوال باشد، باطل است گرچه بقیه اعمال در شوال واقع گردد.

۳— باید حج و عمره در یک سال باشند، البته به شرط مقدم داشتن عمره بر حج.

۴— محل بستن احرام برای حج، مکه می‌باشد، و منظور از مکه — در اینجا — سرتاسر شهر است، بنابراین بخش‌های جدید نیز عرفاً جزء آن شمرده می‌شود، و لذا احرام از آن مناطق جایز است. البته احرام از مناطقی که نام ده و یا شهر دیگر به طور مشخص بر آن اطلاق می‌گردد، جایز نیست، گرچه به دلیل توسعه و آبادانی، به مکه متصل شده باشند.

۵— مکلف پس از اتمام اعمال عمره تمتع و قبل از احرام حج، می‌تواند از مکه خارج شود و به مناطق نزدیک مانند جده و طائف و امثال آنها برود به شرط آنکه مطمئن باشد که می‌تواند به مکه بازگشته و حج را درک نماید بلکه بعید نیست رفتن به مناطق دور نیز با همان شرط جایز باشد. البته،

حج افراد وحج قران..... ۷۵
شخصی که از مکه برای کار و یا غیر آن خارج می‌شود، اولی و احوط آن
است که ابتدا احرام حج را ببندد و سپس خارج شود.

مسائل گوناگون در ارتباط با حج

مسأله ۱۹۲— شخصی که بعد از عمره تمتع از مکه بدون احرام حج،
خارج گردد و ماه دیگر به مکه مراجعت نماید، واجب است که با احرام جدید
وارد شود که احرام عمره تمتع محسوب می‌شود.

مسأله ۱۹۳— شخصی که از مکه بعد از عمره تمتع با احرام حج خارج
می‌گردد، اگر در ماه دیگر وارد شود، با تلبیه حج وارد می‌شود بدون آنکه
مجددا نیاز به احرام عمره داشته باشد.

مسأله ۱۹۴— شخصی که بعد از عمره، بدون احرام از مکه خارج شده و ماه
بعد مراجعت نموده و به نیت عمره مفرده احرام بسته است، بطوریکه غافل
و یا جاهل است از این که وظیفه‌اش احرام برای عمره تمتع می‌باشد تا آن را
بجای آورد، عمره تمتع شمرده نمی‌شود.

مسأله ۱۹۵— در فرض مذکور، اگر عمره تمتع محسوب نگردد آیا به
خودی خود صحیح می‌باشد؟

جواب: بلی، صحیح است و دلیلی بر بطلان آن نیست، ولی در اینصورت
عمره تمتع اول لغو شده و باید عمره تمتع دیگری بجای آورد.

مسأله ۱۹۶— منظور از ماهی که ورود و خروج بر طبق آن است ماه
قمری است نه محاسبه ۳۰ روز.

۷۶..... مناسک حج

مسأله ۱۹۷- کسی که وظیفه‌اش حج تمتع باشد نمی‌تواند به حج افراد یا قران عدول نماید، مگر اینکه به طور اتفاقی وقت عمره تنگ شود و مکلف از آن بیم داشته باشد که اگر عمره را بجای آورد، وقوف اختیاری را درک ننماید، که در اینصورت می‌تواند به حج افراد عدول نماید.

مسأله ۱۹۸- کسی که وظیفه‌اش حج تمتع است، اگر از ابتدا و قبل از احرام بستن بداند که وقت تنگ است، وظیفه‌اش به حج افراد تبدیل نمی‌شود.

مسأله ۱۹۹- اگر مکلف، احرام عمره تمتع را در سعه وقت ببندد، ولی از جهت سهل انگاری، طواف خویش را عمداً به حدی به تاخیر بیندازد که اگر بخواهد اعمال عمره را تکمیل کند، وقوف در عرفات را درک نمی‌کند، در اینصورت اگر به تکمیل اعمال عمره بپردازد و وقوف اختیاری را از دست بدهد، عمره‌اش باطل و لغو خواهد شد.

مسأله ۲۰۰- بنا بر احتیاط جایز نیست مکلف از عمره تمتع مستحب در اثنای آن دست بردارد به این ترتیب، که پس از احرام بستن برای عمره از میقات و پیش از ورود به حرم، احرام را بهم زده و به وطن خویش برگردد. البته بعد از ورود در حرم با احرام، جایز نیست احرام را بهم بزند، بلکه واجب است عمره را به اتمام برساند. و اگر در این صورت معصیت نموده و عمره را نیمه کاره گذاشته و به وطنش برگردد، احرامش باطل و لغو می‌شود و شخص گناهکار است.

مسأله ۲۰۱- جایز نیست مکلف بعد از بجای آوردن عمره، حج را ترک نموده و به وطنش برگردد. و اگر در این صورت این کار را کرده و به وطنش برگردد، آیا عمره‌اش از تمتع به مفرده تبدیل می‌شود و یا اینکه باطل می‌گردد؟

جواب: باطل می‌گردد و از اینرو هر کس بخواهد عمره مستحبی بدون حج بجای آورد، باید عمره مفرده انجام دهد نه عمره تمتع.

مسأله ۲۰۲- کسی که برای عمره مفرده - مثلاً عمره رجب - احرام ببندد آیا می‌تواند از این احرام دست بردارد و آن را لغو نموده، به وطنش بازگردد؟
جواب: پس از ورود به حرم جایز نیست، و قبل از ورود بنا بر احتیاط نمی‌تواند دست بردارد. و اگر چنین کاری را انجام دهد، آیا احرامش باطل می‌شود یا اینکه تا هنگام بجای آوردن عمره مفرده در احرام باقی می‌ماند؟

جواب: تا پایان وقت عمره، و هنگامیکه وقت آن تمام شد، احرام وی نیز باطل می‌شود. مثلاً اگر برای عمره رجب احرام بست و تا آخر ماه رجب آن را بجای نیاورد، احرام آن به علت منتفی شدن موضوع آن - ماه رجب - از بین می‌رود و بر این اساس که احرام عمره هر ماه، بخشی از آن عمره شمرده می‌شود و با منتفی شدن آن، احرام نیز منتفی می‌شود.

بنابراحتیاط جایز نیست بعد از احرام حج مستحبی از آن دست بردارد برخلاف حج افراد و قرآن.

واجبات احرام

واجبات احرام چندامراست:

امراول: مواقیت

میقاتهای احرام عمره تمتع: چنانکه سابقا گذشت وقت عمره تمتع در ماههای حج می باشد که از روز اول شوال تا روز نهم ذیحجه امتداد دارد. واما از نظر مکان، هر کس بخواهد عمره تمتع را بجای آورد، باید از یکی از میقاتهای مشخصی که پیامبر اسلام ﷺ معین نموده اند احرام ببندد، و این میقاتها عبارتند از:

اول: مسجد شجره: و آن منطقه ای است به اسم «ذوالحلیفه» و در نزدیکی مدینه منوره است، و در حدود ۹ کیلومتر از آن فاصله دارد، و نیز دورترین میقات از مکه مکرمه شمرده می شود. ظاهرا مسجد مذکور، در منطقه ای است که نقطه آغاز این میقات شمرده می شود، و این میقات تا بیداء به فاصله یک میل امتداد دارد و احرام از هر قسمت این منطقه جایز است، گرچه احرام از بیداء بهتر می باشد.

به عبارت دیگر محدوده طولی این میقات از نظر شرعی مشخص است، و آن از مسجد مذکور تا بیداء به فاصله یک مایل (حدود چهار هزار متر) می باشد؛ ولی از لحاظ عرضی محدوده آن نامشخص است. البته احرام بستن در قسمت سمت راست و چپ مسجد — چه دور و چه نزدیک — جایز می باشد.

دوم: وادی عقیق: و آن دارای سه بخش می باشد:

۱- برید البعث.

۲- مسلخ.

۳- برید اوطاس.

مسأله ۲۰۳- احرام بستن در هر یک از این سه محل جایز است:

«ذات عرق» و «غمره» در واقع داخل این مناطق می‌باشند، بنابراین در این دو جا نیز احرام بستن جایز است. اگر شناخت این مناطق مشکل باشد، باید به اهل خبره منطقه رجوع شود.

سوم: جحفه: و آن دهی است بین مکه مکرمه و مدینه منوره، که میقات اهل شام می‌باشد. اگر کسی از روی غفلت و یا نادانی، از مسجد شجره احرام نبسته و از آن گذشته و به جحفه برسد، جایز است که از آنجا احرام ببندد و واجب نیست برای بستن احرام به مسجد شجره برگردد هر چند اینکار برایش ممکن باشد. بلکه بعید نیست حتی کسیکه عمدا و با توجه، بستن احرام از میقات سابق را ترک کرده است، جایز باشد که از جحفه احرام ببندد، ولی در اینصورت برگشتن به میقات سابق و احرام بستن از آنجا در صورت امکان بنا بر احتیاط نباید ترک شود.

چهارم: یلملم: و آن نام کوهی است از کوه‌های تهامه، و گفته می‌شود که از مکه حدود نود و چهار کیلومتر فاصله دارد.

پنجم: قرن المنازل: می‌گویند که روی کوهی مشرف به عرفات واقع شده است، و از مکه مکرمه حدود ۹۰ کیلومتر فاصله دارد. و ممکن است که «قرن المنازل» نام آن منطقه باشد نه فقط نام آن کوه.

۸۰..... مناسک حج

و در هر صورت جایز است از نقطه برابرکوه در مسیر عمومی که در آن مسجدی بنا شده است، احرام بسته شود.

مسئله ۲۰۴— هر گاه دومیقات در راه مکه پیش رو باشند که یکی از آنها جلوتر از دیگری باشد — چنانکه در راه مدینه منوره به مکه مکرمه دومیقات ذوالحلیفه و جحفه می باشند — مکلف نمی تواند از میقات اول عبور نموده و در میقات دوم احرام ببندد؛ و اگر از میقات اول بدون احرام گذشته و در میقات دوم مُحْرَم شود، احرامش صحیح است ولی گناه کرده است. البته بیمار و نیز کسیکه ضعف دارد و امثال آن دو که احرام بستن از میقات اول بر آنها مشقت و سخت است، از این حکم مستثنی می باشند.

مسئله ۲۰۵— احرام بستن از برابر مسجد شجره تا بیداء، به فاصله یک مایل از جهت طولی، صحیح می باشد. برابری عرفی هنگامی صدق می کند که مسافر به نقطه ای برسد که اگر در آنجا به سوی مکه مکرمه رو کند، میقات در طرف راست یا چپ او قرار گیرد. و نیز تفاوتی بین دوری و نزدیکی عرفی در برابری نیست، و لذا کسی که از ذوالحلیفه می گذرد، می تواند مسجد شجره را در طرف راست یا چپ خود قرار داده، از آنجا احرام ببندد.

مسئله ۲۰۶— بنابر اظهر احرام بستن از محاذی میقات های دیگر نیز کافی است.

مسئله ۲۰۷— اگر مکلف به نقطه محاذی میقاتی برسد، جایز است از آنجا احرام نبسته و تامیقات دیگر عقب انداخته و از آنجا احرام ببندد.

مسأله ۲۰۸— اگر مکلف در راه مکه، بادو میقات، محاذی گردد، آیا می‌تواند احرام بستن خود را از محاذی میقات اول به محاذی میقات دوم به تأخیر بیاورد؟

جواب: گرچه از لحاظ نظری، بعید نیست این کار جایز باشد، ولی بنابر احتیاط و جوبی نباید تأخیر انداخت.

مسأله ۲۰۹— واجب است مکلف مطمئن شود که به یکی از میقاتها و یا محاذی آن رسیده است تا بتواند احرام ببندد. و این مطلب از طریق علم واطمینان و یا حجت شرعی بدست می‌آید، و اگر شک در رسیدن به میقات یا محاذی آن داشته باشد، نمی‌تواند احرام ببندد، و اگر تحصیل علم ممکن نشد، مکلف می‌تواند به یکی از دو روش زیر، از صحت احرام خود مطمئن گردد:

اول— از نقطه‌ای که می‌داند قبل از میقات بوده و یا مردد است بین اینکه قبل از میقات و یا محاذی آن باشد، با نذر احرام ببندد.

دوم— دو جامه احرام را پوشیده و از اولین نقطه‌ای که احتمال می‌دهد میقات و یا محاذی آن باشد، به امید درک واقع شروع به تلبیه نماید، و تا آخرین نقطه‌ای که می‌داند با گذشتن از آن از میقات خارج می‌شود، این کار را ادامه دهد.

مسأله ۲۱۰— اگر مکلف به نقطه‌ای برسد که نداند قبل و یا بعد از میقات است، چنانچه نتواند صحت احرامش را به یکی از دو روش مذکور احراز

۸۲..... مناسک حج

نماید، وظیفه‌اش این است که از همان نقطه‌ای که در آن قرار دارد با نذر احرام ببندد.

مسأله ۲۱۱- احرام بستن پیش از میقات بدون نذر صحیح نیست.

بنابراین اگر از نقطه‌ای قبل از میقات، نذر احرام کنند، نذرش منعقد می‌شود و اگر احرام ببندد احرامش صحیح است، احرام بستن بعد از میقات حتی با نذر هم صحیح نیست. البته کسیکه در محلی زندگی می‌کند که در فاصله کمتر از میقات به مکه می‌باشد، می‌تواند از همان محل زندگی‌اش احرام ببندد، و لازم نیست به یکی از میقاتها برگردد، گرچه این امر برای وی جایز می‌باشد.

مسأله ۲۱۲- مراد از کم بودن فاصله از میقات به مکه، معنای نسبی آن است، به این معنی که هرگاه شخصی منزلش به مکه نسبت به میقات تنها از یک طرف نزدیکتر باشد، می‌تواند از همان منزل خود احرام ببندد، گرچه این نزدیکی به مکه از تمام جهات و اطراف نباشد.

مسأله ۲۱۳- حکم مذکور به اهل آن منطقه اختصاص ندارد بلکه شامل شخص مقیم در آنجا نیز می‌شود، گرچه عنوان اهل آن محل بر وی صدق نکند.

مسأله ۲۱۴- ساکنین و اهل مکه مکرمه نمی‌توانند برای عمره تمتع از مکه مُحَرَّم شوند.

مسأله ۲۱۵- حجاجی که از راه زمینی، از طرف طائف به مکه می‌روند، از قرن المنازل احرام می‌بندند، و قبلاً گفته شد که احتمال می‌رود قرن المنازل

نام آن منطقه باشد، و بنابراین شامل راه آنجا نیز می‌گردد، نه اینکه نام کوهی باشد که مشرف به عرفات است. بهر حال می‌توان از مسجدی که در مسیر راه آنجا ساخته شده است احرام بست، چون یا جزء میقات است و یا محاذی آن می‌باشد.

و اما حجاجی که از طریق مدینه از راه زمینی به مکه می‌روند، همچنانکه می‌توانند از مسجد شجره یا محاذی آن احرام ببندند، از مدینه با نذر می‌توانند مُحْرَم شوند.

مسأله ۲۱۶ — حجاجی که از راه هوایی از طریق جده به مکه وارد می‌شوند، نمی‌توانند از جده احرام ببندد چون نه از میقاتها شمرده می‌شود و نه می‌توان اطمینان یافت که از محاذی میقات است؛ و در اینصورت اگر رفتن به میقات و احرام بستن از آنجا برای آنها ممکن باشد، واجب است این کار را انجام دهند، و اگر این کار به دلیل کمبود وقت و یا جلوگیری حکومت و یا به هر علت دیگری برای آنان ممکن نبود، باید از جده بانذر احرام ببندند، و احرامشان صحیح است و واجب نیست احرام را در نزدیکترین نقطه خارج از حرم تجدید نمایند.

توضیحاتی تکمیلی

در اینجا چند صورت متصور است:

صورت اول: مسافر از ابتدا در وطن خودش می‌داند که پس از رسیدن به جده، به مدینه منوره مشرف شده و سپس به سوی مکه باز خواهد گشت، که در این فرض از مسجد شجره و یا محاذی آن احرام می‌بندد.

صورت دوم — مکلف می‌داند پس از رسیدن به جده، به مدینه نمی‌رود ولی مطمئن است می‌تواند به یکی از میقاتها مانند جحفه یا قرن المنازل برود و از آنجا احرام ببندد، در اینصورت وی می‌تواند در فرودگاه وطن خود احرام را نذر نموده، و یا میانه راه در داخل هواپیما قبل از رسیدن به میقات با نذر احرام ببندد، و نیز می‌تواند پس از رسیدن به جده به یکی از میقاتها رفته و از آنجا احرام ببندد.

صورت سوم — مکلف بدون اینکه با نذر احرام ببندد — چه در فرودگاه وطن خود و چه در وسط راه پیش از رسیدن به میقات — به جده برسد، و در آنجا معلوم شود که رفتن به میقات به هر دلیلی مانند کمبود وقت و یا جلوگیری حکومت و یا هر علت دیگر ممکن نیست، در اینصورت لازم است با نذر از جده احرام ببندد، و این احرامش صحیح است.

صورت چهارم — اگر مسافر می‌داند که پس از رسیدن به جده، برای وی به هر دلیلی امکان رفتن به میقات و احرام بستن از آنجا میسر نخواهد بود، در این صورت واجب است که با نذر از فرودگاه وطنش یا در داخل هواپیما در میانه راه و قبل از رسیدن به میقات احرام ببندد. احرام بستن بانذر از جده وظیفه مضطر است؛ بنابراین تا هنگامیکه مکلف بتواند از میقات و یا با نذر قبل از میقات احرام ببندد، نوبت به آن نمی‌رسد. البته، اگر از روی غفلت و نادانی وظیفه‌اش را انجام نداده و به جده برسد و در عین حال نتواند به میقات بازگردد، وظیفه‌اش این است که با نذر از جده احرام ببندد، و احرامش صحیح است.

مسأله ۲۱۷— اگر شخصی با علم به اینکه پس از رسیدن به جده امکان بازگشت به میقات و احرام بستن از آنجا را ندارد و عمدا احرام بستن با نذر از فرودگاه و طنش و یا در میانه راه در داخل هواپیما ترک نماید، آیا احرام بستن با نذر از جده برای وی صحیح است؟

جواب: در اینصورت صحت احرام وی بعید نیست، گرچه از جهت ترک احرام با نذر قبل از میقات، معصیت نموده است.

مسأله ۲۱۸— اگر مسافری بداند پس از رسیدن به جده می تواند به یکی از میقاتها بازگشته و از آنجا احرام ببندد، و با وجود این، از فرودگاه و طنش و یا در میانه راه، قبل از میقات با نذر احرام ببندد، در این صورت گرچه احرامش صحیح می باشد، ولی وی به دلیل سوار شدن به هواپیما، با اختیار و التفات، خودش را ناگزیر به زیر سایه می برد که بر مُحْرَم حرام می باشد، آیا این کار در اینصورت برای وی جایز است؟

جواب: اگر مُحْرَم، زن باشد برای وی اشکال ندارد. و اگر مُحْرَم مرد باشد و به علت تنگی وقت، بیم دارد که احرام به تأخیر بیفتد، احرام می بندد و کفاره زیر سایه رفتن را می پردازد. در اینصورت چیزی بر عهده او نیست ولی اگر وقت تنگ نباشد — چنانکه فرض مسأله است — و مکلف این کار را بدون هیچ عذری انجام دهد، اگر بعد از احرام بستن در حالیکه می توانست زیر سایه نرود، با وجود این عمداً و با التفات به مسأله، با اختیار خود بدون اضطراب سوار هواپیما شود، مقصر و گناهکار شمرده می شود، گرچه ضرری به حشش نمی رسد. و هرگاه پس از احرام بستن، ناچار شود که زیر سایه

۸۶..... مناسک حج

رفته و سوار هواپیما شود و نمی‌تواند بدون آن به مکه مسافرت نماید، مقصر نبوده و گناهی نکرده و تنها باید کفاره زیر سایه رفتن را بپردازد.

مسئله ۲۱۹- مسافری که مستقیماً به مدینه منوره وارد می‌شود، آیا جایز است در حالی که او در مدینه است، احرام از جده را نذر نماید و بدون احرام به جده مسافرت کند و در آنجا احرام بسته و راهی مکه شود؟
جواب: جایز نیست؛ و اما اینکه احرام بستن را تا رسیدن به جده به تأخیر انداخته و از آنجا بانذر مُحرم شود، در صورتیکه احرام بستن از میقات برایش ممکن باشد، جایز نیست.

مسئله ۲۲۰- احرام بستن پیش از میقات بجز دو حالت جایز نیست:

اول: آنکه احرام بستن قبل از میقات را نذر کرده باشد، و سپس از آنجا مُحرم گردد، که در اینصورت احرامش صحیح می‌باشد، گرچه احرام بستن از یکی از میقاتها برایش ممکن باشد، نیز هنگام عبور از میقات و یا محاذی آن تجدید احرام برایش واجب نیست، و در این حکم احرام عمره تمتع یا عمره مفرده و یا حج افراد باهم تفاوتی ندارد.

دوم: آنکه مکلف بیم آن دارد که اگر احرام را تا میقات به تأخیر بیندازد، عمره رجب را درک نکنند، در اینصورت جایز است قبل از رسیدن به میقات، به نیت عمره مفرده در ماه رجب احرام ببندد، و بدین ترتیب برای وی عمره رجب به حساب می‌آید، گرچه بقیه اعمال آن در ماه شعبان انجام شود.

مسأله ۲۲۱— اگر مکلف از میقات ویا از برابر آن گذشته وعمدا احرام نبندد واز آن رد شود، چنانچه بازگشتن به میقات ویا از برابر آن برای وی ممکن باشد، واجب است برگشته واز آنجا احرام ببندد واحرام او صحیح است، اما اگر بازگشت ممکن نباشد، آیا کفایت می کند که از حرم بیرون رفته وتا جایکه می تواند از آن دور شود واز آنجا احرام ببندد، ویا اگر خروج از حرم ممکن نباشد، از جای خود مُحْرِم شود؟

جواب: اظهر این است که کفایت می کند. وهمچنین اگر پیش از رسیدن به حرم پشیمان شود، که باید به یکی از میقاتها ویا به نقطه برابر آن مراجعت نموده واز آنجا احرام ببندد. واگر مراجعت برای وی ممکن نباشد تا آنجا که می تواند از جای خود دور شده واز آنجا مُحْرِم شود؛ واگر این کار نیز برایش ممکن نباشد، از همان جای خود احرام ببندد.

مسأله ۲۲۲— شخصی که وظیفه اش مراجعت به میقات است، اظهر آن است که به هر میقاتی که بخواهد می تواندبرود گرچه بهتر آن است که در صورت امکان به میقات بلد خود برگردد.

مسأله ۲۲۳— اگر مکلف از روی فراموشی ویا به دلیل بیهوشی، ویا ندانستن حکم شرعی ویا تشخیص ندادن محل میقات ویا محاذی آن، احرام بستن از میقات را ترک کند سپس متوجه شود، مسأله چند صورت دارد:

اول: بازگشت به میقات ویا محاذی آن برای وی ممکن باشد، که در اینصورت واجب است بدانجا مراجعت نموده، واحرام ببندد.

۸۸..... مناسک حج

دوم: داخل حرم بوده، ولی می‌تواند به خارج آن برگردد، گرچه مراجعت به میقات امکان ندارد. در اینصورت باید به خارج حرم برود و تا حد امکان از آن دور شده، واز آنجا احرام ببندد.

سوم: داخل حرم بوده و امکان خروج از آن را ندارد، در اینصورت باید از همان مکان مُحرِم شود.

چهارم: مکلف خارج از حرم باشد، ولی امکان رجوع به میقات و یا محاذی آن را نداشته باشد، در اینصورت وظیفه‌اش احرام بستن از همان مکان خویش می‌باشد، گرچه احوط و بهتر آن است که تا جاییکه می‌تواند از آن دور شود.

بنابراین در تمام حالات، اگر مکلف از روی علم و عمد به وظیفه‌اش عمل ننماید و بقیه اعمال عمره را بدون احرام انجام دهد، عمره‌اش باطل است و مانند کسی است که در عمره تمتع، از روی عمد و آگاهی از حکم شرعی، احرام را ترک نموده و سایر اعمال عمره را بدون احرام بجای آورده است، و بدون هیچ شبهه‌ای، عمره چنین شخصی باطل می‌باشد.

مسأله ۲۲۴— زنی که در ایام حیض و نفاس بوده واز روی غفلت و یا جهل به حکم، احرام از مسجد شجره را — مثلا — ترک نموده، وارد مکه شود و سپس متوجه گردد، باید در صورت امکان به میقات مراجعت نموده واز آنجا احرام ببندد و اگر چنین کاری برایش ممکن نباشد، حکم وی یکی از چهار صورتی است که نمی‌تواند به میقات برگردد.

مسأله ۲۲۵— اگر شخصی به جهت عذری، مانند بیماری و غیره، بستن احرام از میقات را ترک کند و در ادامه سفرش به سمت مکه، هنگام رسیدن به نزدیکترین نقطه خارج از حرم از آنجا احرام بسته و داخل مکه شود؛ سپس عذرش مرتفع، وضعفش برطرف گردد، واجب است در صورت امکان و بیم نداشتن از فوت حج، به میقات برگشته و از آنجا مُحْرَم شود. و حتی اگر عذرش بعد از اعمال عمره برطرف شود، در صورت امکان بازگشت، به میقات باید مراجعت نموده و از آنجا احرام ببندد. البته اگر بیم از دست رفتن وقوف حج در میان نباشد.

مسأله ۲۲۶— با احرام بستن، موارد متعدد بر مُحْرَم حرام می‌گردد که بعداً بیان می‌شود. اگر مکلفی در حال احرام، قصد ارتکاب برخی از مُحْرَمات احرام را نماید، احرامش صحیح است، هر چند به جهت ارتکاب آن مُحْرَمات گناهکار شمرده می‌شود، مانند کسیکه در حال احرام اختیاراً و بدون اضطرار، قصد نماید به زیر سایه برود.

مسأله ۲۲۷— جنب و زن حائض می‌توانند از مسجد شجره در حال عبور از آن مُحْرَم شوند، همچنانکه می‌توانند خارج از مسجد در قسمت راست یا چپ آن و یا از جلو مسجد تا فاصله یک مایل به طرف مکه مکرمه احرام ببندند.

مسأله ۲۲۸— اگر مکلف از روی علم و عمد احرام از میقات و یا نقطه موازی آن را ترک کند، چنانچه بتواند به میقات و یا موازات آن برگردد باید این کار را انجام دهد چه داخل حرم شده و یا نشده باشد. اما اگر امکان

۹۰..... مناسک حج

رجوع نباشد، آیا احرام از نزدیکترین نقطه خارج از حرم برای وی کافی است بدینگونه که از حرم خارج گشته واز آنجا مُحْرِم شود، ویا اینکه لازم است در صورتیکه هنوز به حرم نرسیده باشد از همان محل خود احرام ببندد، ویا حتی اگر به حرم رسیده ولی مراجعت به نزدیکترین نقطه خارج از حرم غیرممکن باشد باز از همان محل خود احرام ببندد؟

جواب: بعید نیست که در تمام فرضها احرام صحیح باشد، گرچه احوط اولی آن است که سال آینده، حج را اعاده کند.

مسأله ۲۲۹ — اگر شخصی عمره تمتع را بدلیل جهل بحکم ویا فراموشی بدون احرام بجای آورد، عمره اش اشکال دارد وبنابر اظهر به این عمره اکتفا نشود، بلکه در سال آینده عمره را اعاده نماید.

امر دوم: حقیقت احرام

قوام احرام به نیت وتلبیه می باشد.

اول — نیت: یعنی مکلف با احرام بستن، موارد متعددی را بر خود حرام نماید. البته لازم نیست تمام آن موارد را بطور مفصل از نظر بگذراند، بلکه نیت اجمالی تحریم آنها کافی است.

در نیت باید امور زیر نیز رعایت گردد:

۱ — تمییز: اگر مکلف بخواهد عمره تمتع از حج تمتع حجت الاسلام را بجای آورد، باید نیت احرام آن را بنماید، اگر بخواهد حج تمتع حجت الاسلام را بجای آورد، بایستی احرام آن را نیت نماید؛ بنابراین اگر بدون تعیین مورد، احرام ببندد، احرامش صحیح نیست.

مسأله ۲۳۰— به زبان آوردن نیت واجب نیست، اما مستحب است بگوید: «احرام می‌بندم برای عمره تمتع از حجت الاسلام الی الله»، و اگر نایب باشد، نام «منوب عنه» را می‌آورد، اگر حج استحبایی باشد، کلمه «حجت الاسلام» حذف می‌شود، و اگر حج، با نذر، عهد، قسم، و یا بدلیل فاسد شدن حج سابق، واجب شده باشد، باید نیت آن حج را بنماید.

۲- قصد قربت: یعنی احرام عمره یا حج باید به قصد قربت انجام گیرد.

۳- اخلاص: یعنی احرام عمره باید همراه با اخلاص و بدون ریا بجای آورده شود.

دوم — تلبیه: که مکلف می‌گوید: «لَبَّيْكَ، اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ لِشَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ»؛ و بنا بر احتیاط استحبایی این جمله را نیز به آن اضافه نماید: «انَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمَلِكُ، لِشَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ».

مکلف بعد از نیت احرام و خواندن تلبیه احرامش منعقد گشته و شرعاً مُحْرِم می‌گردد و اموری بر وی حرام می‌شود، اگر مکلف پس از نیت، تلبیه نگوید، شرعاً احرام وی منعقد نمی‌گردد و لذا مُحْرِماتی که بعداً به تفصیل ذکر خواهد شد بر وی حرام نمی‌باشد.

مسأله ۲۳۱— در صحت احرام شرط نیست که مُحْرِم هنگام نیت قصد کند علاوه بر انجام ندادن مُحْرِماتی که بعداً به تفصیل ذکر خواهد شد در نیت اول موارد مخصوصی را مرتکب نشود. گفته می‌شود در صحت احرام مُحْرِم معتبر است که مکلف اراده کند که جماع و استمناء را مخصوصاً ترک نماید، ولی اقوی آن است که این دو مانند سایر مُحْرِمات می‌باشد.

۹۲..... مناسک حج

مسأله ۲۳۲— واجب است مکلف، الفاظ تلبیه و جملات آن را یاد بگیرد تا بتواند بصورت صحیح ادا کند. اگر کسی این کلمات و عبارات را به وی تلقین کرده واو، آن جملات را به زبان آورد کافی است.

مسأله ۲۳۳— اگر برای یادگیری الفاظ تلبیه فرصتی نباشد، و تلقین هم ممکن نیست، باید مقداری را که ممکن است به زبان آورد، و بنا بر احتیاط استحبابی آنچه از الفاظ که معنای عبارات تلبیه را برساند به آن اضافه کند و کسی را نایب بگیرد که تلبیه را بطرز صحیح از طرف وی ادا کند.

مسأله ۲۳۴— کسی که لال است، باید به اشاره انگشت و حرکت زبان، تلبیه را انجام دهد.

مسأله ۲۳۵— اگر کودک غیر ممیز نتواند تلبیه را ادا کند، باید ولی او از طرف وی تلبیه را بجای آورد.

مسأله ۲۳۶— بنا بر اقرب پوشیدن لباسهای احرام، شرط صحت آن نیست، بلکه واجب مستقلی است، بنابراین اگر مکلف، لباسهای احرام نپوشیده و با لباس معمولی احرام ببندد، احرامش صحیح می باشد، گرچه مرتکب گناه شده است.

مسأله ۲۳۷— احرام حج قران همچنانکه با تلبیه منعقد میشود، با «اشعار» و یا «تقلید» نیز منعقد می گردد. تقلید در مورد شتر و غیر آن از انواع قربانی مشترک است. در حالیکه «اشعار» بنا به رأی مشهور، مخصوص شتر می باشد، ولی این حکم خالی از اشکال نیست. بهر حال اگر احرام بوسیله «اشعار» باشد، بهتر آن است که «تقلید» نیز به آن ضمیمه گردد، اشعار

حقیقت احرام ۹۳

عبارت از پاره نمودن یک طرف کوهان شتر و خون آلود کردن آن است تا اینکه معلوم شود قربانی است، تقلید بنا بر مشهور عبارت است از اینکه مکلف کفش کهنه‌ای که با آن نماز خوانده است به گردن قربانی آویزان کند، اما بنا بر اقرب آویختن هر چیزی که قربانی را معین و مشخص نماید کافی است هر چند مستحب است کفش کهنه‌ای که با آن نماز بجا آورده شده آویخته شود.

مسأله ۲۳۸— در صحت احرام، طهارت از حدث اکبر و اصغر شرط نیست، ولذا کسی که حدث اکبر از او سرزده است مانند جنب و حائض و نیز کسی که حدث اصغر از او سرزده احرامشان صحیح می‌باشد.

مسأله ۲۳۹— لازم نیست انسان هنگام نیت کردن، همه اجزاء حج تمتع و غیر آن را در ذهن خود حاضر نماید، بلکه کافی است بطور اجمالی نیت کند که واجبات حج را اتیان خواهد کرد و سپس بتدریج این مناسک را یاد گرفته و بجای آورد. و همچنین لازم نیست هنگام نیت کردن، اشاره به وجوب یا استحباب نماید.

مسأله ۲۴۰— در عمره تمتع واجب است هنگام دیدن خانه‌های قدیمی مکه، تلبیه را قطع نماید. و مراد از مکه، مکه زمان پیامبر اکرم ص می‌باشد، و اگر مکلف خارج از مکه احرام عمره مفرده را بجای آورد، هنگام دخول در حرم بنا بر احتیاط باید تلبیه را قطع نماید، ولی اگر مکلف در مکه بوده و از آنجا به نزدیکترین نقطه خارج از حرم خارج گردیده و برای عمره مفرده احرام

۹۴.....مناسک حج

بسته، در اینصورت احتیاطاً هنگام دیدن خانه‌های قدیمی مکه تلبیه را قطع کند.

مسأله ۲۴۱— اگر مکلف بعد از بجای آوردن تلبیه، شک کند که آن را صحیح انجام داده یانه، حکم به صحت آن می‌شود. و اگر شک کند که اصلاً تلبیه را انجام داده است یانه، اگر از میقات عبور کرده باشد، به شکش اعتنا نمی‌کند، ولی اگر هنوز از آنجا نگذشته باشد، واجب است تلبیه را بجای آورد.

مسأله ۲۴۲— اگر مکلف پس از نیت احرام و پوشیدن جامه‌های آن شک کند که تلبیه را بجای آورده یانه، بنا می‌گذارد که تلبیه را بجا نیاورده است پس می‌تواند مُحْرَمَاتِ احرام را انجام دهد.

مسأله ۲۴۳— اگر مکلف کاری انجام دهد که کفاره دارد، ولی شک کند که آیا بعد از تلبیه بوده که کفاره برعهده‌اش باشد، یا قبل از آن بوده تا کفاره بر وی واجب نباشد، در اینصورت بنا بر ظاهر کفاره واجب نمی‌باشد چه زمان تلبیه و زمان آن مجهول باشد و چه زمان یکی از آن دو معلوم و دیگری مجهول باشد.

مسأله ۲۴۴— مستحب است مکلف در میقات، غسل احرام بجای آورد و بنا بر اقوی این استحباب شامل زن حائض و نفساء نیز می‌شود. و اگر مسافر بیم آن دارد که در میقات، دسترسی به آب ممکن نباشد، می‌تواند قبل از میقات غسل کند، و اگر در میقات به آب دسترسی پیدا کرد، غسل را اعاده نماید. و اگر بعد از غسل و قبل از احرام بستن، حدث اصغر از وی صادر

واجبات احرام..... ۹۵

شود، ویاچیزی را بخورد و یا بپوشد که بر مُحْرَم جایز نیست، غسل را اعاده نماید.

امر سوم: واجبات احرام

مسأله ۲۴۵— واجب است مرد مُحْرَم در دو جامه احرام ببندد: یکی را مانند لنگ بدور کمر خویش بسته که آن را «آزار» گویند، و دیگری را مانند عبا بدوش بیاندازد که آنرا «رداء» نامند. این کار باید پس از کندن لباسهای معمولی که پوشیدن آنها بر مُحْرَم — چه در ابتدا و چه در ادامه احرام — حرام است انجام گیرد. البته در مورد آزار و رداء صدق عرفی کفایت می کند، مثلاً آزار می تواند یک قطعه پارچه ای باشد که مابین ناف تا سر زانو را بپوشاند، و رداء می تواند یک قطعه پارچه ای باشد که مابین دوشانه را بپوشاند. البته بیشتر بودن پوشش از اندازه های مذکور اشکالی ندارد. بهر حال مرد مکلف باید در حین پوشیدن این جامه ها مُحْرَم شود.

مسأله ۲۴۶— بنابر اظهر پوشیدن جامه های احرام بر مرد مُحْرَم یک واجب تعبدی است و از شرایط صحت احرام نمی باشد. پس اگر کسی عمداً و با دانستن حکم شرعی، آن دو جامه را نپوشیده احرام ببندد، احرام وی صحیح می باشد و هر آنچه که بر مُحْرَم حرام است بر وی نیز حرام است، گرچه گناهکار شمرده می شود.

مسأله ۲۴۷— بنابر احتیاط، شرایط معتبر در لباس نماز گزار، در جامه های احرام نیز معتبر می باشد، بدین معنی که از ابریشم خالص و یا از اجزاء حیوانات حرام گوشت، و یا زریاف — بطوریکه پوشیدن طلا صدق کند —

۹۶..... مناسک حج

و بدن نما نباشد. و لازم است پاک باشد، البته به اندازه‌ای که نجاست آن در نماز بخشوده شده است مانعی ندارد. و بنا بر احتیاط استحبابی لباس احرام از پوست و نمد و دوخته شده نباشد.

مسأله ۲۴۸— پوشیدن شلوار بر مرد مُحَرَّم جایز نیست مگر آنکه ازار نداشته باشد، و همچنین پوشیدن چکمه (خف) جایز نیست مگر آنکه نعلین رویاز نداشته باشد.

مسأله ۲۴۹— وجوب پوشیدن جامه‌های احرام مخصوص مردان می‌باشد، و زن می‌تواند با لباس‌های معمولی خود احرام ببندد بشرط آنکه پاک باشند، گرچه احوط آن است شرایط دیگر که در مسأله ۲۴۳ گذشت را نیز رعایت کند. البته نمی‌تواند از لباس ابریشمی خالص و یا روبند در تمام حالات احرام استفاده کند.

مسأله ۲۵۰— اگر هر یک از جامه‌های احرام و یا هر دو نجس شود، بنا بر احتیاط واجب باید فوراً نسبت به تبدیل و یا تطهیر آن اقدام نماید.

مسأله ۲۵۱— مُحَرَّم می‌تواند در ابتدا و یا در اثنای احرام علاوه بر جامه‌های احرام لباس دیگری نیز به تن کند، همچنانکه می‌تواند آن دو جامه را بدو جامه دیگر— که دارای شرایط مخصوص باشند — تبدیل نماید. و نیز می‌تواند پس از احرام و تلبیسه، جامه‌های احرام خویش را درآورده و بدون لباس بماند بشرط آنکه از ناظر محترم ایمن بوده و یا با چیز دیگری ستر عورت نماید.

آداب و مستحبات احرام

اول: رعایت نظافت: یعنی انسان بدن خود را تمیز، ناخنهای خود را کوتاه، موهای زیر بغل و ناف را برطرف و سبیل خود را کوتاه نموده و دندانهای خود را تمیز کند.

دوم: گذاشتن موی سر: یعنی مستحب است مردان، از اول ماه ذی قعدة موی سر خود را کوتاه نمایند، اگر نیت حج رفتن از آن زمان را داشته باشند.

سوم: غسل احرام: به این ترتیب که مکلف غسل کند و هنگام غسل این دعا را بخواند: « بسم الله الرحمن الرحيم ، بسم الله و بالله ، اللهم اجعله لي نورا و طهوراً و حرزاً ، و أمناً من كل خوفٍ ، و شفأء من كل داءٍ و سقمٍ ، اللهم طهرني و طهر قلبي ، و اشرح لي صدري ، و أجر علي لساني محبتك و مدحتك و الثناء عليك ، فانه لا قوه لي الا بك ، و قد علمت أنّ قوام ديني التسليم لك ، و الاتّباع لسنة نبیک (p) .»

چهارم: بستن احرام بعد از نماز: مستحب است پس از نماز واجب و یا نافله باشد بدینگونه که در نماز واجب، بعد از سلام نماز، احرام ببندد؛ و در نماز نافله پس از آن دو رکعت نماز بجای آورده شود و سپس مُحرم شود. پس از نماز، ابتدا حمد و ثنای خداوند و صلوات بر محمد و آلش ذکر گردد و سپس بگوید: « اللهم إني أسألك أن تجعلني ممن استجاب لك ، و آمن

بوعدك، واتبع أمرک، فإني عبدك، وفي قبضتك، لا أوقى إلا ما وقيت، ولا أجد إلا ما أعطيت، وقد ذكرت الحجّ فأسألك أن تعزم لي عليه على كتابك وسنة نبيك صلواتك عليه وآله، وتقويني على ماضعت، وتسلم لي مناسكي في يسرٍ منك و عافيةٍ ، واجعلني من وفدك الذي رضيت وارتضيت وسعيت وكتبت، اللهم إني خرجت من شقة بعيدة وأنفقت مالي ابتغاء مرضاتك، اللهم فتمم لي حجتى وعمرتى، اللهم أريد التمتع بالعمرة الى الحج على كتابك وسنة نبيك صلواتك عليه وآله، فان عرض لي عارض يحبسني فخلني حيث حبستني بقدرك الذي قدرت علي، اللهم ان لم تكن حجت فعمره ، أحرم لك شعري و بشرى ولحمى ودمى و وعظامى ومخى وعصبي من النساء والثياب والطيب، ابتغى بذلك وجهك والدار الآخرة».

پنجم: خواندن دعا به هنگام پوشیدن لباس احرام: كه بگوید "الحمد لله الذى رزقنى ما أوارى به عورتى وأودى فيه فرضى، واعبد فيه ربي وانتهى فيه الى ما أمرنى الحمد لله الذى قصده فبلغنى وأردته فأعاننى وقبلنى ولم يقطع بى، و وجهه أردت فسلمنى، فهو حصنى و كهفى وحرزى وظهرى و ملاذى ورجائى ومنجائى و ذخرى، وعدتى فى شدتى ورحائى».

ششم: دعا بعد از تلبیہ: كه بگوید: « لبيك ذالمعارج لبيك، لبيك داعياً الى دارالسلام لبيك، لبيك غفار الذنوب لبيك، لبيك أهل

التَّلبِيَةِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَالْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تَبْدِيءٌ
وَالْمَعَادِ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ يَسْتَغْنِي وَيَفْتَقِرُ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ مَرْعُوباً
وَمَرْهُوباً إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ أَنَّهُ الْحَقُّ، لَبَّيْكَ ذَالنِّعْمَاءِ وَالْفَضْلِ الْحَسَنِ
وَالْجَمِيلِ، لَبَّيْكَ كَشَّافِ الْكَرْبِ الْعِظَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ
لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ يَا كَرِيمَ لَبَّيْكَ».

هفتم: تکرار تلبیه: مستحب است حاجی بعد از آن که احرام بست تلبیه
احرام وبقیه تلبیه‌ها را در تمام حالات و اوقات تکرار کند مخصوصاً بعد
از نمازهای واجب یا نافله، و هنگام بیدار شدن از خواب، و هنگام سحر،
و هروقت که دوباره به راه می‌افتد و یا در جایی فرود می‌آید و یا از وسیله
نقلیه‌ای پیاده و یا به آن سوار می‌شود، و هكذا. تکرار این تلبیه‌ها در عمره
تمتع تا جایی است که خانه‌های قدیمی مکه دیده شود و در حج تمتع، ظهر
روز عرفه می‌باشد و در عمره مفرده بنا بر احتیاط تا هنگامی است که در حرم
داخل شود، چنانکه گذشت.

مُحْرَمَاتُ احْرَامِ

نوع اول: مُحْرَمَاتُ مُشْتَرِكِ

نوع اول: مُحْرَمَاتِی است که بر هر مُحْرَمِی — چه مرد و چه زن — حرام
می‌باشند، و این شامل مواردی است به ترتیب ذیل:

۱- شکار

مسئله ۲۵۲- جایز نیست مُحرِم — چه مرد و چه زن — جاندار صحرائی را شکار نموده و یا بکشد، چه این کار در حرم انجام گیرد و یا خارج از حرم، و چه حیوان مذکور حلال گوشت و یا حرام گوشت باشد.

همچنانکه در حرمت قتل فرقی ندارد که بعد از شکار اقدام به قتل آن نماید، و یا در ابتدا آن را بکشد.

مسئله ۲۵۳- جایز نیست که مُحرِم به شخص دیگری در امر شکار کمک کند گرچه این کمک به اشاره دست و یا امثال آن باشد، و گرچه آن شخص، مُحل (غیر مُحرِم) باشد.

مسئله ۲۵۴- مُحرِم — چه مرد و چه زن — نمی تواند شکار جاندار صحرائی را بدست گرفته و یا از آن نگهداری کند گرچه شکار آن پیش از احرام باشد، و نیز جایز نیست مُحرِم از گوشت شکار بخورد گرچه شکارچی آن، محل بوده یعنی از احرام بیرون آمده باشد. اگر مُحرِم در حالت احرام شکار نماید، یا آن را ذبح کند، در صورتیکه در خارج حرم باشد، بنابراین جواز است غیر مُحرِم از آن بخورد، بلکه بعید نیست اگر غیر مُحرِم در داخل حرم هم باشد خوردن آن برایش جایز باشد. البته اگر غیر مُحرِم در داخل حرم شکار نماید، هم بر مُحرِم و هم بر غیر مُحرِم خوردن از آن جایز نیست. پس تفاوت اساسی بین مُحرِم و غیر مُحرِم در اینجا این است که مُحرِم به هیچ وجه حق شکار ندارد، چه در حرم باشد و چه در خارج آن، و نیز نمی تواند از گوشت آن استفاده کند گرچه دیگری آن را شکار کرده باشد اما بر غیر

مُحَرِّمَاتِ احْرَامِ..... ۱۰۱
مُحَرِّمٌ، فقط شکار در حرم حرام است و خوردن از گوشت حیوانی که مُحَرِّمِ آن را شکار کرده اشکالی ندارد گرچه احتیاط بهتر است.

مسأله ۲۵۵— شکار حیوان وحشی مانند پرندگان، صدق می‌کند و اما حیوانات اهلی مانند مرغ، گوسفند، گاو و شتر شکار بر آنها صدق نمی‌کند گرچه وحشی شده باشد، و بنابراین مُحَرِّمِ می‌تواند این موارد مذکور را در اختیار گرفته و نگهدارد و یا ذبح کرده، از گوشت آن بخورد.

مسأله ۲۵۶— اگر مُحَرِّمِ شک کند که حیوان معینی، وحشی یا اهلی است، بنابر اظهر نمی‌تواند آن را شکار نماید.

مسأله ۲۵۷— حرمت شکار فقط مخصوص حیواناتی که معمولاً گوشت آنها قابل استفاده می‌باشد — مانند پرندگان و غیره — نیست بلکه غیر آنها مانند حیوانات درنده و امثال آنها را نیز شامل می‌شود، البته اگر در مواردی از سوی حیوانی خطری بر جان انسان احساس شود، قتل آن جایز می‌باشد مانند: شیر واقعی و مارسیاه و یاعقرب و موش و مانند آن.

مسأله ۲۵۸— حکم حرمت مخصوص حیوانات صحرائی است که در خشکی زندگی می‌کنند، و اما حیوانات دریایی مانند ماهی و امثال آن، مُحَرِّمِ می‌تواند آنها را شکار نموده و یا نگهداری کند. مراد از حیوان دریایی، حیوانی است که فقط در آب زندگی می‌کند، اما حیواناتی که هم در خشکی و هم در دریا زندگی می‌کنند حکم جاندار خشکی را دارد، و شکارشان جایز نیست. اگر مکلف شک نماید که آیا حیوان معینی از حیوانات خشکی و یا دریایی است، شکار آن جایز است.

۱۰۲..... مناسک حج

مسأله ۲۵۹- گرفتن ملخ نیز مانند شکار حیوانات خشکی است، بنابراین گرفتن ویانگهداری و یا خوردن آن بر محرم جایز نیست.

مسأله ۲۶۰- محرم می‌تواند بسوی کلاغ و بازشکاری تیراندازی کند و در صورتیکه تیر به آنها اصابت نموده و کشته شوند، کفاره ندارد.

مسأله ۲۶۱- جوجه و تخم حیوانات دریایی و اهلی از لحاظ حکم، تابع خود این جانداران می‌باشد.

کفاره شکار

مسأله ۲۶۲- کفاره کشتن شتر مرغ یک شتر، و گاو وحشی یک گاو، و الاغ وحشی یک شتر و بنابراین احتیاط کفاره آن یک گاو می‌باشد، و کفاره آهو و خرگوش یک گوسفند، و بنابراین احتیاط استحبابی کفاره روباه نیز یک گوسفند می‌باشد.

مسأله ۲۶۳- اگر شخصی حیوانی را شکار نماید که یک شتر کفاره دارد ولی شتر یافت نشود، باید شصت مسکین را اطعام نماید، بطوریکه به هر مسکین یک مد برسد هر چند قیمت شتر بیشتر از این اطعام باشد، ولی اگر قیمت شتر کمتر از اطعام مذکور باشد، تصدق فقط به اندازه قیمت آن بر وی واجب می‌باشد. اگر بر مکلف یک گاو بعنوان کفاره واجب گردد اما گاو یافت نشود، واجب است سی مسکین را اطعام نماید و اگر نتوانست، باید نه روز روزه بگیرد. و اگر کفاره، یک گوسفند بوده ولی یافت نشود، باید ده مسکین را اطعام دهد، و در صورت عدم تمکن از آن، باید سه روز روزه بگیرد.

مُحَرِّمَاتِ احْرَامٍ..... ۱۰۳

مسأله ۲۶۴- اگر مُحَرَّم - چه مرد و چه زن - کبوتر و یا مانند آن را در خارج حرم بکشد، کفاره اش یک گوسفند است، و در جوجه آن اگر در داخل تخم حرکت کند، یک بره یا بزغاله باید کفاره بدهد، و اگر تخم آن را بشکنند، بنابراین، یک درهم کفاره بپردازد.

مسأله ۲۶۵- اگر غیر مُحَرَّم کبوتری را در حرم بکشد، باید یک درهم کفاره بدهد، و اگر جوجه آن را بکشد نیم درهم، و اگر تخمش را بشکند یک چهارم درهم باید کفاره بدهد.

مسأله ۲۶۶- اگر مُحَرَّم در داخل حرم کبوتری را بکشیند، باید هم یک گوسفند و هم قیمت کبوتر را بعنوان کفاره بدهد، و اگر تخم کبوتر شکست و جوجه داخل آن را بکشد، بنابراین احتیاط استجابی به ازای هر یک از این دو عمل باید دو کفاره بدهد.

مسأله ۲۶۷- کفاره کشتن مرغ سنگخوار، یک بره تازه از شیر گرفته شده علفخوار می باشد، و بنابراین احتیاط کفاره کشتن کبک و دراج و امثال آن دو مانند کفاره مرغ سنگخوار می باشد. کشتن گنجشک، چکاوک و مرغ سنگانه کفاره ندارد. در کشتن یک ملخ یک دانه خرما، و در کشتن بیشتر از یکی، یک مشت طعام، و در مواردی که عرفاً زیاد شمرده شود، یک گوسفند کفاره باید پرداخت شود.

مسأله ۲۶۸- کفاره موش صحرائی، خارپشت، سوسمار و مانند اینها یک بزغاله است. و کفاره کشتن عظایه (نوعی مارمولک) مشتتی از طعام،

۱۰۴..... مناسک حج

و کفاره کشتن زنبور عمداً، مقداری طعام می‌باشد، البته اگر کشتن زنبور از جهت دفع آزار آن باشد، کفاره ندارد.

مسأله ۲۶۹- واجب است در صورت انتشار ملخها در راه مُحرَم به طرف راست یا چپ راه خود را کج نمایید، ولی اگر ممکن نباشد، پایمال کردن آنها اشکالی ندارد.

مسأله ۲۷۰- اگر چند نفر با هم در کشتن شکاری شریک باشند، هر یک از آنها باید جداگانه کفاره بدهد.

مسأله ۲۷۱- کفاره خوردن شکار مانند شکار کردن است، بنابراین اگر مُحرَم شکار نموده و خود از گوشت آن بخورد، بنابر احتیاط دو کفاره بر وی واجب میشود.

مسأله ۲۷۲- اگر مکلف - هر چند غیر مُحرَم - داخل حرم گردد و شکاری به‌مراه داشته باشد، باید آن را رها نماید، و اگر آن را رها نکند تا بمیرد، باید کفاره بپردازد. و همچنین جایز نیست که مکلف بعد از احرام شکار را ننگه دارد گرچه هنوز وارد حرم نشده باشد.

اگر در فرض مذکور قبل از ورود به حرم شکار بمیرد، بنابر اظهر کفاره ندارد هر چند مستحب است کفاره بدهد.

مسأله ۲۷۳- در وجوب کفاره شکار و خوردن آن، فرقی نمی‌کند که عمداً و یا از روی نادانی و یا فراموشی باشد.

مسأله ۲۷۴- در صورت تکرار شکار از روی نادانی و بدون تقصیر و یا سهواً و یا از روی فراموشی، کفاره نیز متعدد می‌گردد، و همچنین است تکرار

مُحَرِّمَاتِ احْرَامِ ۱۰۵
عمدی شکار از شخص غیر مُحَرِّم در داخل حرم، و یا از شخص مُحَرِّم در فرض تعدد احرام. و اما اگر تکرار شکار عمداً از شخص مُحَرِّم در احرام واحد صورت گیرد، گرچه موجب تعدد کفاره نیست ولی سبب عقوبت و سرزنش اخروی می‌شود.

۲- جماع

مسأله ۲۷۵- نزدیکی با زن در اثنای عمره تمتع، و عمره مفرده و حج بر مرد حرام می‌باشد.

مسأله ۲۷۶- اگر مردی به خاطر ندانستن حکم و یا فراموش کردن آن در عمره تمتع با زنش نزدیکی نماید، عمره‌اش صحیح است، چه این مقاربت، بعد از اتمام سعی بین صفا و مروه بوده و یا پیش از آن باشد.

اما اگر عمداً و با علم به حکم شرعی با زنش نزدیکی نماید، بنابراین هر چند گناهکار بوده، باید یک شتر نر یا گاو یا گوسفند بدهد، و مستحب است در صورت امکان شتر نر کفاره بدهد و اگر شتر ممکن نباشد گاو و اگر گاو ممکن نشد گوسفند بدهد. و اگر بخاطر ندانستن حکم و یا فراموش کردن آن در عمره مفرده با زنش نزدیکی نماید، عمره صحیح است و کفاره ندارد، و اگر عمداً و با علم به حکم شرعی با زنش بعد از اتمام سعی نزدیکی نماید، عمره‌اش صحیح است گرچه گناهکار می‌باشد. اما اگر نزدیکی قبل از پایان سعی باشد، بعید نیست که عمره‌اش صحیح باشد گرچه گناهکار شمرده می‌شود و مشهور هم حکم به بطلان آن کرده است.

۱۰۶..... مناسک حج

بنابر قول به صحت عمره با وجود مقاربت در اثنای آن، واجب است شخصی که مرتکب این عمل شده، تا ماه بعد در مکه بماند و سپس به یکی از میقاتهای پنجگانه رفته واز آنجا احرام بسته و عمره‌اش را اعاده نماید.

همچنانکه بنابر قول به فساد عمره نیز چنین باید بکند. و حکم زن مُحْرِم نیز مانند مردان می‌باشد، بنابراین اگر جهل به حکم داشته و یا آن را فراموش کرده باشد، عمره‌اش صحیح است و کفاره ندارد، و اما اگر علم به حکم داشته باشد، و راضی بوده که شوهرش با او نزدیکی نماید، کفاره و گناه دارد اما عمره‌اش صحیح است، ولی در فرض عدم رضایت و رغبت زن، کفاره و گناه ندارد.

مسأله ۲۷۷— اگر مرد بعد از محل شدن با زنش که در حال احرام است نزدیکی نماید. یک شتر نر بعنوان کفاره بر زن واجب می‌گردد، ولی مرد باید کفاره آن را به زن بپردازد. و بنابر اظهار حکم مذکور شامل تمام مردان غیر مُحْرِم نیز می‌شود.

مسأله ۲۷۸— اگر مردی از روی ندانستن حکم شرعی و یا فراموش کردن آن در احرام حج پیش از وقوف در مزدلفه با زن خود نزدیکی نماید، حش صحیح بوده و کفاره ندارد؛ و اگر عمداً و با التفات به حکم شرعی با زنش نزدیکی نماید، حش صحیح می‌باشد ولی گناهکار است و کفاره ندارد و باید سال بعد حش را تکرار نماید، چه این حج فعلی او حجت الاسلام و یا حج دیگری مانند حج نذری و یا حج مستحبی باشد. و حکم زن نیز در این احرام چنین است، البته ثبوت کفاره بر زن و وجوب حج در سال بعد

مُحَرِّمَاتِ احْرَامِ..... ۱۰۷
مَشْرُوطٌ بِهٖ اَیْنِ اسْتِ کِهْ زَنْ رَاضِیَ بُوْدَهٗ بَاشَدِ، اَمَّا اِگْرَ زَنْ مَجْبُورٌ بَاشَدِ،
چِیْزِیَ بِهٖ گَرْدَنَشْ نِیْسَتْ، بَلْکِهْ دَرِ اَیْنِصُورَتِ دُو کُفَّارَهٗ بَرِ شُوْهَرَشْ مِیْ آیدِ.
وَبَیْنِ اَنِّ دُو اَزْ مَحَلِّ وَقُوعِ اَیْنِ عَمَلِ (نَزْدِیْکِی) تَا زَمَانِ فَاَرِغِ شَدَنْ اَزْ مَنَاسِکِ
حَجِّ، جَدَائِیِ شُودِ، وَنِیْزِ اَیْنِ جَدَائِیِ بَایْذِ دَرِ حَجِّ سَالِ بَعْدِ بِهٖ شَرَطِ اَنِّکِهٗ شَخْصٌ
سُومِیَ هَمْرَاحِ نَدَاشْتَهٗ بَاشَدِ مَرَاعَاتِ شُودِ، وَ اَیْنِ جَدَائِیِ بَایْذِ تَا رُوزِ خُرُوجِ اَزْ
مَنیِ وَ یَا تَا رَسِیْدَنْ بِهٖ مَحَلِّ وَقُوعِ عَمَلِ نَزْدِیْکِیِ اَدَامَهٗ دَاشْتَهٗ بَاشَدِ.

مَسْأَلَهٗ ۲۷۹— دَرِ فَرَضِ مَذْکُورِ، حَجِّ اَوَّلِ صَحِیْحِ بُوْدَهٗ وَ حَجِّ دُومِ بَجْهَتِ
کِیْفَرِ عَمَلِ نَزْدِیْکِیِ اسْتِ.

مَسْأَلَهٗ ۲۸۰— اِگْرَ مُحَرِّمٌ دَرِ احْرَامِ حَجِّ عَمْدَا وَ یَا عِلْمِ وَ التَّفَاتِ بِهٖ حَکْمِ
شَرْعِیِ بَعْدِ اَزْ وَقُوفِ دَرِ مَزْدَلْفَهٗ وَ پِیْشِ اَزْ طَوَافِ نِسَاءِ بَا زَنْشِ نَزْدِیْکِیِ کَنْدِ،
وَ اَیْجِبُ نِیْسَتْ حَجْشِ رَا دَرِ سَالِ بَعْدِ اَعَاذَهٗ نَمَایْذِ، اَلْبَتَّهٗ اِگْرَ عَمَلِ نَزْدِیْکِیِ قَبْلِ
اَزْ دُورِ پَنْجَمِ طَوَافِ نِسَاءِ بُوْدَهٗ هَمْ گَنَاحِ وَ هَمْ کُفَّارَهٗ دَارَدِ، وَ لِیِ اِگْرَ بَعْدِ اَزْ
اَنِّ بَاشَدِ، کُفَّارَهٗ نَدَارَدِ وَ فِقْطِ گَنَاحِ دَارَدِ.

بِنَابِرَاطِ هَکْمِ مَذْکُورِ شَامِلِ مَوَارِدِیِ کِهْ مَرْدِ بَاغِیْرِ زَنْ خُودِشِ نَزْدِیْکِیِ
نَمَایْذِ نِیْزِ مِیْ شُودِ.

کُفَّارَهٗ جَمَاعِ

مَسْأَلَهٗ ۲۸۱— دَرِ کُفَّارَهٗ جَمَاعِ ذَبِیحِ شَتْرِ مَادَهٗ وَ یَا نَرِیِ کِهْ پَنْجِ سَالِشِ تَمَامِ
شُدِهٗ وَ دَاخِلِ سَالِ شَشْمِ شُدِهٗ اسْتِ کُفَّایْتِ مِیْ کَنْدِ. اَلْبَتَّهٗ، اِگْرَ نَزْدِیْکِیِ دَرِ عَمْرَهٗ
تَمَتِّعٌ بَاشَدِ، دَرِ صُورَتِ نَاتَوَانِیِ مِیْ تَوَانِ بَجَایِ شَتْرِ، یَکِ گَاوِ ذَبِیحِ نَمُودِ، وَ دَرِ
صُورَتِ عَجْزِ اَزْ اَنِّ، ذَبِیحِ یَکِ گُوسْفَنْدِ نِیْزِ کَافِیِ اسْتِ.

۱۰۸..... مناسک حج

اما اگر نزدیکی در حج باشد، در صورت عدم تمکن از ذبح شتر، فقط ذبح گوسفند متعین است. اما اگر نزدیکی در عمره مفرده باشد، بنا بر احتیاط لازم یک شتر ذبح شود، و در صورت ناتوانی از آن یک گاو، و در فرض عجز از آن، یک گوسفند باید ذبح شود. و در حکم مذکور فرقی بین زن و مرد مُحَرَّم نیست، البته با فرض اینکه زن در عمل راضی بوده و مجبور نباشد.

مسأله ۲۸۲— این کفاره و سایر کفارات احرام، جاهل به حکم و فراموشکار را شامل نمی‌شود. و از این حکم فقط دو مورد استثنا می‌باشند:
۱— اگر مکلف طواف حج و یا مقداری از سعی عمره تمتع را فراموش نماید و از احرام درآمده و بازنش نزدیکی نماید، در اینصورت باید کفاره بدهد. و همچنین اگر در عمره تمتع بعد از سعی و قبل از تقصیر به جهت ندانستن حکم بازنش مقاربت کند، کفاره دارد.

۲— اگر مکلف از روی نادانی و یا غفلت و بدون قصد و اراده، دست خود را بر ریش و یا بر سرش بکشد بطوریکه یک یا دو مو و یا بیشتر از آن بیفتد، باید کفاره بدهد.

۳- بوسیدن زن

مسأله ۲۸۳— بر مردم مُحَرَّم حرام است زن خود را از روی شهوت ببوسد. و چنانچه او را بوسید و منی از او خارج شد، باید یک شتر نر کفاره بدهد، ولی اگر منی خارج نشود، یک گوسفند کفاره دارد، گرچه احتیاط استحبابی این است که در اینصورت نیز یک شتر نر کفاره بدهد. اما اگر بوسیدن از روی شهوت نباشد، کفاره‌اش ذبح یک گوسفند است.

مُحَرِّمَاتِ احْرَامِ..... ۱۰۹

مسأله ۲۸۴- اگر بعد از طواف نساء و خروج از احرام، زن خود را که در حال احرام است با شهوت ببوسد، بنابراین ظاهر یک گوسفند کفاره بدهد. و بر زن در حال احرام نیز بوسیدن حرام است.

۴- تماس با زن

مسأله ۲۸۵- بر مرد مُحَرِّمِ حرام است، از روی شهوت، دست یا بدن زن خود را لمس کند، و اگر لمس کرد، باید یک گوسفند کفاره بدهد، و اگر لمس موجب خروج منی گردد، کفاره اش یک شتر است که میان شتر نر و ماده فرقی نیست. ولی لمس بدون شهوت حرام نیست و موجب کفاره نمی شود. حکم لمس زن بیگانه مانند حکم زن خود شخص است، مگر اینکه در این فرض علاوه بر مطالب فوق، مرد گنهکار نیز می باشد. حکم زن در حال احرام در اینجا مانند مرد مُحَرِّمِ می باشد.

۵- نگاه کردن به زن

مسأله ۲۸۶- اگر مرد مُحَرِّمِ به زن بیگانه طوری نگاه کند که موجب خروج منی از وی شود، معصیت نموده و کفاره دارد و در صورت تمکن، یک شتر نر یا ماده و در صورت متوسط بودن، یک گاو و در صورت فقیر بودن، یک گوسفند کفاره باید بدهد. اما اگر نگاه کردن او از روی شهوت، موجب خروج منی نشود، گرچه معصیت نموده ولی کفاره ندارد.

مسأله ۲۸۷- اگر مرد مُحَرِّمِ به زن خود از روی شهوت طوری نگاه کند که موجب خروج منی شود، باید بنا بر احتیاط یک شتر نر یا ماده کفاره بدهد، ولی اگر موجب خروج منی نشود، کفاره ندارد.

۱۱۰..... مناسک حج

مسأله ۲۸۸— اگر مرد مُحرِم به زن خویش از روی شهوت نگاه نماید بدون آنکه منی از او خارج شود، بعید نیست حرام نباشد گرچه بنا بر احتیاط استحبابی بهتر است این کار از او سر نزنند، و در این حکم، زن در حال احرام مانند مرد مُحرِم می باشد.

مسأله ۲۸۹— مرد مُحرِم می تواند بجز مواردی که ذکر شد از زن خود لذت ببرد، گرچه بهتر است تمام موارد لذت را مطلقاً ترک کند. البته مرد مُحرِم نمی تواند طوری از زن خود لذت ببرد که موجب خروج منی از وی شود، بنابراین اگر این کار را انجام دهد، باید یک شتر ماده کفاره بپردازد.

۶- استمناء

مسأله ۲۹۰— استمناء کردن مُحرِم — چه زن و چه مرد — حرام است. بنابراین اگر در عمره تمتع از روی فراموشی و یا ندانستن حکم استمناء کند، کفاره ندارد، ولی اگر عمداً و از روی علم صورت گیرد، موجب گناه و کفاره ای مانند کفاره جماع می باشد، اما عمره اش صحیح است.

اما اگر در عمره مفرده استمناء نماید، باز هم در صورت جهل بحکم از روی فراموشی کفاره ندارد، ولی با علم و عمد، موجب گناه می شود و یک شتر ماده کفاره دارد، اما عمره اش صحیح است.

و اما اگر در حج قبل از فراغ از سعی و پیش از وقوف در مزدلفه از روی علم و بالتفات استمناء نماید، اضافه بر گناه، یک شتر نر یا ماده کفاره باید بپردازد، اما اعاده حج در سال بعد، بنا بر اظهر واجب نیست. البته در صورت جهل به حکم و یا فراموشی چیزی بر وی نیست.

۷- عقد نکاح

مسأله ۲۹۱- اگر مُحَرِّمِ زنی را عقد کند، چه عقد دائم باشد یا موقت، این عقد باطل است، چه برای خودش و چه برای دیگری، و چه آن شخص دیگر مُحَرِّمِ باشد چه غیر مُحَرِّمِ.

مسأله ۲۹۲- اگر مُحَرِّمِ شخص دیگری را وکیل کند که زنی را به عقد وی درآورد، این عقد وکالتی باطل است، و نیز اگر از طرف مُحَرِّمِ عقد فضولی انجام دهد، اجازه وی صحیح نیست.

مسأله ۲۹۳- عقد مُحَرِّمِ در صورت علم والتفات به حکم شرعی، موجب حرمت ابدی می‌گردد، ولی اگر از روی جهل به حکم باشد، موجب حرمت ابدی نمی‌شود، و می‌تواند پس از خروج از احرام با آن زن ازدواج نماید. و همچنین می‌تواند در مجلس عقد حضور یافته و شهادت بر آن بدهد، بلکه در بعضی موارد مانند دفع ستم و یا اثبات حق، حضور واجب می‌شود. همچنانکه مُحَرِّمِ می‌تواند خواستگاری بنماید، و نیز می‌تواند به زنی که طلاق رجعی داده، رجوع نماید.

مسأله ۲۹۴- اگر مُحَرِّمِ یا غیر مُحَرِّمِ زنی را به عقد مُحَرِّمِ دریاورد و شوهر با آن زن نزدیکی نماید، چنانچه شوهر وعقد کننده با علم به حرمت عقد و بطلان آن این کار را بکنند، هر یک باید یک شتر ماده کفاره بدهند، اما اگر یکی از آن دو عالم به حکم باشد، کفاره براو واجب است، اما بر جاهل به حکم کفاره واجب نمی‌باشد. و این حکم در مورد زن در حال احرام و عالم به حکم شرعی جاری است، و اما اگر زن در حال احرام نبوده ولی

۱۱۲..... مناسک حج
بداند شخصی که به عقد او درمی آید مُحرَم است و با وجود آن، تن به ازدواج بدهد، یک شتر ماده کفاره دارد، که آن را نحر کند ولی اگر این موضوع را نداند، کفاره براو واجب نیست.

۸- بوی خوش

مسأله ۲۹۵— مُحرَم — چه مرد و چه زن — نباید از زعفران و مشک و عنبر و ورس و عود استفاده نماید، چه بصورت بوییدن و یا مالیدن بر بدن و یا خوردن و یا لمس آنها باشد. و همچنین حرام است لباسی بپوشد که اثری از آنها در آن باشد.

مسأله ۲۹۶— بنا بر ظاهر استعمال تمام انواع بوی خوش که به مشام می رسد و برای خوشبو کردن بکار می رود مانند عطر گل و قرنفل و گل یاس و غیره حرام می باشد.

مسأله ۲۹۷— واجب است که بر مُحرَم در صورت برخورد با این موارد — عمدأ یا سهواً — سعی کند که از آنها دوری بجوید، البته بوی خوش کعبه شریفه که یک نوع عطر است مستثنی می باشد، و بوییدن آن و یا ماندن اثرات آن روی لباس اشکالی ندارد.

مسأله ۲۹۸— مُحرَم — چه مرد و چه زن — واجب نیست هنگام سعی بین صفا و مروه، بینی خود را از بوی خوش — در صورت وجود آن در مسیر — بگیرد. و حرام است بر مُحرَم که بینی خود را از بوی بد بگیرد، البته در صورت برخورد با بوی بد، اگر بخواهد با تند رفتن و مانند آن از آن رهایی یابد، جایز می باشد.

مُحَرِّمَاتِ احْرَامٍ..... ۱۱۳

مسأله ۲۹۹— اگر مُحَرِّمٌ با آگاهی والتفات به حکم شرعی مقداری از بوی خوش را در خوردن استفاده نماید، علاوه بر گناه کردن باید یک گوسفند کفاره بدهد، حکم جاهل غیر معذور در این مسأله نیز چنین است، ولی اگر وی در جهل خود معذور بوده و یا جاهل مرکب داشته و یا از روی فراموشی مرتکب شده باشد، کفاره ندارد، و اگر استفاده از بوی خوش در غیر موارد خوردن باشد مانند آنکه برای بوییدن و یا خوشبو کردن بکار رود، حتی با علم و آگاهی از حکم، تنها گناه دارد و کفاره ندارد.

مسأله ۳۰۰— گلها و گیاهانی که دارای بوی خوش می باشند ولی از آنها ماده خشبو کننده گرفته نمی شود، بوییدن آنها اشکالی ندارد مانند گل میخک و بومادران و غیره. ولی نسبت به مواردی که ماده خوشبو کننده گرفته می شود مانند گل سرخ و گل یاس و غیره، بنا بر احتیاط وجوبی باید از آنها اجتناب کند.

مسأله ۳۰۱— خوردن میوه های خوشبو مانند سیب و میوه درخت سدر و غیره بر مُحَرِّمِ جایز است، و لازم نیست بینی خود را از آنها بگیرد گرچه بهتر است.

۹- نگاه کردن در آینه

مسأله ۳۰۲— نگاه کردن در آینه بر مُحَرِّمِ — چه مرد و چه زن — در صورتیکه به قصد مرتب نمودن سرو صورت و مانند آن باشد حرام است. ولی اگر به خاطر چیز دیگری باشد مانند آنکه بخواهد اطمینان پیدا کند مانعی روی پوست صورت وی نباشد، و یا اینکه راننده ماشین بخواهد از نشستن

۱۱۴..... مناسک حج

مسافرین مطمئن شود، و یا از ماشینهای پشت سر خود اطلاع پیدا کند، در اینصورت نگاه کردن در آینه حرام نمی‌باشد.

و همچنین پوشیدن عینک، بعنوان نگاه کردن در آینه شمرده نمی‌شود و حرام نیست. البته به شرط آنکه نزد عرف زینت نباشد، چون در این فرض جایز نخواهد بود. گرچه انگیزه آن چیزی دیگری باشد، مانند جلوگیری از تابش آفتاب، و یا قرائت قرآن و دعا، و یا نوشتن یک مطلب، و یا به خاطر مسائل پزشکی، البته در این موارد نیز هرگاه موضوع بحد اضطرار برسد، پوشیدن عینک جایز است. و نگاه کردن در اجسام شفاف مانند آب صاف و غیره که عکس شخص را منعکس می‌کند، مانعی ندارد. و اگر مکلف به آینه نگاه کند، کفاره ندارد اما گناه کرده است.

۱۰- زینت نمودن

مسأله ۳۰۳ — زینت کردن بر مُحَرِّم — چه زن و چه مرد — حرام است، و در این حکم فرق نمی‌کند چه نیت وی زینت نمودن باشد و یا اینکه قصد دیگری داشته باشد، بدین معنی که هر چه در نزد عرف، زینت شمرده شود، مُحَرِّم نمی‌تواند خود را به آن آراسته کند گرچه به قصد زینت نبوده و انگیزه دیگری داشته باشد. و آنچه عرفاً زینت شمرده نشود، مُحَرِّم می‌تواند بهر انگیزه‌ای از آن استفاده نماید.

ملاک و معیار در زینت این است که هر آنچه عرفاً زینت شمرده شود مانند مرتب نمودن لباس یا اندام، و یا پوشیدن زینتی، بر مُحَرِّم حرام است حتی اگر انگیزه وی زینت کردن نباشد، و هر آنچه عرفاً زینت شمرده نشود

مُحَرِّمَاتِ احْرَامٍ ۱۱۵
مانند پوشیدن لباس‌های معمولی، و یا پوشیدن جامه‌های احرام بر مُحَرِّمِ حرام نمی‌باشد. البته در این میان پوشیدن زیورآلات زنانه‌ای که پیش از احرام متعارف آنان بوده است از حکم این مسأله مستثنی می‌باشد، یعنی با وجود آنکه این موارد عرفاً زینت شمرده می‌شوند، ولی زن در حال احرام می‌تواند آن را بپوشد، ولی جایز نیست آن را به شوهر و یامردان دیگر نشان دهد. پوشیدن انگشتر، اگر عرفاً زینت شمرده شود، جایز نیست، و گرنه اشکالی ندارد. و حکم پوشیدن ساعت مچی نیز چنین است.

مسأله ۳۰۴— اگر مُحَرِّمِ زینت نماید، کفاره ندارد گرچه عمداً و از روی آگاهی باشد.

مسأله ۳۰۵— بر مُحَرِّمِ — چه مرد و چه زن — حرام است حنا ببندد چنانچه عرفاً زینت شمرده شود گرچه قصد زینت نمودن نداشته باشد، ولی اگر در عرف عموم مردم زینت محسوب نشود اشکال ندارد.

۱۱- سرمه کشیدن

مسأله ۳۰۶— بر مُحَرِّمِ — چه مرد و چه زن — جایز نیست در حال احرام سرمه سیاه به چشم خود بکشد گرچه به قصد زینت کردن نباشد، و در این حکم میان مرد و زن مُحَرِّمِ فرقی نیست.

مسأله ۳۰۷— مُحَرِّمِ — چه مرد و چه زن — می‌تواند از سرمه‌ای که سیاه نیست استفاده کند. مگر اینکه در عرف عموم مردم زینت حساب شود گرچه انگیزه استفاده از آن قصد زینت نباشد که در اینصورت سرمه کشیدن برای او جایز نیست.

۱۱۶..... مناسک حج

مسئله ۳۰۸— بر مُحرِم — مرد باشد یا زن — جایز است از سرمه خوشبو استفاده کند.

مسئله ۳۰۹— مُحرِم — چه مرد و چه زن — می‌تواند بعلت ضرورتی مانند درمان و غیره، حتی سرمه سیاه برچشم خود بکشد. البته اگر مُحرِم عمداً و از روی آگاهی این حرام را مرتکب شود، کفاره ندارد ولی گناهکار شمرده می‌شود.

۱۲- دروغ و دشنام

مسئله ۳۱۰— دروغ و دشنام در شرع مقدس اسلام در تمام حالات بر مکلف حرام است ولی حرمت این دو در حال احرام شدیدتر می‌باشد.
مراد از «فسوق» در آیه مبارکه «فلارفت و لافسوق و لاجدال فی الحج» دروغ و دشنام می‌باشد که باید در حج از آن اجتناب گردد، و اگر شخص مُحرِم هر چند از روی عمد و آگاهی مرتکب دروغ و دشنام گردد، کفاره ندارد.

۱۳- جدال نمودن

مسئله ۳۱۱— جدال نمودن بر مُحرِم — چه مرد و چه زن — حرام است و آن در بکار بردن دو عبارت «لا والله» و «بلی والله» در مقام مخالفت و ستیزه جویی صدق می‌کند چه گوینده راست بگوید و چه دروغ. اما خصومت و مشاجره لفظی بدون قسم خوردن با آن دو عبارت، جدال شرعی شمرده نمی‌شود گرچه بنا بر احتیاط استحبابی بهتر است از آن اجتناب نماید.

مُحَرِّمَاتِ احْرَامٍ..... ۱۱۷

مسأله ۳۱۲— بنا بر اقرب سوگند خوردن، مخصوص موارد خصومت و مخالفت نیست بلکه شامل تمام موارد می باشد حتی اگر خصومت و مخالفتی - به استثنای مشاجره لفظی - در میان نباشد.

مسأله ۳۱۳— صدق جدال حرام در حج با الفاظ غیر از آن دو صیغه به عباراتی که معنای آن دو را برساند مشکل است، گرچه بنا بر احتیاط و جویی بهتر است اجتناب گردد.

موارد استثناء از حرمت جدال

اول: آنکه در مقام احقاق حق و یا بطلان نمودن امر باطلی باشد.

دوم: منظور از آن سوگند و قسم خوردن نبوده، بلکه موضوعی دیگر مانند اظهار محبت و احترام در نظر باشد مثلاً، بجهت احترام شخصی به وی بگوید: والله این کار را انجام خواهم داد، و آن شخص بگوید: والله آن را از تو می پذیرم. و اگر محرمی که جدال می کند در سخن خویش راستگو باشد، کفاره ندارد و فقط باید استغفار نماید مگر آنکه سوگند را سه بار تکرار کند، که در صورت سه بار تکرار پی در پی در یک موضوع، باید کفاره بپردازد. ولی اگر جدال کننده به دروغ سوگند خورده و «لاوالله» و «بلی والله» بگوید، باید در مرتبه اول یک گوسفند ذبح کند، و در مرتبه دوم دو گوسفند، و در مرتبه سوم یک گاو بعنوان کفاره بدهد.

مسأله ۳۱۴— صدق جدال با آن دو صیغه متوقف بر این است که گوینه قصد ادای جمله خبری داشته باشد.

۱۱۸..... مناسک حج

مسأله ۳۱۵- در صدق عنوان شرعی جدال، لازم نیست هر دو صیغه باهم ادا گردند، بلکه اگر یکی از آن دو را ذکر کند نیز عنوان شرعی جدال بر آن صدق می‌کند.

مسأله ۳۱۶- ذکر کلمه «لا» در صیغه اول و «بلی» در صیغه دوم در ترتیب اثر در صیغه‌ها معتبر است.

۱۴- کشتن جانوران بدن

مسأله ۳۱۷- مُحْرِم — چه مرد و چه زن — جایز نیست شپشی را که روی بدن وی باشد، بکشد، و هرگاه عمداً و با توجه به حکم شرعی، آن را بکشد، کفاره ندارد گرچه بنا بر احتیاط استحبایی بهتر است کفاره بدهد. همچنین مُحْرِم نمی‌تواند شپش را از بدن خود دور بیندازد، گرچه جایز است آن را جابجا کند، که در این صورت باید یک مشت طعام به عنوان کفاره بدهد. و اما جانوران دیگر غیر از شپش، مکلف می‌تواند آن را از بدن خود دور بیندازد، و یا آن را جابجا کند.

مسأله ۳۱۸- کشتن پشه و کک جایز است چه وجود آنها برای مُحْرِم ضرری داشته و یا نداشته باشد.

۱۵- مالیدن روغن به بدن

مسأله ۳۱۹- مُحْرِم — چه مرد و چه زن — نمی‌تواند بدن خود را روغن مالی کند هر چند آن روغن خوشبو نباشد. البته موارد درمان و معالجه از این حکم مستثنی می‌باشند. و همچنین بنا بر اظهر این عمل بر مُحْرِم — چه مرد و چه

مُحَرِّمَاتِ احْرَامِ..... ۱۱۹
زن — موجب کفاره نمی‌شود گرچه عمدا و از روی آگاهی صورت گرفته باشد.

۱۶- بیرون آوردن خون از بدن

مسئله ۳۲۰- مُحَرِّم — چه مرد و چه زن — نمی‌تواند بدن خود را با حجامت و یا باخاراندن، خونی نماید مگر آنکه ضرورتی داشته و یا برای رفع ناراحتی باشد. و اما اگر در اثر مسواک زدن از دندان او خون بیاید، اشکالی ندارد گرچه مُحَرِّم قبلا می‌دانسته که اگر مسواک بزند از دندانش خون می‌آید، و اگر مُحَرِّم با آگاهی از حکم شرعی عمدا این حرام را انجام دهد، هر چند گناهکار محسوب می‌شود ولی کفاره ندارد.

۱۷- گرفتن ناخن

مسئله ۳۲۱- مُحَرِّم — چه مرد و چه زن — نباید ناخن و یا قسمتی از آن را بگیرد، مگر اینکه نگرفتن آن موجب ضرر و آزار شود که در این صورت گرفتن آن جایز است، و اگر مکلف حکم را نداند و یا فراموش کرده باشد و ناخن‌هایش را بگیرد، کفاره ندارد، ولی اگر مکلف عمدا و با علم به حکم، ناخن‌هایش را بگیرد، برای هر ناخن یک مد طعام به عنوان کفاره بدهد، و اگر ده ناخن دست را یک بار بگیرد، کفاره‌اش یک گوسفند می‌باشد، و همچنین اگر ناخن‌های دست و پاره‌ها یک جا بگیرد، باید یک گوسفند کفاره بدهد. اما اگر ناخن‌های دستش را یک مرتبه و ناخن‌های پایش را مرتبه دیگر بگیرد، دو گوسفند کفاره دارد.

۱۲۰..... مناسک حج

مسأله ۳۲۲- اگر مُحْرِم به استناد فتوای شخصی که ناخن گرفتن را جایز می‌داند، ناخن‌های خود را بگیرد، مشهور گفته‌اند که کفاره‌اش بر فتوا دهنده است، ولی این حکم خالی از اشکال و منع نیست.

۱۸- کندن مواز بدن

مسأله ۳۲۳- مُحْرِم - چه مرد و چه زن - نباید موی خود ویادیگری را از بدن جدا کند، چه آن فرد مُحْرِم بوده و یا نباشد، و از این حکم سه مورد استثنا شده است:

۱- شپش بدن مُحْرِم به قدری زیاد باشد که موجب آزار وی گردد.

۲- برطرف کردن مو ضرورت داشته باشد مانند اینکه زیادی مو باعث سردرد و نظیر آن گردد.

۳- موی روئیده شده در پلک چشم، موجب ناراحتی انسان گردد.

البته اگر اندکی مو بدلیل خاراندن بدن و یا وضو و غسل بصورت غیر عمدی از بدن کنده شود اشکالی ندارد و کفاره هم ندارد.

مسأله ۳۲۴- اگر مُحْرِم موی سرش را بدون هیچ ضرورتی از روی جهل بحکم و یا فراموشی بتراشد، کفاره ندارد، ولی اگر این کار را عمداً و با آگاهی از حکم انجام دهد، علاوه بر گناهی که دارد باید یک گوسفند بعنوان کفاره ذبح کند و گناهکار هم شمرده می‌شود و اگر بدلیل ضرورت و یا عذری با آگاهی از حکم، موی سرش را بتراشد، میتواند یک گوسفند کفاره بدهد، و یا سه روز روزه بگیرد، و یا شش مسکین را از قرار هر یک دو مد طعام بدهد. و اگر مُحْرِم موی زیر هر دو بغل و یا موی زیر یک بغل خود را عمداً

مُحَرِّمَاتِ احْرَامِ..... ۱۲۱
و با علم به حکم بکند، باید یک گوسفند کفاره بدهد. و اگر مُحَرِّمِ مقداری از موی ریش خود و یا غیر آن را بکند، باید یک مشت طعام به یک مسکین بدهد.

کفاره گفته شده در جایی است که تمام موی زیر بغل کنده شود و یا تمام موی سر تراشیده شود. و کندن موی خصوصیت ندارد بلکه اگر موی زیر بغل تراشیده شود باز هم کفاره دارد.

مسأله ۳۲۵— اگر مُحَرِّمِ موی شخص دیگری را از بین ببرد، مانند آنکه موی سر او را بتراشد چه آن شخص مُحَرِّمِ و یا محل باشد، معصیت نموده ولی کفاره ندارد.

مسأله ۳۲۶— اگر مُحَرِّمِ بداند خاراندن سر یا بدن موجب خروج خون از آن می‌شود، بدون ضرورت جایز نیست این عمل را انجام دهد. و اگر بداند در صورت دست زدن به ریش — بدون ضرورت — چند مویی از آن کنده می‌شود، باید در صورت ارتکاب این عمل و کنده شدن یک یا دو مو، یک مشت طعام کفاره بدهد ولی گناهکار نیست.

۱۹- کشیدن دندان

مسأله ۳۲۷— کشیدن دندان بر مُحَرِّمِ — چه مرد و چه زن — اگر موجب بیرون آمدن خون نشود، حرام نبوده و کفاره ندارد.

۲۰- سر زیر آب فروبردن

مسأله ۳۲۸- بر مُحَرِّم — چه مرد و چه زن — جایز نیست سر خود را بطور کامل در آب فروبرد. اما در غیر آب از مایعات دیگر، بنا بر اظهر جایز است، گرچه احتیاط این است که این کار را نکند.

۲۱- حمل اسلحه

مسأله ۳۲۹- بر مُحَرِّم — چه مرد و چه زن — حمل اسلحه مانند شمشیر، نیزه و تفنگ و مانند آنها که عرفاً سلاح بر آنها صدق کند، حرام است. ولی بنا بر اظهر، حمل وسایل و ابزار دفاعی مانند زره و کلاه خود حرام نیست. البته وجود اسلحه نزد مُحَرِّم و یا در میان اثاثیه اش اشکال ندارد.

مسأله ۳۳۰- حمل اسلحه در حال ضرورت و اضطرار اشکال ندارد. اما اگر مُحَرِّم عمداً و با آگاهی از حکم شرعی و بدون ضرورت، اسلحه را حمل نماید، بنا بر احتیاط یک گوسفند کفاره دارد.

۲۲- کندن درخت و گیاه حرم

مسأله ۳۳۱- بر هر مکلفی چه مُحَرِّم و چه غیر مُحَرِّم — چه مرد و چه زن — جایز نیست گیاهان و درختان حرم را قطع کرده و یا بکند. البته آنچه که هنگام راه رفتن بطور طبیعی و معمولی از بین برود اشکالی ندارد، و همچنین جایز است انسان، چهارپایان را رها نماید تا علف بخورند. در این میان چند مورد از این حکم مستثنی می‌باشند که کندن آنها جایز است:

۱- اِذْخَرُ که گیاه معروفی است.

۲- درخت خرما، و درخت میوه دار.

مُحَرِّمَاتِ احْرَامِ..... ۱۲۳

۳- علفهایی که خوراک شتر می‌باشد.

۴- آنچه که انسان خود کاشته و یا در ملک و خانه‌اش بر ویست. اما آنچه که قبل از تملک در ملک او روییده باشد، نباید قطع نمود.

مسئله ۳۳۲- درختی که ریشه‌اش در حرم، و شاخ و برگش خارج از آن و یا بالعکس باشد، حکم درختی را دارد که تمام آن در داخل حرم است.

مسئله ۳۳۳- کفاره کندن و یا قطع درخت، قیمت آن است که باید صدقه داده شود. اما کندن و یا قطع نمودن علفها، کفاره ندارد.

مسئله ۳۳۴- قطع نمودن شاخه‌های درختان بنا بر احتیاط کفاره دارد.

۲۳- شکار در حرم

مسئله ۳۳۵- شکار در حرم بر زن و مرد حرام بلکه بر هر مکلفی هر چند مُحَرَّم نباشد، حرام است؛ چون این حکم از احکام حرم است نه از احکام مُحَرَّم، و از اینرو مُحَرَّم حتی بعد از بیرون رفتن از احرام تا هنگامی که در داخل حرم می‌باشد، نمی‌تواند شکار نماید.

نوع دوم: مُحَرِّمَاتِ مَخْصُوصِ مَرَدٍ مُحَرَّمِ

۱- پوشیدن لباسهای معمولی و متعارف

مسئله ۳۳۶- پوشیدن لباسهای معمولی بر مرد مُحَرَّم حرام می‌باشد، مانند پوشیدن پیراهن، زره، عبا هر چند آن را به صورت عادی بپوشند و دستار خود را در آستینشان داخل نکنند، مراد از شلوار جامه‌ای است که با آن عورت را می‌پوشانند، جامه دکمه دار به جامه‌ای گفته می‌شود که دارای

۱۲۴..... مناسک حج

دکمه‌هایی است که با آن بسته می‌شود، پوشیدن چنین جامه‌ای نیز برمُحَرَّم حرام است هرچند دارای آستین نباشد و در گردن هم آویخته نشود، پوشیدن ای چهار نوع لباس برمُحَرَّم حرام است چه باخیاطی و دوختن تهیه شده باشد و چه با بافتن و یا از طریق دیگر لباس‌های مذکور را بدان صورت درآورده باشد. البته اگر پارچه را دوخته باشد که فاقد آستین و دکمه باشد و به گردن هم آویخته نشود، جایز است که مُحَرَّم آن را بپوشد، و همچنین پوشاندن بدن با لحاف که از طریق خیاطی و دوختن درست شده اشکال ندارد، و بعید نیست که بر مُحَرَّم پوشیدن لباسی که پیراهن، زره، شلوار دکمه‌دار بر آن صدق نمی‌کند اما به جای دکمه از ماده چسپنده‌ای استفاده شده جایز نباشد.

مسأله ۳۳۷- جایز است که مرد مُحَرَّم ردا بپوشد به شرط این که دکمه‌ها را نبندد، یا دکمه‌ها را بکند، و همچنین جایز است لباس نمدی که چوپانان از آن استفاده می‌کنند بپوشد، البته به شرط این که پوشیدن آن طبق یکی از روشهای چهارگانه نباشد. پوشیدن کمربند، کیسه پول که بر کمر بسته می‌شود و گردن بند (رباط العنق) هر چند آن را دوخته باشد جایز است.

مسأله ۳۳۸- بنابر اقوی لنگ را به گردن خود گره بزند، اما در غیر گردن اشکال ندارد، چنانچه اگر با سوزن و نحو آن ببندد اشکال ندارد. گرده زدن ردا در گردن اشکال ندارد هرچند ترک آن بهتر است.

مسأله ۳۳۹- مُحَرَّم اگر یکی از جامه‌های چهارگانه را بپوشد و جاهل به حکم یا حکم را فراموش کرده باشد کفاره ندارد. اما اگر عمداً این کار را انجام دهد درحالی که متوجه حکم شرعی باشد، یک گوسفند به عنوان کفاره

مُحَرِّمَاتِ احْرَامِ ۱۲۵

بر او واجب می‌شود و گنهکار است، و اما اگر به خاطر اضطراب و ناچاری یکی از جامه‌های چهارگانه را بپوشد، بنابر اظهار کفارۀ ندارد و گنهکار هم نیست.

مسأله ۳۴۰— جاهل بسیط اگر مقصر باشد حکمش مانند حکم عالم عامد است، و اگر جاهل قاصر باشد، حکم جاهل مرکب را دارد و کفارۀ بر او واجب نیست.

۲- پوشیدن (موزه) چکمه و جوراب

مسأله ۳۴۱— پوشیدن چکمه و جوراب بر مرد مُحَرِّمِ حرام است.

پوشیدن چیزی که تمام پشت پا را بپوشاند، بعید نیست که جایز باشد هر چند احتیاط این را اقتضاء می‌کند که از آن اجتناب نماید. پوشاندن پشت پا بدون پوشیدن به این صورت که مثلاً دستمالی روی پای خود بیندازد جایز است و اشکالی ندارد و در صورتی که پوشیدن نعلین و مانند آن اشکالی نباشد و مجبور شود از چکمه استفاده نماید، جایز است.

مسأله ۳۴۲— مکلف چکمه یا جوراب بپوشد و جاهل به حکم یا حکم را فراموش کرده باشد، چیزی بر او نیست، اما اگر مکلف عالم به حکم باشد و عمداً از چکمه یا جوراب استفاده کند، بعید نیست که کفارۀ بر او واجب نباشد هر چند احتیاط این است که یک گوسفند به عنوان کفارۀ بپردازد.

۳- پوشاندن سر بر مردان

مسأله ۳۴۳— پوشاندن تمام سر و گوشها بر مرد مُحَرِّمِ حرام است. در اینکه پوشش چه باشد فرق نمی‌کند، و اگر سر خود را با گل و مانند آن بپوشاند نیز حرام است. پوشاندن قسمتی از سر بعید نیست که جایز باشد هر

۱۲۶..... مناسک حج

چند در این مورد نیز رعایت احتیاط اولی است، اگر مُحَرَّم روی سر خود چیزی را حمل کند به شرط اینکه تمام سر را نپوشاند اشکال ندارد، البته اگر مُحَرَّم به خاطر سردرد (صداع) و مانند آن مجبور شود تا سر خود را بپوشاند، اشکال ندارد.

مسأله ۳۴۴- پوشاندن سر به قسمتی از بدن مثل دست جایز است.

بنابر اظهر جایز است مرد مُحَرَّم در حال خواب سر خود را بپوشاند هر چند احتیاط این است که این کار را هم نکند.

۴- زیر سایه رفتن مرد

مسأله ۳۴۵- جایز نیست که مرد مُحَرَّم زیر سایه ای برود که همراه او حرکت می کند و بالای سرش قرار دارد، مانند سقف ماشین یا هواپیما یا کشتی یا از سایه بانی مانند چتر استفاده نماید که با دست حمل می شود، در موارد مذکور فرقی نیست چه حرکت افقی باشد مانند سرنشین ماشین و یا هواپیما یا حرکت عمودی باشد مانند کسی که در آسانسور ایستاده و بالا و پایین می رود و یا مانند سرنشین هواپیمایی که عمودی پرواز می کند، و همچنین فرقی نیست که زیر سایه رفتن به خاطر آفتاب یا به خاطر سرمای شدید یا باران یا غیر از این امور از حوادثی که در جو اتفاق می افتد باشد، و در صورتی که هوا صاف و معتدل باشد و باران یا سرما و یا گرمایی در کار نباشد، بنابر اظهر جایز نیست که مُحَرَّم زیر سایه متحرک برود.

مسأله ۳۴۶- جایز است که مرد مُحَرَّم زیر سایه ثابت مانند سایه سقف، یا پل یا تونل یا دیوار و مانند آن برود، و همچنین جایز است که مُحَرَّم بعد

مُحَرِّمَاتِ احْرَامِ..... ۱۲۷
از رسیدن به مکه از زیر پل، یا سقف، یا تونل یا در سایه دیوار به سمت منزل برود و برگردد، و در این حکم بین اینکه مُحَرِّمِ جایی را در مکه به عنوان مسکن انتخاب کرده یا انتخاب نکرده باشد، فرقی نیست.

مسأله ۳۴۷- اگر مُحَرِّمِ در بین راه برای استراحت یا سپری کردن شب یا ملاقات دوستان یا به خاطر هدف دیگری توقف نمود، جایز است زیرخیمه برود. و همچنین جایز است که مُحَرِّمِ در حالت نشسته سایبان بر سر خود بگیرد هر چند بهتر است این کار را نکند. اگر مُحَرِّمِ از سایه‌ای که در طرف راست یا چپ او قرار گرفته استفاده نماید اشکال ندارد.

مسأله ۳۴۸- زیر سایه رفتن در شب مانند روز حرام است.

مسأله ۳۴۹- حکم کشتی مانند حکم ماشین و هواپیما است که زیر سایه آن نباید رفت و حکم خانه بر آن بار نمی‌شود تا رفتن در زیر سایه آن اشکال نداشته باشد.

مسأله ۳۵۰- اگر مُحَرِّمِ ایستاده باشد و حرکت نکند یا در حال نشستن و یا در حال خواب و مانند آن باشد و در این حالات از سایه بان و چتر و مانند آن استفاده نماید، اشکال ندارد. و همچنین جایز است که مُحَرِّمِ در حال حرکت از سایه ثابت استفاده نماید و با دستان خود روی سرش سایه نماید.

مسأله ۳۵۱- مُحَرِّمِ در حال ضرورت یا ترس از گرما و سرما که به سلامتی او آسیب برساند و یا ترس از این که اگر ماشین خود را رها کند گم شود و از ماشینی که سقف ندارد استفاده نماید و یا بر خانواده‌اش بترسد و غیر اینها می‌تواند زیر سایه برود، و چنانچه مُحَرِّمِ جاهل به حکم و یا این حکم را

۱۲۸..... مناسک حج

فراموش کرده باشد وزیر سایه برود کفاره ندارد، اما اگر حکم را بداند و فراموش هم نکرده باشد و عمداً زیر سایه برود، یک گوسفند به عنوان کفاره در هراحرامی که زیر سایه رفته بر او واجب است، و در این حکم بین اینکه در حال ضرورت یا غیر ضرورت زیر سایه رفته باشد فرقی نیست، و اگر در یک احرام بارها زیر سایه برود، یک کفاره واجب است.

نوع سوم: مُحَرِّمَاتِ زَنِّ مُحَرِّمِ

مسأله ۳۵۲— بر زن مُحَرِّمِ، حرام است تمام صورت خود را با برقع یا نقاب بپوشاند، بلکه حرام است صورت خود را با هر پوششی بپوشاند هر چند متعارف نباشد. اما اگر تمام صورت خود را نپوشاند، به این معنی که قسمتی از صورت خود را بپوشاند، بعید نیست جایز باشد. هر چند احتیاط این را اقتضاء می‌کند که این کار را نیز انجام ندهد، البته جایز است که زن مُحَرِّمِ از نامُحَرِّمِ رو بگیرد به این نحو که گوشه مقنعه و روسری و مانند آن را که بر سر دارند تا چانه پایین بکشد، البته در صورتی که زن سوار مرکب نباشد، اما اگر سوار مرکب باشد می‌تواند تا مقابل گلوی خود مقنعه و چادرش را پایین بکشد، هر چند چادر و امثال آن در حال روگرفتن با صورت زن تماس پیدا کند باز هم اشکال ندارد.

و همچنین جایز است که زن مُحَرِّمِ در حال خوابیدن تمام صورت خود را با نقاب و امثال آن بپوشاند.

مُحَرِّمَاتِ احْرَامٍ..... ۱۲۹

مسأله ۳۵۳— بر زن مُحَرَّم پوشیدن دستکش و ابریشم خالص حرام می‌باشد، و گفته شده که کفاره پوشانیدن صورت برای زنان که این کار را عمداً و در حال التفات انجام دهد یک گوسفند است، و این قول احوط است.

جای کشتن کفاره و محل مصرف آن

مسأله ۳۵۴— محل کشتن کفاره شکار در احرام عمره اعم از عمره مفرده و تمتع، مکه مکرمه است، و جای کشتن کفاره شکار در احرام حج، منی است، اما سایر کفارات مثل کفاره زیرسایه رفتن، کفاره جماع و مانند آنها را می‌تواند تا بازگشت به وطن خود تأخیر انداخت، و وقتی به وطن خود برگشت آن را ذبح نماید. موارد مصرف کفاره فقراء است، و خود شخص می‌تواند کمی از گوشت کفاره بخورد هر چند احتیاط این است که چیزی از آن نخورد.

آداب و مستحبات داخل شدن به حرم

مسأله ۳۵۵— اگر مکلف به حرم برسد مستحب است غسل بکند و این دعا را بخواند:

«اللهم انک قلت فی کتابک المنزل وقول الحق (واذن فی الناس بالهجر یا توک رجالا وعلی کل ضامر یا تین من کل فج عمیق) اللهم انی ارجو ان اکون ممن اجاب دعوتک وقد جئت من شقة بعیدة و فج عمیق سامعاً لندائک و مستجیباً لک مطیعاً لامرک و کل ذلک بفضلک علی واحسانک الی، فلک الحمد علی ما وفقتنی له ابتغی بذلک الزلفه عندک وال الیک و المنزلة لدیك

۱۳۰..... مناسک حج

والمغفرة لذنوبي و التوبة على منها بمنك اللهم صل على محمد و آل محمد و حرم بدني على النار من عذابك و عقابك برحمتك يا ارحم الراحمين.»

آداب و مستحبات دخول مكه و مسجد الحرام

مسأله ۳۵۶— مستحب است مكلف قبل از داخل شدن به مكه غسل نمايد و بعد از غسل با حالت آرامش، وقار، خشوع و تواضع وارد مكه شود نه با حالت تكبر.

وقتی به دروازه مسجد الحرام رسید بر در مسجد ایستاده و بگوید:

« السلام عليك ايها النبي و رحمة الله و بركاته، بسم الله و بالله و من الله و ما شاء الله، و السلام على انبياء الله و رسله، و السلام على رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم، و السلام على ابراهيم خليل الله و الحمد لله رب العالمين »

وقتی داخل مسجد شود روبه كعبه دستها را بلند نموده بگوید:

« اللهم اني اسئلك في مقامي هذا، في اول مناسكى ان تقبل توبتي، و ان تتجاوز عن خطيئتي و تضع عن وزري، الحمد لله الذي بلغني بيته الحرام، (اللهم اني اشهد ان هذا بيتك الحرام الذي جعلته مثابة للناس و آمنا مباركاً و هدى للعالمين)، اللهم اني عبدك، و البلد بلدك، و البيت بيتك، جئت اطلب رحمتك، و اؤم طاعتك مطيعاً لامرک، راضياً

بقدرک، اسألك مسألة المضطر اليك الخائف لعقوبتك اللهم افتح لي ابواب رحمتك، واستعملني لطاعتك ومرضاتك»

ووقتی نزدیک حجرالاسود رسیدی دستهایت را بلند کن حمدوثنای الهی را بجای آور و بر پیامبر خدا درود بفرست و از خدا بخواه تا حج تو را قبول کند بعد از آن حجر الاسود را استلام کرده ببوس و اگر نتوانستی ببوسی با دست آن را استلام کن و اگر آن هم ممکن نشد بادت به طرف آن سنگ اشاره کرده بگو:

« اللهم أمانتي أديتها وميثاقي تعاهدته لتشهد لي بالموافاة، اللهم تصديقا بكتابك وعلى سنة نبيك صلواتك عليه وآله، أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له وأن محمدا صلى الله عليه وآله عبده ورسوله، أمنت بالله وكفرت بالجبت والطاغوت واللات والعزى، وعبادة الشيطان وعبادة كل ند يدعى من دون الله» .

و اگر هم نتوانستی همه این دعا را بخوانی بعض آن را بخوان و بگو:

«للمم إليك بسطت يدي، وفي ما عندك عظمت رغبتى، فاقبل سبحتى واغفر لي وارحمني، اللهم إنى أعوذ بك من الكفر والفقر ومواقف الخزي فى الدنيا و الآخرة» .

و بعد از دعا طواف واجب را شروع کن.

طواف

دومین واجب از واجبات عمره تمتع، طواف است. و صورت طواف این گونه است که حج کننده در یک خط موازی با حجرالاسود می ایستد و خانه خدا در طرف چپ او قرار می گیرد و به دور خانه خدا هفت بار با کیفیت خاص که می آید طواف می کند. اگر مکلف طواف را عمدا ترک کند چه حکم را بداند یا نداند، حج او باطل می شود، و ترک طواف با تأخیر عمدی تا زمانی که دیگر نتواند خود را به وقوف عرفات برساند محقق می شود. و اگر عمره باطل شود احرام نیز باطل می شود.

شرایط طواف

شرط اول: طهارت

طهارت از حدث اکبر— مثل جنابت، حیض و نفاس — است که موجب غسل می شود و حدث اصغر— مثل بول و خواب و مانند آن دو — که موجب وضو می شود، می باشد. بنابراین اگر کسی که حدث اکبر از او سرزده باشد و بدون غسل طواف کند، طواف او باطل است، و همچنین اگر کسی که حدث اصغر از او سرزده باشد و بدون وضو طواف کند، طوافش باطل است، و در این حکم فرق نمی کند چه مکلف از روی عمد و علم بدون غسل و وضو طواف کند، یا از روی جهل و فراموشی، در هر دو صورت طوافش باطل است، البته در طواف مستحبی طهارت معتبر نمی باشد. و اگر طواف مستحبی

طواف ۱۳۳
به سبب نذر و مانند آن واجب شده باشد، باز هم طهارت در آن معتبر نیست.

مسأله ۳۵۷— چنانچه از مُحْرَم در اثنای طواف حدثی سر بزنند، بنا بر اقرب طوافش باطل نمی‌شود. اما اگر مُحْرَم قبل از آن که به نصف طواف برسد، حدث از روی اختیار از او سر بزنند، وظیفه‌اش این است که طواف را قطع کند و طهارت را انجام بدهد، به این معنی که وضو یا غسل نماید بعد طواف را از همان جا که قطع نموده ادامه دهد، و طواف را تمام نماید، هر چند احوط و سزاوار این است که طواف را دوباره از اول به قصد اعم از تکمیل و استیناف شروع نماید و آنچه را که قبلاً انجام داده بود نادیده بگیرد.

مسأله ۳۵۸— اگر مُحْرَم در طهارت شک کند، چنانچه بداند که قبلاً با طهارت بوده به شک خود اعتنا نکند، و بنا بر این بگذارد که طهارت دارد. و اما اگر نداند که قبلاً با طهارت بوده، این فرض چند صورت دارد:

۱— شک مکلف به طهارت قبل از شروع در طواف باشد، در این صورت واجب است که تطهیر کند و بدون طهارت نمی‌تواند مشغول طواف گردد.

۲— شک مکلف به طهارت در اثنا طواف باشد، در این صورت نیز باید مکلف تطهیر کند.

۳— بعد از فراغ از طواف و قبل از نماز طواف در طهارت خود شک کند، در این صورت بر او واجب نیست طوافش را اعاده نماید، بلکه باید برای نماز طواف وضو بگیرد در صورتی که حدث اصغر بعد از طواف و قبل از نماز از او سر نزده باشد، و اگر حدث اصغر سر بزنند، چنانچه قبل از آن حدث اصغر

۱۳۴..... مناسک حج

دیگری سرزده است اثر ندارد، واما اگر قبل از حدث اصغر حدث اکبر مثل جنابت سرزده باشد، در این صورت بر مکلف واجب است غسل نماید و طواف را اعاده کند و بعد وضو بگیرد و نماز طواف را بجا بیاورد.

۴— مکلف بعد از اتمام طواف و نماز آن شک کند که طهارت داشته یانه، در این صورت مکلف بنا را بر صحت طواف و نماز می گذارد، و برای سایر اعمال که مشروط به طهارت می باشد، باید وضو یا غسل نماید.

مسأله ۳۵۹— اگر مکلف آب در اختیار نداشته باشد، یا آب در اختیار دارد اما به خاطر بیماری و امثال آن نمی تواند از آن استفاده نماید، باید تیمم کند و با تیمم طواف و نماز طواف را بجا بیاورد و چیزی بر او نیست، و اگر تیمم هم نمی تواند بکند، این شخص حکم کسی را دارد که از انجام طواف و نماز آن با طهارت عاجز است و باید نایب بگیرد، هر چند احوط و سزاوارتر این است که خود نیز بدون طهارت طواف نماید، و در این حکم فرقی بین کسی که حدث اکبر یا اصغر از او سرزده باشد نیست.

مسأله ۳۶۰— واجب است که زن حیض و نفساء بعد از گذشتن ایام حیض و نفاس در صورت امکان غسل نماید بعد طواف را بجا بیاورد، و اگر نمی تواند غسل کند، باید تیمم نماید بعد طواف را بجا بیاورد، و اگر از تیمم نیز ناتوان است، در این صورت باید نایب بگیرد و این حکم بر جنب نیز جاری است.

مسأله ۳۶۱— اگر زن در عمره تمتع در حال احرام یا بعد از احرام حیض شود و وقت بجا آوردن اعمال عمره را داشته باشد، باید صبر کند تا پاک

طواف ۱۳۵

شود و بعد از غسل اعمال عمره رابجا آورد، و چنانچه وقت انجام اعمال را نداشته باشد، بنابراین ظاهر تکلیف زن در این حال این است که جمع نماید بین گرفتن نایب تا طواف و نماز طواف را نایب بجا بیاورد و خود زن سعی بین صفا و مروه را انجام بدهد و تقصیر نماید و برای حج مُحَرَّم بشود، و بین اینکه طواف و نماز طواف را بعد از اتمام اعمال منی و قبل از طواف حج و دو رکعت نماز آن بجا بیاورد، و احوط این است که سعی را نیز اعاده نماید، و در این مسأله فرقی نیست چه حیض قبل از احرام باشد به این معنی که قبل از این که احرام ببندد حیض شود یا حیض بعد از احرام باشد.

مسأله ۳۶۲— اگر زن بداند قبل از احرام حیض می‌شود و تا بعد از وقوف در عرفات پاک نمی‌شود، بنابراین ظاهر حج او از تمتع به افراد تبدیل نمی‌شود، و وظیفه او این است که برای تمتع مُحَرَّم شود و کسی را نایب بگیرد تا طواف و نماز طواف را از جانب او انجام بدهد، سپس خودش سعی بین صفا و مروه را انجام داده و تقصیر نماید، بعد برای حج مُحَرَّم شود و بعد از اتمام اعمال منی و قبل از آنکه طواف حج و نماز آن را بجا بیاورد، طواف عمره و نماز آن را به جا بیاورد و احوط این است که سعی را نیز اعاده نماید.

مسأله ۳۶۳— اگر زن در اثنای طواف حیض بشود، باید طوافش را قطع نموده و فوراً از مسجد خارج گردد، در این صورت اگر وقت داشته باشد، باید منتظر بماند تا پاک گردد، بعد بنا بر احوط و جویی یک طواف کامل به قصد تکمیل و استیناف به حسب آنچه که واقعاً از او خواسته شده بجا بیاورد. و اما اگر وقت نداشته باشد، وظیفه‌اش این است که برای طواف و نماز آن نایب

۱۳۶..... مناسک حج

بگیرد و خودش سعی بین صفا و مروه را انجام دهد و تقصیر نماید و بعد برای حج مُحَرَّم شود و بعد از بازگشت از منی در روز عید یا بعد از آن و پیش از انجام طواف حج، طواف و نماز آن را بجا بیاورد.

مسأله ۳۶۴— اگر زن بعد از طواف و پیش از نماز آن خون حیض ببیند، طوافش صحیح است، و در این صورت اگر وقت زیاد باشد انتظار بکشد تا پاک گردد آنگاه نماز طواف را به جا آورده سپس سایر اعمال عمره را از قبل سعی بین صفا و مروه و تقصیر بجا بیاورد، و اما اگر وقت تنگ باشد سعی و تقصیر را انجام دهد و نماز را بنا بر احوط بعد از اعمال منی و قبل از طواف حج به جا بیاورد.

مسأله ۳۶۵— اگر زن طواف کرده و نماز را هم خواند بعد مطمئن شد که حیض شده اما نمیداند که آیا قبل از طواف حیض شده یا بعد از طواف و قبل از نماز، یا در اثنای نماز یا بعد از نماز، در این صورت بنا را بر صحت طواف و نماز بگذارد.

مسأله ۳۶۶— اگر از مکلف حدث اصغر سر بزنند و نتواند برای طواف وضو بگیرد و از وضو گرفتن نا امید گردد، در این فرض وظیفه اش تیمم است، و همچنین اگر جنب، حیض و نفساء بعد از بند آمدن خون نتوانند وضو و غسل نمایند و کاملاً نا امید گردد، واجب است به جای غسل برای طواف تیمم نمایند.

مسأله ۳۶۷— اگر زنی وارد مکه شد و می توانست همه اعمال عمره و واجبات آن را بجا بیاورد، ولی به خاطر سهل انگاری اعمال مذکور را به

طواف ۱۳۷

تأخیر انداخت تا حیض شد و وقت هم تنگ شد، در این صورت اگر زن می‌دانست که در آخر وقت حیض می‌شود و بعد از حیض هم نمی‌تواند عمره را بجا بیاورد، در این فرض ظاهراً عمره‌اش فاسد است. و باید حج را در سال بعد انجام بدهد.

اما اگر زن نمی‌دانست که در آخر وقت حیض می‌شود و در نتیجه نمی‌تواند عمره را انجام بدهد اما ناگهان حیض شد، و بعد از پاک شدن از حیض وقت کافی در اختیار ندارد تا اعمال عمره را انجام بدهد، در این فرض شخصی را برای طواف و نماز نایب بگیرد، و سعی بین صفا و مروه را خودش انجام بدهد و تقصیر نماید، و بعد برای حج مُحَرَّم شود و بعد از اتمام اعمال منی در روز عید طواف عمره را قبل از طواف حج بجا آورد.

مسأله ۳۶۸— در طواف مستحبی طهارت معتبر نیست، بنابراین طواف مستحبی بدون وضو صحیح است، اما نماز مستحبی بدون طهارت صحیح نیست.

مسأله ۳۶۹— طهارتی که در صحت طواف معتبر است همان طهارتی است که مکلف بدان در غیر طواف مأمور است زیرا مکلف در حالت سلامتی باید طهارت کامل انجام بدهد، و اما اگر مکلف بیمار باشد، و وظیفه‌اش همان طهارتی است که در حالت بیماری انجام می‌دهد. مثلاً کسی که در دست یا پایش شکستگی یا زخمی است که پانسمان شده و بدل از شستن آن موضع مسح جبیره انجام می‌دهد، این عمل تا زمانی که عذر موجود باشد، واقعا حدث را برطرف می‌کند و طهارت واقعی حاصل می‌شود،

۱۳۸..... مناسک حج

و همچنین مانند وضوی مسلوس (کسی که بی اختیار بول از او خارج می‌شود) و وضوی مبطن (کسی که بی اختیار غایط از او خارج می‌شود) طهارت‌شان صحیح است و می‌تواند با آن طواف را انجام دهد، و وضوی آنها با آنچه که قهرا از آنها صادر می‌شود باطل نمی‌گردد تا زمانی که حدث دیگری مانند خواب و امثال آن از آنها صادر نشود.

مسأله ۳۷۰— واجب است زن مستحاضه برای طواف و نماز آن به همان وظایفی عمل کند که برای نمازهای واجب یومیه انجام می‌دهد. به این معنی که اگر استحاضه او استحاضه صغیره (قلیله) باشد، باید دو وضو بگیرد یکی برای طواف و دیگری برای نماز طواف، همچنانکه لازم است برای هر نماز از نمازهای واجب یومیه وضو بگیرد. و اگر استحاضه وسطی (متوسطه) است، وظیفه‌اش این است که برای هر یک از طواف و دو رکعت نماز آن وضو بگیرد همچنانکه برای هر یک از نمازهای واجب یومیه باید وضو بگیرد، البته در شبانه روز یک غسل هم انجام بدهد چه طواف و دو رکعت نماز طواف به گردن او باشد یا نباشد. و اما اگر استحاضه کبری (کثیره) باشد، واجب است یک غسل برای طواف و نماز آن بجا بیاورد و این غیر از سه غسلی است که برای نمازهای یومیه بجا می‌آورد.

شرط دوم: طهارت از نجاست

طهارت و پاکی از نجاست بنا به قول مشهور شرط طواف دانسته شده اما این قول خالی از اشکال نیست، هر چند احوط این است که پاکی از نجاست در طواف شرط باشد. البته پاکی از نجاست در نماز طواف شرط است

طواف ۱۳۹

و بدون آن نماز صحیح نیست، مگر اینکه نجاست خیلی کم باشد که در نماز بخشیده می‌شود، مانند خون در صورتی که کم‌تر از درهم باشد و یا نجاست به خاطر خون دمل یا زخم باشد که برطرف کردن آن نوعاً مشکل می‌باشد، در این دو صورت اگر بدن انسان پاک نباشد اشکال ندارد.

مسئله ۳۷۱— اگر مکلف نماز را خواند بعد فهمید که بدنش یا جایی از لباس او در اثنای نماز نجس بوده، در این صورت نماز او صحیح است و اعاده ندارد. اما اگر می‌دانسته که بدن یا لباس او نجس است ولی فراموش کرده باشد و با همان بدن یا لباس نجس نماز بخواند و بعد از نماز یادش بیاید، بنابراین احتیاط و جویی باید نمازش را دوباره بخواند.

مسئله ۳۷۲— بنا بر مشهور اگر کسی که مشغول طواف است بدن یا لباسش نجس شود یا بداند بدن و لباسش نجس است، چنانچه قبل از تمام شدن شوط چهارم باشد، طواف را قطع کند و موضع نجاست را پاک نماید و سپس طوافش را از اول شروع کند، ولی اگر بعد از تمام شدن شوط چهارم باشد، باید طواف را قطع کند و بدن و یا لباسش را تطهیر نماید، و در این صورت آنچه را انجام داده صحیح است، و از همانجا که قطع کرده ادامه بدهد و طواف را تکمیل نماید، ولی اگر نجاست فقط در لباسش باشد و بدنش پاک باشد و امکان تبدیل لباس در محل طواف وجود داشته باشد بدون اینکه طوافش را قطع نماید، باید لباسش را عوض کند و طوافش را ادامه دهد، اما این قول مشهور خالی از اشکال نیست و دلیلی برای این تفصیل وجود ندارد. پس بنابراین ظاهر در هر دو فرض مذکور قبل از تمام شدن شوط چهارم و بعد از

۱۴۰..... مناسک حج

آن در صورتی که مدت خروج کم باشد و موالات عرفی بهم نخورده، شوطهایی را که انجام داده حساب کند و بعد از تطهیر آن را کامل کند و لازم نیست از اول شروع نماید.

شرط سوم: ختنه

شرط سوم از شرایط طواف این است که برای مردان نه برای زنان ختنه شرط است، همچنانکه در کودک ممیز ختنه معتبر می‌باشد به شرط آنکه خود او احرام ببندد و شخصاً طواف انجام دهد، اما برای کودک غیر ممیز که احرامش از جانب ولی او صورت گرفته، ختنه کردن معتبر نیست.

مسأله ۳۷۳— کسی که ختنه نشده و طواف نماید مانند کسی است که طواف را ترک کرده و حجش باطل است. و اگر مکلف ختنه نشده مستطیع شود چند صورت دارد:

۱— می‌تواند در همان سال استطاعت ختنه نموده به حج برود، و در این صورت حج بر او واجب و تاخیرش جایز نیست.

۲— می‌تواند در سال استطاعت خود را ختنه نماید، اما قادر به انجام حج در آن سال نیست، در این صورت حج را تا سال آینده به تأخیر اندازد.

۳— ختنه کردن اصلاً برایش ممکن نباشد، زیرا ختنه کردن برای او ضرر یا مشقت دارد، در این صورت حج بر او واجب است و طواف عمره و حج را خودش انجام بدهد و کسی را نایب بگیرد تا از طرف او طواف نماید و بعد از طواف نایب، نماز طواف را خودش بخواند.

شرط چهارم: ستر عورت

شرط چهارم طواف پوشاندن عورت است هم بر مرد وهم بر زن. اگر طواف کننده مرد باشد واجب است قبل (جلو) و دبر (عقب) خود را بپوشاند و اگر زن باشد غیر از صورت و دو دست باید تمام بدن خود را بپوشاند، این شرط بنا بر قول مشهور است اما خالی از اشکال نیست، البته قول مشهور مطابق احتیاط وجوبی است.

واجبات طواف

مسأله ۳۷۴— طواف عبارت است از دور زدن در اطراف کعبه و چند چیز در آن شرط است.

۱— نیت: در نیت باید قصد قربت، قصد اخلاص و قصد اسم خاص که آن عمل را از سایر اعمال شرعاً متمایز نماید وجود داشته باشد. و نیت را چنین بگویند: هفت شوط در اطراف خانه خدا برای عمره تمتع یا حج تمتع از حجت الاسلام یا برای عمره مفرده یا حج افراد از حجت الاسلام به جا میآورم الی الله تعالی و خالصاً لوجهه الکریم. و اگر حج مستحبی باشد کلمه «حجّت الاسلام» در نیت آورده نمی شود، و اگر حج نذری باشد به جای کلمه «مستحب» کلمه «منذور» در نیت آورده می شود، و اگر حج نیابتی باشد، نام کسی را که از جانب او نیابت شده در نیت می آورد.

مسأله ۳۷۵— واجب نیست مکلف نیت خود را به زبان آورده و آن را تلفظ نماید، بلکه حضور آن در قلب کافی است، و در نیت معتبر است تمام

۱۴۲..... مناسک حج
عناصر آن که «قصد قربت، قصد اخلاص و قصد اسم خاص» از ابتدا طواف در همه شوطها تا آخر آن مقارن باشد، به این معنی که نیت عقب تر از اولین جزء از اجزای طواف نباشد، اما اگر قبل از آن باشد اشکال ندارد، مراد از مقارنت نیت با طواف این نیست که طواف کننده مانند لحظه اول نیت کاملاً متوجه باشد، بلکه مقصود این است که هرگاه شخصی به طواف شروع کرد و بعد فراموش نمود و طوافش رابه همین حالت ادامه داد، صحیح است به شرط اینکه نیت در اعماق قلبش وجود داشته باشد به گونه ای که اگر شخصی از او پرسد چه کار میکنی؟ فوراً متوجه شده بگوید الی الله طواف می کنم.

۲- آن که طواف کننده بیرون کعبه و سنگ مرمر پایین دیوار کعبه که برای استحکام بنیان کعبه نهاده شده و به آن شاذروان می گویند حضور داشته باشد و طواف خود را از آنجا دورخانه خدا شروع کند، اما اگر طواف کننده از محل طواف خود تجاوز کرده داخل کعبه شود و یا به طرف شاذروان تعدی کند، طوافش باطل می شود و دوباره باید اعاده نماید.

۳- مکلف باید طواف خود را از حجرالاسود که در یکی از ارکان کعبه قرار دارد شروع کند، به این صورت که در برابر حجرالاسود بایستد ولی احوط آن است که اندکی عقب تر از حجرالاسود بایستد تا علم پیدا کند که تمام بدن او از تمام حجرالاسود می گذرد، و قصدش این باشد که طواف را از نقطه ای که مقابل حجرالاسود است آغاز نماید.

واجبات طواف ۱۴۳

۴— مکلف باید در هر شوط ودوری که انجام می‌دهد به حجر الاسود ختم کند، چنانچه از حجر الاسود شوط خود را آغاز نموده بود و در شوط اخیر احتیاطاً قدری از حجر بگذرد و این زیادی را مقدمه علمی محسوب کرده بدین ترتیب یقین پیدا کند که هفت شوط کامل شده است.

۵— شخصی که طواف می‌کند باید کعبه (خانه خدا) را در جمیع احوال طواف طرف چپ خود قرار دهد، و چنانچه به جهت بوسیدن ارکان یا چیز دیگر یا ازدحام جمعیت او را مجبور نماید تا روبه کعبه یا پشت به کعبه قرار بگیرد و یا کعبه به طرف راست او قرار گیرد، این مقدار از طواف شمرده نمی‌شود، و باید از همان جا که منحرف شده طواف را اعاده نماید، مقصود از قرار دادن کعبه به طرف چپ معین کردن جهت حرکت طواف کننده است، و بر طواف کننده واجب نیست تا کتف (بازوی) چپ خود را در حین عبور از ارکان منحرف کند تا مقابل خانه خدا باشد، این دقت‌ها شرعاً واجب نیست.

۶— طواف کننده باید طواف خود را از اطراف حجر اسماعیل انجام دهد، به این معنی که حجر اسماعیل را داخل مطاف قرار دهد، بنابراین جایز نیست طواف را بین حجر اسماعیل و بین کعبه انجام دهد. اگر طواف کننده داخل حجر اسماعیل برود، آن شوط که در حین آن به داخل حجر رفته باطل می‌شود پس باید آن شوط را اعاده نماید، اما اصل طواف باطل نمی‌شود هر چند عمداً و با توجه به حکم شرعی داخل حجر گردد، و این حکم در صورتی است که عرفاً موالات بهم نخورد و اما با از بین رفتن موالات، اصل طواف باطل می‌شود و باید طواف را از اول آغاز نماید.

۷— طواف کننده باید با گام‌های اختیاری طواف را انجام بدهد، اما اگر کثرت ازدحام و شلوغی پاهای او را از زمین بلند کند، طواف کفایت نمی‌کند، و چنانچه این امر اتفاق بیفتد که پاهای او از زمین بلند شود، باید مسافتی را که با پای خود نرفته بلکه کثرت ازدحام او را برداشته با خودش برده ملغی نماید و دوباره به همان مکانی که کثرت ازدحام او را از جایش بلند کرده برگردد و به طواف خود ادامه بدهد، اما اگر رجوع به آن مکان به خاطر کثرت ازدحام دشوار باشد، در این صورت بدون اینکه قصد طواف نماید اطراف خانه خدا بچرخد تا به همان مکان — مکانی که کثرت ازدحام او را از جایش بلند کرده — برسد آنگاه قصد طواف نماید، و چنانچه می‌تواند از مطاف خارج شود و آنچه را که انجام داده لغو کند، سپس طواف خود را از اول شروع نماید. اگر کثرت ازدحام او را مجبور کند تا در زمین مطاف روی پای خود راه برود و در اثنای طواف نتواند توقف نماید چون اگر توقف کند کثرت جمعیت و ازدحام او را از جایش بلند می‌کند، اشکال ندارد و طواف صحیح است.

۸— طواف کننده باید هفت دور متوالی و پی در پی دور خانه خدا بچرخد، و کمتر از هفت دور کفایت نمی‌کند، و هر بار که دور خانه خدا می‌چرخد شوط نامیده می‌شود و طواف مرکب از هفت شوط است.

۹— مشهور بین فقهاء این است که طواف باید بین خانه خدا و مقام ابراهیم (ع) باشد و این فاصله بیست و شش ذراع و نیم است، و نظر به این که حجر اسماعیل داخل مطاف است، پس محل طواف از حجر اسماعیل نباید از

واجبات طواف ۱۴۵

شش ذراع ونیم بیشتر باشد، اما این قول مشهور خالی از اشکال بلکه خالی از منع نیست، و ظاهراً طواف در مساحتی بیشتر از بیست و شش ذراع ونیم نیز کفایت می‌کند، و ملاک صدق طواف در اطراف خانه خدا این است که در عرف گفته شود او در اطراف خانه خدا طواف می‌کند هر چند از پشت مقام باشد.

۱۰ — جمع بین دو طواف در طواف واجب بنا بر اظهر طواف را باطل می‌کند، به این صورت که مکلف هفت شوط طواف نماید و بعد هفت شوط دیگر را به عنوان طواف دوم به آن اضافه کند در حالیکه دور رکعت نماز طواف راتا بعد از انجام هر دو طواف به تأخیر بیندازد، این نوع طواف که اصطلاحاً به آن «قران بین طوافین» گفته می‌شود در طواف واجب مبطل است، اما در طواف مستحب اشکال ندارد.

۱۱ — مکلف باید عدد شوطها را به یاد داشته، و چنانچه در عدد شوطها شک کند، طوافش باطل می‌شود و باید از اول شروع کند، از حکم — به بطلان — موارد زیر استثنا شده است.

الف — اگر مکلف بعد از تمامی طواف و تجاوز از محل طواف، چنانچه مثلاً به نماز طواف مشغول شده باشد در عدد اشواط شک کند، در این صورت به شک خود اعتنا نکند و طوافش صحیح است.

ب — مکلف یقین دارد که هفت شوط را به طور کامل به جا آورده و شک کند که آیا او هفت شوط به جا آورده یا بیشتر، اما احتمال نقصان در

۱۴۶..... مناسک حج

آن نباشد، به شک خود اعتنا نکند و طوافش صحیح است گرچه هنوز در نماز طواف داخل نشده باشد، بلکه هر چند هنوز از مطاف نیز خارج نشده است.

ج — اگر مکلف در اعداد شوط طواف مستحبی شک نماید، بنا بر اقل بگذارد و طوافش را کامل نماید، و این طواف صحیح است.

اگر مکلف در غیر این سه مورد مذکور در عدد شوط‌هایش شک نماید، طوافش باطل است، و فرق نمی‌کند چه شک او بین ۶ و ۷ و ۸ باشد، یا بین ۸ و ۶ یا بین ۷ و ۶ و یا غیر آن، در همه این صورت‌ها طواف باطل می‌شود. البته اگر مکلف بین ۷ و ۶ شک نماید و بنا بر ۶ بگذارد در حالی که جاهل به حکم بوده و طوافش را این گونه تمام نماید، چنانچه در همان حال حکم را بفهمد، واجب است طوافش را دوباره از اول شروع نماید، اما اگر جاهل او استمرار پیدا بکند تا زمانی که وقت تدارک آن از بین برود، بعید نیست در این فرض طواف او صحیح باشد.

مسأله ۳۷۶ — در حفظ عدد شوط‌های طواف اطمینان طواف کننده کفایت می‌کند، هر چند اطمینان او از شخص دیگری که با او در طواف شریک است حاصل گردد، البته به شرط این که برای آن شخص اطمینان حاصل شود که رفیقش درست شمرده و آن را بطور صحیح حفظ کرده است و وزن و گمان کفایت نمی‌کند.

احکام خارج شدن از مطاف

مسئله ۳۷۷— اگر طواف کننده از مطاف خارج و داخل کعبه گردد، طوافش باطل می‌شود و باید دوباره طواف نماید.

مسئله ۳۷۸— اگر در اثنای طواف از طواف کننده حدی سریزند، می‌تواند برای وضو از مطاف خارج گردد، و بعد از وضو گرفتن برگردد چنانچه موالات عرفی از بین نرود، طوافش را تمام کند، اما اگر موالات عرفی از بین برود، در این صورت، طوافش باطل است و باید دوباره از اول شروع نماید، و در این حکم بین اینکه حدی پیش از تجاوز نصف طواف از او سرزده باشد یا بعد از آن فرقی نیست.

مسئله ۳۷۹— اگر در اثنای طواف بدن یا لباس طواف کننده نجس شود، می‌تواند برای تطهیر آن خارج شود و بعد از تطهیر چنانچه موالات از بین رفته باشد، باید طواف را دوباره از اول شروع کند، و اگر موالات از بین نرفته باشد، بنا بر احتیاط و جوبی یک طواف کامل را به قصد اعم از تکمیل واستیناف (شروع از اول) به حسب آنچه که در واقع از او خواسته شده به جا بیاورد.

مسئله ۳۸۰— اگر زن در اثنای طواف حیض شود، واجب است طوافش را قطع کرده و فوراً از مسجد خارج شود.

مسئله ۳۸۱— اگر طواف کننده اتفاقاً مواجه با مرضی مانند سردرد یا شکم درد و امثال آن گردد، چند صورت دارد:

الف — بعد از خروج از مطاف بلافاصله مرضش بهبود یابد، چنانچه به موالات خللی نرسد، طواف خود را کامل نماید و چیزی بر او نیست.

ب — اگر در فرض مذکور فاصله زمانی طولانی گردد که به موالات عرفی خللی وارد شود، در این صورت نیز بنا بر ظاهر مکلف نواقص طواف خود را کامل نماید، هر چند بهتر است که یک طواف کامل جدید را به قصدی که شامل کامل کردن طواف واز سرگرفتن آن است به حسب آنچه که در واقع از او خواسته شده انجام بدهد.

ج — اگر بیماری او برطرف نشود و وقت تنگ گردد، واز تکمیل نواقص طواف عاجز شود، در این صورت مکلف وظیفه دارد کسی را نایب بگیرد تا نواقص طواف را از جانب او انجام دهد، هر چند بهتر است نایب یک طواف کامل به قصد کامل کردن واز سرگرفتن طواف به جا بیاورد، ودر تمام صورت‌های سه گانه بین این که مکلف پیش از اکمال شوط چهارم از مطاف خارج شده باشد یا بعد از آن فرقی ندارد.

د — اگر شخصی بعد از شوط پنجم مریض شود واز مطاف خارج گردد ودر اثنای خروج بعد از بهبودی در منزلش با زنش نزدیکی نماید، شوط‌هایی را که انجام داده باطل نمی‌شود، بلکه می‌تواند به کامل کردن نواقص اکتفا نماید، اما اگر این کار بعد از شوط سوم اتفاق افتاد، طواف را باطل می‌کند و باید یک طواف کامل را بجا بیاورد.

مسأله ۳۸۲ — طواف کننده می‌تواند جهت عیادت مریض یا تشییع جنازه یا رفع حاجت خود یا حاجت یک مومن از مطاف بیرون رود، ودر این

احکام خارج شدن از طواف ۱۴۹

صورت اگر زمان خروج طولانی شود وموالات از بین برود، طوافش اگر واجب باشد باطل می‌شود و باید از سر بگیرد، اما اگر موالات از بین نرود، طوافش باطل نمی‌شود و باید نواقص را کامل نماید، و بنا بر ظاهر در این مسأله فرقی نیست بین اینکه مکلف بعد از یک شوط یا بعد از دو شوط و بیشتر از آن بیرون برود.

مسأله ۳۸۳— اگر طواف کننده بدون دلیل موجه و از روی عمد و با توجه به حکم شرعی از مطاف بیرون برود، گنهکار محسوب نمی‌شود.

مسأله ۳۸۴— اگر طواف کننده بدون عذر موجه و از روی عمد والتفات به مسأله از مطاف بیرون برود هر چند موالات عرفی هم از بین نرود، ظاهراً طوافش باطل می‌شود، و در این امر بین این که خروج او پیش از گذشتن از نصف طواف باشد یا بعد از آن فرقی نمی‌کند. البته طواف کننده می‌تواند در اثناى طواف عمداً و از روی علم، شوط‌هایی را که انجام داده لغو نماید و دوباره یک طواف کامل و جدیدی را شروع کند، و محذور زیاد کردن در طواف پیش نمی‌آید.

مسأله ۳۸۵— اگر طواف کننده به خیال اینکه طواف را کامل نموده، از روی فراموشی از مطاف خارج گردد، و بعد یادش بیاید که طوافش ناقص بوده، چنانچه این نقص سه شوط یا کمتر از آن باشد، برگردد و نقص شوط‌ها را تکمیل نماید و واجب نیست طوافش را از سر بگیرد. اما اگر نقص بیشتر از سه شوط باشد، بنا بر ظاهر باز هم لازم نیست از اول شروع کند، بلکه اگر نقص را کامل نماید، کفایت می‌کند هر چند از سر بگیرد احوط است.

۱۵۰..... مناسک حج

مسأله ۳۸۶— اگر طواف مستحبی باشد و طواف کننده آن را عمداً و از روی التفات قطع نموده و از مطاف خارج گردد، طوافش باطل نمی‌شود، بنابراین اگر طواف مستحبی را قطع کند و از مطاف خارج شود و دوباره برگردد و نقص طواف را کامل نماید، طوافش صحیح است.

مسأله ۳۸۷— طواف کننده می‌تواند در اثنای طواف در مطاف جهت استراحت یا به جهت دیگری بنشیند، البته به شرط این که زمان نشستن طولانی نباشد تا به موالات ضرر برساند و گرنه طوافش باطل می‌شود.

احکام نقص در طواف

مسأله ۳۸۸— اگر طواف کننده عمداً و با توجه به حکم شرعی مقداری از طواف را کم کند و موالات از بین برود، طوافش باطل می‌شود، و باید طواف را از سر بگیرد، و چنانچه موالات فوت نشود، اگر از مطاف بیرون نرفته، می‌تواند کمبود را بجا آورد و به همان اکتفا کند و در این صورت چیزی بر او نیست، و اما اگر از مطاف بیرون رفته، طواف را دوباره از سر بگیرد، کفایت می‌کند.

مسأله ۳۸۹— اگر مقداری از طواف را سهواً کم کند، چند صورت دارد.

الف— اگر قبل از این که از مطاف خارج شود یادش بیاید که هنوز زمان زیادی نگذشته است تا موالات بهم بخورد، در این صورت کمبود را بجا آورد و طوافش صحیح است.

ب — اگر طواف کننده بعد از خروج از مطاف و بعد از به هم خوردن موالات یادش بیاید که طواف را سهوا کم انجام داده، در این صورت اگر تنها یک شوط کم باشد آن را به جا بیاورد و طوافش صحیح است، و اگر مکلف خودش به هر دلیلی نتواند آن یک شوط را انجام بدهد، چنانچه به وطن خود برگشته باشد و در آنجا یادش بیاید وظیفه‌اش این است که شخصی را نایب بگیرد تا آن یک شوط را به نیابت از او انجام دهد. اما اگر نقص بیشتر از یک شوط و کمتر از چهار شوط باشد، باید در صورت امکان برگردد و کمبود نقص را کامل نماید، و اما اگر طواف برای او ممکن نیست کسی را نایب بگیرد، اما اگر کمبود و نقص چهار شوط یا بیشتر از آن باشد، در این حالت نیز در صورت امکان کمبود را کامل نماید والا نایب بگیرد، هر چند در دو صورت اخیر احتیاط اقتضاء می‌کند که مکلف یک طواف کامل به قصدی که شامل کامل نمودن طواف و از سرگرفتن آن باشد به حسب آنچه که واقعا از او خواسته شده بجا بیاورد.

ج — موالات بین شوطها فقط در حال تذکر و التفات شرط است، و اما در حال فراموشی و غفلت، موالات شرط نیست، بنابراین اگر طواف کننده مقداری از شوطها را فراموش کند و از مطاف هم بیرون رود و بعد از بهم خوردن موالات یادش بیاید، شوطهایی را که انجام داده باطل نمی‌شود، و با تکمیل کردن نقصها طوافش صحیح می‌باشد، و لازم نیست طواف خود را دوباره از سر بگیرد.

زیادی در طواف

مقصود از زیادی در طواف این است که طواف کننده بعد از کامل کردن طواف یک شوط دیگری را به قصد اینکه جزء طواف است بجا بیاورد حال چه از ابتدا این قصد را داشته یا بعداً، و در اثنای انجام طواف این قصد را نماید و یا بعد از پایان طواف چنین قصدی کند، اما اگر شوط اضافه را به قصد جزئیت انجام ندهد، زیادی محقق نمی‌شود و طواف را باطل نمی‌کند.

مسأله ۳۹۰— اگر طواف کننده در طوافش اضافه نماید، شش صورت

دارد:

۱— مکلف قصد کند تا طوافش را بیشتر از هفت شوط بجای آورد، در این صورت زیادی مذکور طواف را باطل می‌کند، و در این امر فرقی نیست که شخص از ابتدا این قصد را داشته باشد یا در اثنا و یا بعد از پایان طواف چنین قصدی نماید، و شوط هشتم را به قصد اینکه جزء از طواف است انجام بدهد، و نیز در بطلان طواف با انجام زیادی فرق نمی‌کند که شخص عالم به حکم مسأله باشد یا جاهل به آن باشد.

۲— بعد از پایان شوط هفتم به شوط دیگری شروع کند و آن را به صورت عمل مستقل و به قصد جزئیت انجام ندهد، در این صورت طوافش صحیح است، و چنانچه سهواً یک شوط را انجام دهد به خیال اینکه هنوز هفت شوط طواف کامل نشده و بعد روشن گردد که وی هشت شوط انجام داده، در این صورت طواف او صحیح است.

زیادی در طواف..... ۱۵۳

در هر دو صورت مذکور (صورت انجام شوط هشتم به قصد عمل مستقل و صورت سهو) بر مکلف واجب است شش شوط دیگر را به شوط زیادی ضمیمه نماید تا یک طواف کامل گردد، البته در اینصورت اتصالی که میان دو طواف برقرار شده اشکالی ندارد، زیرا قصد طواف کننده این نبوده که طواف خود را به طواف دوم متصل نماید، بلکه بعد از فراغ از طواف یک شوط را به عنوان عمل مستقل یا از روی سهو انجام داده منتها شارع دستور داده که با ضمیمه کردن شش شوط دیگر به آن یک طواف کامل انجام دهد، و اتصالی که میان دو طواف ممنوع و باطل کننده طواف می‌باشد، این است که طواف کننده قصدش این باشد که طواف اول خود را به طواف دوم متصل نماید.

۳— کامل کردن شوط زیادی باشش شوط دیگر، وقتی واجب است که شوط هشتم (شوط زیادی) را تمام و کامل کرده باشد، ولی اگر شوط هشتم را هنوز تمام نکرده و در اثنای آن قرار دارد، می‌تواند آن را رها کند و از محل طواف خارج گردد.

۴— اگر طواف کننده بیشتر از یک شوط را سهواً یا به عنوان یک عمل مستقل زیاد نماید، بعید نیست که کامل نمودن آن با اضافه ضمیمه کردن بقیه شوطها واجب باشد هر چند به عنوان رجاء کامل نماید.

۵— سؤال: طواف اول واجب است یا طواف دوم یا هر دوی آنها باهم؟

جواب: ظاهراً طواف دوم واجب است.

۱۵۴..... مناسک حج

۶— طواف کننده بعد از انجام دو طواف، مخیر است بین اینکه چهار رکعت نماز را تماماً بجا آورد یا اینکه دو رکعت نماز را بعد از انجام دو طواف، و دو رکعت دیگر را بعد از سعی بین صفا و مروه بخواند.

احکام طواف

مسأله ۳۹۱— ترک طواف چند صورت دارد که به ترتیب زیر بیان

می‌شود:

۱— اگر شخصی عمداً و با اطلاع از وجوب طواف، آن را ترک کند هر چند به خاطر ترس از شلوغی و کثرت مردم باشد — و به سعی بین صفا و مروه و اعمال مابعد آن پرداخته باشد، عذر او پذیرفته نیست.

در این صورت اگر وقت کافی دارد باید برگردد و طواف را انجام دهد. سپس اعمال مابعد آن را بجای آورد، و اگر وقت کافی برای انجام این اعمال و درک وقوف در عرفات ندارد؛ عمره او باطل است، و اگر به خاطر ندانستن مسأله طواف را ترک کرده باشند نیز همین حکم را دارد.

۲— اگر مکلف طواف را از روی نادانی به حکم و به جهت جهلی که در واجب بودن آن دارد ترک نماید، حکم اینصورت مانند حکم صورت اول خواهد بود.

۳— اگر عمداً طواف حج تمتع را ترک کند، چه حکم آن را بداند یا نداند، تا اینکه با پایان یافتن ماه ذی الحجّت وقت آن تمام شود، حج

واحرام او هر دو باطل است. و کسی که به خاطر جهل به حکم، طواف را ترک کرده، باید یک شتر کفاره دهد.

۴— اگر طواف را چه طواف عمره یا حج باشد از روی فراموشی یا غفلت ترک کند، حج او باطل نمی‌شود. بنابراین در صورتی که طواف عمره را فراموش کرده، اگر زمانی متوجه شود که بدون از دست دادن زمان وقوف در عرفات بتواند آن را انجام دهد، باید طواف را به جای آورد، وگرنه بعد از اعمال منی با نیت قضا طواف نماید. و در صورتی که طواف حج تمتع را فراموش کرده، اگر پیش از بیرون آمدن از مکه متوجه شود، باید طواف را انجام دهد. ولی اگر پس از بازگشت به شهر و دیار خود متوجه شود، در صورتی که نمی‌تواند برگردد، نایب بگیرد، و اگر خودش بتواند برگردد و آن را انجام دهد، مخیر است که خود آن را انجام دهد یا نایب بگیرد.

۵— اگر بعضی از شوط‌های طواف را فراموش نموده و هنگام انجام سعی متوجه شود، باید برگردد و طواف را کامل نموده و سعی را از همان جا که رها کرده ادامه دهد. و اگر تمام طواف را فراموش کرده و در هنگام سعی متوجه شود، سعی را رها کند، و طواف را انجام دهد، و پس از دو رکعت نماز طواف، سعی را مجدداً از سر بگیرد، اما اگر بعد از انجام سعی متوجه شود که طواف را انجام نداده است، باید برگردد طواف و نماز طواف را به جای آورد، و اعاده سعی لازم نیست. هر چند احتیاط آن است که سعی را اعاده کند.

۶— کسی که طواف را فراموش کرده اگر با زنش جماع کند، بعد یادش بیاید که طواف را انجام نداده است، باید یک شتر کفاره بدهد، و فرقی ندارد که یادآوری زمانی باشد که شخص به شهر و دیار خود برگشته، یا در مکه باشد. و اگر طواف فراموش شده طواف حج تمتع باشد، شتر کفاره را در منی نحر کند. و اگر طواف عمره تمتع باشد، شتر را در مکه نحر کند. و در صورتی که در شهر خود متوجه شود می‌تواند نایب بگیرد تا شتر را در موضعش نحر کند.

۷— کسی که طواف را فراموش کرده و پس از بازگشت به شهر خود یادش بیاید و بخواهد خودش برگردد و آن را انجام دهد، چنانچه در ماه ذی الحجه باشد، بدون احرام وارد مکه شود و طواف را انجام دهد، و اگر ماه ذی الحجت به پایان رسیده است، در یکی از میقات‌ها به نیت عمره مفرده احرام ببندد و داخل مکه شود، و قبل یا بعد از انجام عمره مفرده طواف فراموش شده را بانیت قضاء به جای آورد. و لازم نیست فقط برای طواف فراموش شده احرام ببندد. و اگر بعد از ماه ذی الحجت در مکه یادش آمد که طواف را فراموش کرده است، لازم نیست برای قضای طواف به یکی از میقات‌ها برود و از آن جا احرام ببندد، بلکه در مکه احرام ببندد و طواف را به نیت قضا به جای آورد.

۸— اگر برای طواف فراموش شده کسی را نایب بگیرد، چنانچه از حج همان سال نباشد، باید در یکی از میقات‌ها برای عمره مفرده احرام ببندد و قبل یا بعد از انجام اعمال عمره مفرده به نیت قضاء طواف را به جای آورد،

احکام طواف ۱۵۷

چه در ماه ذی الحجت وارد مکه شود، یا در ماه‌های دیگر. (اگر نایب از حاجیان همان سال باشد، احرام از میقات لازم نیست.)

۹— اگر برای طواف فراموش شده در آخرین روزماه ذی الحجت وارد مکه شود، ولی نتواند در آن روز طواف کند، لازم نیست که هنگام ورود به مکه احرام ببندد.

۱۰— اگر بعضی از شوط‌های طواف را فراموش کند، باید آن را جبران نماید، چه خودش انجام دهد، یا نایب بگیرد چه در مکه یادش بیاید، یا پس از بازگشت به وطن، و حتی اگر بعد از ماه ذی الحجت متوجه شود، باید آن را جبران کند. هر چند بهتر است که طواف کاملی را به نیت ادای تکلیف واقعی، اعم از تکمیل آن و طواف جدید به جای آورد.

۱۱— قضای طواف فراموش شده، یا بعض شوط‌های آن وقت معین ندارد، هر وقت یادش آمد و قدرت برانجام آن داشت — چه خودش به جای آورد یا نایب — واجب است انجام دهد.

۱۲— کسی که طواف و یا بعض از شوط‌های آن را فراموش کرده، استفاده از چیزهایی که حلال بودن آن متوقف بر طواف است مانند: استعمال بوی خوش و نظایر آن، تا زمانی که آن را به جای نیاورده و یا تکمیل نکرده است، جایز نیست.

۱۳— اگر مُحْرَم به خاطر بیماری، شکستگی استخوان و یا دلایل دیگر نتواند طواف کند، چنانچه با کمک دیگران بتواند، حتی اگر بر دوش کسی سوار شده و طواف کند، خودش طواف کند و نباید نایب بگیرد، و اگر

نمی‌تواند باید شخصی را برای طواف نایب بگیرد و دو رکعت نماز طواف را بعد از طواف نایب، خودش به جای آورد، و اگر هم نتوانست نماز را بخواند، نایب او نماز بخواند.

کیفیت طواف

طواف از نقطه برابر حجرالاسود که در رکن شرقی کعبه قرار دارد آغاز می‌شود، و خانه کعبه در طرف چپ طواف کننده قرار می‌گیرد. پس از چند قدم به در کعبه می‌رسد و طواف را ادامه می‌دهد، ابتدا به رکن شمالی کعبه که به رکن عراقی معروف است می‌رسد. در این سمت حجر اسماعیل و ناودان کعبه قرار دارد. در ادامه به رکن غربی کعبه که به رکن شامی معروف است می‌رسد که در سمت غرب خانه خدا قرار دارد. از آنجا — با ادامه طواف — به آخرین و چهارمین رکن کعبه می‌رسد که به رکن یمانی معروف است و در سمت جنوبی کعبه قرار دارد.

پیش از رسیدن به رکن یمانی موضعی است شریف که به آن مستجار می‌گویند. پس از رسیدن به رکن یمانی طواف را به سمت حجرالاسود و رکن شرقی ادامه می‌دهد تا یک شوط کامل شود.

آداب و مستحبات طواف

۱— مستحب است با حالت خضوع و خشوع طواف کند، قدم‌ها را آهسته و کوچک بردارد. به ذکر، خواندن قرآن، دعا و صلوات بر محمد، و آل او بپردازد. و هرگونه فکر بیهوده را از خود دور کند و متوجه خداوند باشد.

۲— در صورتی که باعث مزاحمت و اذیت دیگران نشود، در آغاز و پایان طواف و در پایان هر شوط به حجرالاسود دست بکشد و آن را ببوسد، و هنگام دست کشیدن بگوید: «امانتی ادیتها، و میثاقی تعاهدته لشهد لی بالموافاة».

۳— هنگام طواف این دعا را بخواند: «اللهم انی أسألك باسمک الذی یمشی به علی ظل الماء، کما یمشی به علی جدد الأرض، وأسألك باسمک الذی یهتز له عرشک، وأسألك باسمک الذی تهتز له اقدام ملائکتک، وأسألك باسمک الذی دعاک به موسی من جانب الطور فاستجبت له والقیته علیه محبة منک وأسألك باسمک الذی غفرت به لمحمد ما تقدم من ذنبه وما تأخر، وأتممت علیه نعمتک، أن تفعل بی کذا وکذا»، به جای کذا وکذا حاجات خود را طلب کند. و در طواف بخواند « اللهم انی الیک فقیر، وانی خائف مستجیر، فلاتغیر جسمی، ولاتبدل اسمی» یا هر دعایی را که دوست دارد بخواند.

۴— مستحب است هر بار که مقابل در کعبه می‌رسد، بر محمد و آل او درود بفرستد. و بین رکن یمانی و حجرالاسود بگوید: «ربنا آتنا فی الدنیا

۱۶۰..... مناسک حج

حسنة وفى الآخرة حسنة وقنا عذاب النار» زمانى كه به

حجر اسماعيل رسيد، سر را بلند کرده رو به ناودان اين دعا را بخواند:

« اللهم ادخلنى الجنة برحمتك واجرنى برحمتك من النار،

وعافنى من السقم، واوسع على من الرزق الحلال، وادراً عنى شر فسقة

الجن والانس، وشر فسقة العرب والعجم» چون از حجر اسماعيل

بگذرد وبه پشت كعبه برسد بگويد: «يا ذا المن والطول والجدد والكرم ان

عملى ضعيف فضاعفه لى وتقبله منى انك انت السميع العليم». چون به

ركن يمانى برسد بايستد و دستها را به دعا بلند كند، و بگويد:

« يا الله يا ولي العافية، و خالق
العافية، ورازق العافية، والمنعم
بالعافية، والمنان بالعافية،
والمفضل بالعافية على وعلى جميع
خلقك، يا رحمن الدنيا والاخرة
ورحيمهما صل على محمد وآل محمد
وارزقنا العافية وتمام العافية،
وشكر العافية في الدنيا والاخرة، يا
ارحم الراحمين».

۵- مستحب است در هر شوط هر چهار ركن كعبه را لمس كند، وهنگام

لمس حجر الاسود دعای آن را بخواند.

۶- در شوط هفتم وقتى كه در برابر مستجار رسيد، دستها را روى زمين

باز كند، وصورت وشكم را به كعبه بچسباند و بگويد: «اللهم البيت بيتك،

والعبد عبدك وهذا مكان العائذ بك من النار». آن گاه به گناهان خود

مستحبات طواف ۱۶۱
اعتراف نموده و از خداوند آمرزش آنها را طلب کند که ان شاء الله مستجاب است.

پس از آن بگوید: « اللهم من قبلک الروح والفرج و العافية، اللهم ان عملی ضعيف فضاعفه لی و اغفر لی ما اطلعت علیه منی و خفی علی خلقک.»

سپس به سوی رکن یمانی و حجرالاسود آمده طواف را تمام کند و بگوید: «اللهم قنعنی بما رزقتنی و بارک لی فیما آتیتنی.»

نماز طواف

مسأله ۳۹۲— پس از طواف دو رکعت نماز طواف مانند نماز صبح واجب است. می توان آن را آهسته و یا بلند خواند. نماز سومین واجب عمره تمتع است و نیت آن واجب می باشد. که مثلاً نیت واجب عمره تمتع است و نیت آن واجب می باشد. که مثلاً نیت کند: « دو رکعت نماز طواف عمره تمتع از حجت الاسلام به جای می آورم الی الله ». و اگر حج مستحبی باشد، کلمه (حجت الاسلام) ساقط می شود و اگر حج نذری باشد به جای (حجت الاسلام) (حج نذر) بگوید. و اگر از سوی کسی نایب است، اسم آن شخص را بیاورد و نیت کند که نماز از جانب او است.

مسأله ۳۹۳— واجب است نماز را پشت مقام ابراهیم بخواند مقام ابراهیم سنگی است نزدیک کعبه که حضرت ابراهیم ع هنگام ساختن خانه کعبه بر آن می ایستاد. و اگر نمی تواند پشت مقام بخواند، در هر جای مسجد که

۱۶۲..... مناسک حج

خواست می‌تواند بخواند. و بهتر است رعایت محل نزدیک و نزدیکتر به مقام را بکند. و در حج مستحبی نماز را در هر جای مسجد الحرام می‌تواند بخواند.

مسئله ۳۹۴— نماز را پس از طواف و یا با فاصله اندک پس از آن به جای آورد، و نباید نماز را آن قدر به تأخیر اندازد که موالات عرفی بین طواف و نماز از بین برود.

مسئله ۳۹۵— اگر عمداً و با دانستن وجوب نماز آن را ترک کند و تا پایان وقت عمره نتواند آن را جبران نماید، حج ابطال است، و به حج افراد نیز تبدیل نمی‌شود تا عمره را پس از حج انجام دهد. بلکه در صورت تحقق شرایط حج سال آینده آن را اعاده کند.

مسئله ۳۹۶— اگر نماز طواف را فراموش کند، و هنگام سعی بین صفا و مروه یادش بیاید، باید سعی را در همانجا رها کرده به مسجد الحرام بیاید و نماز را در جای خودش بخواند، سپس دوباره برگردد و سعی را از همانجا که رها کرده ادامه دهد. و اگر پس از انجام سعی متوجه شود، باید نماز را در جای خودش بخواند و اعاده سعی لازم نیست. هر چند بهتر است سعی را اعاده کند.

مسئله ۳۹۷— اگر در منی یادش آمد که نماز را به جای نیاورده است، باید برگردد و نماز را در محلش بخواند. و اگر نمی‌تواند برگردد، کسی را وکیل بگیرد. اما اگر در عرفات متوجه شد، لازم نیست برگردد، بلکه نماز را در همان جا بخواند، و اگر پس از بیرون آمدن از مکه یادش آمد که نماز را نخوانده است، در صورتی که از مکه دور نشده است، باید به مسجد الحرام

نماز طواف ۱۶۳

برگردد و نماز را در جای خودش بخواند، و اگر نمی‌تواند برگردد، کسی را وکیل بگیرد که نماز طواف را به جای آورد.

و اگر از مکه دور شده است و یا پس از رسیدن به وطن خود متوجه شود که نماز را نخوانده است، نماز را در هر جا که یادش آمد بخواند، و لازم نیست خودش به مکه برگردد یا کسی را وکیل بگیرد که در مسجدالحرام نماز را به جای آورد. و نیز اگر بعد از پایان وقت حج متوجه شود، نماز را در هر جای که یادش آمد بخواند.

مسأله ۳۹۸- جاهل به مسأله در احکامی که ذکر شد؛ با ناسی و فراموش کار فرق ندارد، چه جاهل مرکب باشد یا بسیط، قاصر باشد یا مقصر.

مسأله ۳۹۹- اگر نماز طواف را فراموش نمود و تا هنگام مرگ یادش نیامد و از دنیا رفت، بر ولی او واجب است آن را قضا نماید. هم چنین اگر به خاطر نداشتن حکم آن را ترک کرد و از دنیا رفت، قضای آن بر ولی او واجب است، هر چند شخص در یادگیری احکام کوتاهی کرده باشد.

مسأله ۴۰۰- بر هر مکلفی — خصوصاً کسی که به حج می‌رود — لازم است نماز و قرائتش را درست یاد بگیرد. اگر خطا و اشتباهی در آن هست آن را اصلاح نماید. با این حال اگر کوتاهی کرد، و آن را اصلاح ننمود تا اینکه وقت تنگ شود، در صورتی که می‌تواند، باید نماز طواف را به جماعت بخواند، و اگر نمی‌تواند، هم خودش باید نماز طواف را به جای آورد و هم نایب بگیرد.

۱۶۴..... مناسک حج

در صورتی که خطا و اشتباه در غیر قرائت حمد و سوره باشد، مخیر است که خودش نماز طواف را بخواند یا نایب بگیرد. واگر نمی‌تواند آن را صحیح بخواند، به هر صورتی که می‌تواند باید به جای آورد، هر چند بهتر است - در صورت توانایی - نماز را هم فرادا بخواند، هم به جماعت وهم نایب بگیرد.

مسأله ۴۰۱- اگر قرائتش اشتباه باشد و نداند که نماز طواف را اشتباه می‌خواند، نمازش صحیح است، هر چند در یادگیری احکام کوتاهی کرده باشد، به شرطی که جهل او مرکب باشد. بنابراین اگر بعد از نماز، یا هنگام نماز متوجه اشتباه شود، در صورتی که محل قرائت گذشته باشد، لازم نیست نماز را دوباره بخواند، و همچنین اگر جهل او بسیط است و به خاطر عذری جاهل مانده، اعاده نماز لازم نیست. البته چنانچه جهل بسیط او به خاطر کوتاهی باشد، چنانچه هنگام نماز و یا بعد از آن متوجه شود، واجب است نماز را دوباره بخواند.

آداب و مستحبات نماز طواف

مسأله ۴۰۲- مستحب است در رکعت اول نماز طواف سوره توحید و در رکعت دوم سوره جحد (کافرون) را قرائت کند. سپس تشهد بخواند و بعد از نماز حمد و ثنای الهی را به جای آورده، و بر محمد و آل او درود بفرستد، و از خداوند بخواهد که عملش را قبول کند. و همچنین مستحب است بعد از نماز این دعا را بخواند:

« اللهم ارحمني بطواعيتي اياك، وطواعيتي رسولك ﷺ اللهم جنبني ان اتعدى حدودك، واجعلني ممن يحب رسولك وملائكتك وعبادك والصالحين. »

پس از آن به سجده رود و بگوید: «سجد وجهی لک تعبداً ورقاً، لا اله الا انت حقا حقاً، الاول قبل کل شیء، والآخر بعد کل شیء وها أنا ذابین یدیک، ناصیتی بیدک، واغفر لی انه لا یغفر الذنب العظیم غیرک فاغفر لی فانی مقر بذنوبی علی نفسی، ولا یدفع الذنب العظیم غیرک».

سعی

مسأله ۴۰۳ — چهارمین واجب عمره تمتع سعی بین صفا و مروه است. صفا و مروه دو کوهی است در کنار مسجد الحرام که بین شان مسافتی نزدیک به چهارصد متر است. در سعی نیت معتبر است که همراه قصد قربت و اخلاص و اسم خاص آن مشخص باشد، و به گونه ای نیت کند که مشخص شود سعی مربوط به چه حج است. و اگر از طرف کسی نایب است، اسم آن شخص را بیاورد. و چنانچه حج واجب باشد آوردن کلمه (حجت الاسلام) لازم است.

مسأله ۴۰۴ — در سعی طهارت از حدث، خبث، ستر عورت و ختنه شرط نیست.

مسأله ۴۰۵ — سعی با حرکت از اولین جزء صفا به سمت مروه آغاز و از مروه به جانب صفا ادامه می یابد. رفتن و آمدن بین صفا و مروه هفت بار باید

۱۶۶..... مناسک حج

ادامه یابد، و هر مرتبه آن یک شوط است. بنابراین چهار مرتبه حرکت از صفا به جانب مروه است، و سه بار برگشت از مروه به جانب صفا و پایان سعی در مروه خواهد بود. رعایت موالات عرفی بین شوطهای سعی معتبر است. در سعی بالارفتن به کوهی که از یک طرف صفا و از سوی دیگر مروه است واجب نیست. سعی از طبقه بالا — همانند طبقه پایین — درست است و کفایت می‌کند.

مسأله ۴۰۶ — هنگام رفتن به سمت مروه باید آن را روبروی خود قرار دهد همچنانکه هنگام بازگشت به صفا آن را نیز روبروی خود قرار دهد. بنابراین اگر عقب عقب برود، یا به پهلوئی راست یا چپ حرکت کند، کافی نیست و سعی باطل است. ولی توجه به چپ یا راست و یا پشت سر هنگام رفت و آمد اشکال ندارد. و لازم است سعی از آغاز تا پایان در همان مسیر باشد. بنابراین اگر در وسط راه از محل سعی خارج شود و به مسجد الحرام یا جای دیگر برود، و از آنجا به مروه یا صفا بیاید کافی نیست، البته حرکت در خط مستقیم واجب نیست.

مسأله ۴۰۷ — زمان سعی بین صفا و مروه پس از طواف و نماز طواف است. بنابراین اگر عمدا و از روی توجه آن را بر طواف و نماز مقدم کرد، سعی باطل است، و باید بعد از طواف و نماز اعاده کند. و اگر طوف را فراموش کرد، و بعد از سعی یادش آمد، طواف را انجام دهد و اعاده سعی واجب نیست، حکم کسی که طواف یا بعضی از شوطهای آن را فراموش کرده و هنگام سعی متوجه شود، در احکام طواف بیان شد.

سعی ۱۶۷

مسأله ۴۰۸— کسی که سعی را از مروه آغاز کرده است، چه در شوط اول باشد یا در شوط‌های دیگر، عمداً وبا آگاهی این کار را کرده باشد، یا به خاطر ندانستن حکم ویا از روی فراموشی، باید آن را لغو کند، و سعی را از صفا شروع نموده و به مروه ختم کند.

مسأله ۴۰۹— واجب است سعی را خود شخص انجام دهد. و در صورتی که می‌تواند آن را انجام دهد، نباید نایب بگیرد و لازم نیست سعی را پیاده انجام دهد و می‌تواند سواره آن را انجام دهد، ویا توسط افراد دیگر جابجا شود. و چنانچه از همه این موارد ناتوان بود، نایب بگیرد.

مسأله ۴۱۰— نشستن بر صفا، و مروه ویا بین صفا و مروه برای استراحت، به شرطی که آن قدر طولانی نشود که موالات عرفی از بین برود، جایز است. چنانچه می‌تواند برای نوشیدن آب، تطهیر چیزی و یا مانند آن، که به موالات عرفی ضرر نمی‌زند، سعی را قطع کند.

احکام سعی

مسأله ۴۱۱— اگر سعی را عمداً ترک کند و بداند که واجب است یا نداند، ویا از دست رفتن فرصت پیش از وقوف در عرفات نتواند آن را بجای آورد، عمره و حج اوباطل است.

مسأله ۴۱۲— اگر به خاطر فراموشی سعی را ترک کند، هر وقت یادش آمد، باید انجام دهد، هر چند بعد از فراغت از اعمال حج باشد، و اگر نمی‌تواند خودش انجام دهد، یا به زحمت و مشقت می‌افتد، نایب بگیرد.

۱۶۸..... مناسک حج

مسأله ۴۱۳- اگر شخصی خودش نمی تواند سعی را انجام دهد، حتی سواره و یا توسط دیگران - چنانچه گذشت - باید نایب بگیرد.

مسأله ۴۱۴- پس از طواف و نماز، تأخیر انداختن سعی به مدت چند ساعت بدون اینکه در انجام سعی سختی و مشقتی باشد، جایز است. اما با اختیار تأخیر انداختن سعی تا فردا جایز نیست. اگر عمداً و با توجه تا فردا تأخیر بیندازد، سعی باطل است.

مسأله ۴۱۵- اگر در سعی عمداً و با توجه و به قصد این که جزء سعی هست زیاد کند، مانند شوط هشتم، نهم و ... سعی باطل است. اما اگر شوط زیادی را به عنوان عمل جداگانه انجام دهد، هر چند به دنبال سعی باشد، اشکال ندارد. و اگر در سعی سهواً و یا به خاطر ندانستن مسأله زیاد کند، سعی باطل نیست.

مسأله ۴۱۶- اگر از روی خطا و اشتباه در سعی زیاد کند، سعی درست است. و آن چه زیاد است - خود یک شوط کامل باشد یا بیشتر - مستحب است آن را ادامه دهد تا یک سعی کامل دیگر انجام شود.

مسأله ۴۱۷- اگر شوطهای سعی را عمداً کم کند، چه حکم را بداند یا نداند، و تا زمان وقوف در عرفات نتواند آن را جبران کند، حج او باطل است، و باید در سال آینده آن را اعاده کند. نه اینکه حج تمتع او به حج افراد بدل شود، زیرا با بطلان حج، احرام نیز باطل می شود.

مسأله ۴۱۸- اگر از روی فراموشی سعی را کم کند، هر وقت یادش بیاید و مقدار شوط فراموش شده را هم بداند، باید آن را تکمیل نماید، و اگر بعد از

احکام سعی ۱۶۹

اتمام اعمال حج یا پس از بازگشت به شهر خود متوجه شود، در صورتی که می‌تواند، باید برگردد و سعی را کامل کند، و اگر نمیتواند برگردد، نایب بگیرد، و بهتر است خودش سعی کاملی را به قصدی که شامل کامل نمودن سعی ناتمام و یک سعی جدید، انجام دهد. و فرق ندارد شوط‌های فراموش شده بعد از اتمام شوط چهارم باشد، یا پیش از آن، و در صورتی که شوط فراموش شده را نداند، سعی باطل است و باید سعی کاملی را از نو بجا آورد.

مسأله ۴۱۹— اگر در عمره تمتع از روی فراموشی سعی را کم کند، سپس به اعتقاد اینکه از سعی فارغ شده است از احرام خارج شود، باید یک گاو کفاره دهد. و فرق نمی‌کند خروج از احرام با چیدن ناخن باشد، یا کوتاه کردن موی سر و یا کارهای دیگر، و در این صورت اگر مقدار شوط فراموش شده را می‌داند، باید آن را تکمیل کند، و اگر نمی‌داند دوباره سعی کامل به جای آورد.

مسأله ۴۲۰— اگر بعد از تقصیر در زیاد و کم شدن سعی یا کم شدن آن شک کند، با احتمال اینکه در هنگام سعی متوجه این گونه امور بوده است، سعی درست است و نباید به شک خود اعتنا کند. و همچنین اگر در مروه باشد و شک کند که این شوط، شوط هفتم است یا نهم، نباید به شک خود اعتنا کند، و سعی درست است و در غیر این دو صورت، شک در عدد شوط‌ها — از هر نوع و شکل باشد — سعی را باطل می‌کند، بنابراین مکلف در حفظ و به یاد داشتن عدد شوط‌ها دقت و کوشش نماید.

آداب و مستحبات سعی

مسأله ۴۲۱— مستحب است بالای صفا رود و رو را به طرف کعبه نماید و متوجه رکنی شود که حجرالاسود در آنجاست. و حمد و ثنای خداوند را به جای آورده و نعمت‌های او را ذکر کند، پس از آن این ذکرها را بگوید:

الله اکبر (هفت مرتبه)، الحمد لله (هفت مرتبه)، لاله الا الله (هفت مرتبه)، لاله الا الله وحده لا شریک له له الملك وله الحمد یحیی و یمیت وهو حی لایموت وهو علی کل شیء قدیر». (سه مرتبه) سپس بر محمد و آل او درود بفرستد و بگوید: «الله اکبر الحمد لله علی ما هدانا، والحمد لله علی ما أولانا، والحمد لله الحی القيوم، والقیوم والحمد لله الحی الدائم». (سه مرتبه) و «اشهد ان لا اله الا الله واشهد ان محمدا عبده ورسوله، ولانعبده الا اياه مخلصین له الدین ولو کره المشرکون». (سه مرتبه) و «اللهم انی اسألك العفو و العافیة والیقین فی الدنیا و الاخرة» (سه مرتبه) «اللهم آتنا فی الدنیا حسنة و فی الاخرة حسنة و قنا عذاب النار» (سه مرتبه) پس از آن صد مرتبه الله اکبر و صد مرتبه لا اله الا الله و صد مرتبه الحمد لله و صد مرتبه دیگر سبحان الله بگوید و بعد این دعا را بخواند: «لا اله الا الله وحده، أنجز وعده و نصر عبده، و غلب الأحزاب وحده. فله الملك وله الحمد، وحده وحده، الله بارک لی فی الموت و فیما بعد الموت. اللهم انی أعوذ بک من ظلمة القبر و وحشته، اللهم أظننی فی ظل

عرشک یوم لا ظل إلا ظلك» و دین و خود (واهل و عیالش را) به خدا بسپارد و این کار را زیاد کند و سپس بگوید:

« أستودع الله الرحمن الرحيم الذي لا يضيع ودائعه ديني ونفسي وأهلي اللهم استعملني على كتابك وسنة نبيك وتوفني على ملته وأعدني من الفتنة » .

پس از آن تکبیر بگوید (سه مرتبه) آن گاه دعا را دوبار تکرار کند و در پایان یکبار تکبیر بگوید و بار دیگر تکرار نماید. اگر نمی تواند همه دعا را بخواند، به هر مقدار که می تواند عمل کند.

در روایتی آمده است:

هنگامی که بالای صفا رفت، رو را به طرف کعبه نموده، دستها را به دعا بلند کند و بگوید: «اللهم اغفر لي كل ذنب أذنبته قط، فان عدت فعد علي بالمغفرة، فإنك أنت الغفور الرحيم، اللهم افعلي بي ما أنت أهله فإنك ان تفعل بي ما أنت أهله ترحمني، وان تعذبني فأنت غني عن عذابي، وأنا محتاج إلي رحمتك، فيا من أنا محتاج إلي رحمة ارحمني، لا تفعل بي ما أنا أهله، فإنك إن تفعل بي ما أنا أهله تعذبني ولن تظلمني، أصبحت اتقي عدلك، وأخاف جورك، فيا من هو عدل لا يجور ارحمني».

مستحب است سعی را پیاده انجام دهد، واز صفا تا مناره اولی با متانت و آرامی و خضوع و خشوع قدم بردارد، واز آنجا تا مناره دیگر تند رود. واز آنجا تا مروه باز با متانت و آرامی حرکت کند تا اینکه روی مروه بالا رود. ویر مروه همان اعمالی را انجام دهد که بالای صفا انجام داده بود.

تقصیر

مسأله ۴۲۲— تقصیر پنجمین و آخرین واجب عمره تمتع است، و به این معنی است که مقداری از ناخن دست یا پا، یا مقداری از موی سر یا ریش و یا سیل را برای بیرون شدن از عمره تمتع حجت الاسلام با نیت الی الله کوتاه کند، کندن مو یا تراشیدن سر کفایت نمی کند بلکه تراشیدن سر حرام است.

مسأله ۴۲۳— تقصیر باید بعد از سعی باشد، و لازم نیست فوراً انجام گیرد، و در هر جایی که بخواهد می تواند آن را انجام دهد، در محل سعی باشد، یا در منزل و یا جای دیگر.

مسأله ۴۲۴— کسی که عمداً تقصیر را ترک کرده و برای حج احرام بسته است — چه حکم را بداند یا نداند — عمره او باطل است، و حج تمتع او به حج افراد بدل می شود که باید بعد از حج افراد عمره مفرده به جای آورد. حج افراد به جای حج تمتع کفایت می کند، هر چند خوب است از باب احتیاط سال آینده حج تمتع را اعاده کند.

مسأله ۴۲۵— کسی که تقصیر را فراموش کرده و برای حج احرام بسته است، عمره او صحیح است و از باب احتیاط یک گوسفند کفاره دهد.

مسأله ۴۲۶— پس از آنکه مُحْرَم — زن باشد یا مرد — در عمره تمتع تقصیر کرد، تمام چیزهایی که به سبب احرام بر او حرام شده بود — جز تراشیدن سر — حلال می شود. اگر عمره تمتع را در ماه شوال انجام داده باشد

تقصیر..... ۱۷۳

تا سی روز بعد از عید سعید فطر می‌تواند سر را بتراشد. اما اگر در ماه ذی القعدة و بعد آن به جای آورده باشد، نباید سر را بتراشد، و اگر عمداً و از روی توجه سر را تراشید، باید یک گوسفند کفاره دهد. اما اگر به خاطر ندانستن حکم سر را بتراشد، کفاره بر او نیست، در عمره تمتع وظیفه تقصیر است، حتی اگر موهای سر به هم چسبیده یا به هم بافته باشد.

مسأله ۴۲۷— اگر مرد بعد از سعی و پیش از تقصیر به خاطر ندانستن حکم با زنش جماع کند، باید یک شتر ماده یا نر کفاره دهد.

مسأله ۴۲۸— تقصیر پیش از انجام سعی حرام است. اگر عمداً و با آگاهی تقصیر کند باید کفاره دهد. اما اگر سهواً یا به خاطر ندانستن حکم انجام داده، کفاره واجب نیست.

مسأله ۴۲۹— در عمره تمتع طواف نساء واجب نیست. اگر آن را به نیت رجاء انجام دهد اشکال ندارد.

احرام حج

مسأله ۴۳۰— احرام اولین واجب حج تمتع است. نحوه احرام و ویژگیهای آن به ترتیب زیر بیان می‌شود:

۱- در احرام نیت کامل همراه با قصد قربت و اخلاص معتبر است.

مثلاً نیت کند که:

۱۷۴..... مناسک حج

برای حج تمتع حجت الاسلام احرام می‌بندم الی الله یا مانند آن .
و اگر نایب است، اسم او را بیاورد، اگر حج مستحبی است کلمه (حجت
الاسلام) ساقط می‌شود.

۲— احرام حج مانند احرام عمره تمتع است، و جز نیت هیچ تفاوتی با هم
ندارند.

۳— احرام حج را باید در شهر مکه ببندد. و در هر نقطه این شهر که احرام
ببندد — حتی در قسمت‌هایی که جدیداً به وجود آمده و جزء شهر مکه به
حساب می‌آید — جایز و کافی است. اما احرام از محله‌ها و یا نقطه‌های
دیگری که عنوان واسم خاصی دارد و جزء شهر مکه به حساب نمی‌آید —
هر چند به خاطر توسعه شهر مکه به آن وصل شده است — جایز نیست.

۴— واجب است که پیش از زوال روز نهم ذی الحجت احرام
ببندد تا بتواند وقوف واجب در عرفات را درک کند. و نباید احرام را تا بعد
از زوال تأخیر اندازد.

اگر احرام را تا بعد از زوال روز نهم به قدری تأخیر بیاندازد که تنها
مسمی وقوف در عرفات را درک کند، گناه کرده است. هر چند حج
اوصحیح است. و بهتر است روز هشتم ذی الحجت احرام ببندد، اگر
چه می‌تواند یک یا دو و یا سه روز قبل از هشتم ذی الحجت احرام
ببندد. و فرق ندارد شخص، سالم باشد یا بیمار، پیر باشد یا جوان، مرد باشد
یا زن. البته اگر بعد از فراغت از عمره تمتع به خاطر ضرورتی، و یا بدون
آن، بخواهد از مکه خارج شود و مطمئن باشد که زمان حج را از دست

احرام حج ۱۷۵

نخواهد داد، می‌تواند از مکه بیرون رود. و بهتر است که احرام ببندد و با احرام بیرون رود. هر چند پیش از ماه ذی الحجت باشد.

و اگر سهواً و یا به خاطر ندانستن حکم در اول ذی الحجت یا پیش از آن احرام ببندد، احرام او صحیح است.

بعید نیست که جایز باشد در اثنای اعمال حج برای عمره مفرده احرام ببندد، و اگر دو یا سه روز زودتر از روز ترویبه (هشتم ذی الحجت) برای حج احرام بسته باشد، می‌تواند برای عمره مفرده احرام ببندد و آن را انجام دهد، سپس برای اعمال حج به عرفات برود.

۵- اگر سهواً و یا به خاطر ندانستن حکم احرام نبندد و از مکه بیرون رود، و پیش از رسیدن به عرفات متوجه شود، باید برگردد و در مکه احرام ببندد. اما اگر به خاطر کمی وقت و یا عذر دیگر نتواند برگردد، در همان جا احرام ببندد، و اگر پس از رسیدن به عرفات متوجه شود که می‌تواند برگردد، واجب نیست به مکه برگردد، بلکه همانجا احرام می‌بندد. گرچه بهتر است که در این صورت هم برگردد و در مکه احرام ببندد و دوباره به عرفات برگردد.

اگر پس از مدتی توقف در عرفات متوجه شود، یا حکم را بداند، لازم نیست برگردد، هر چند که می‌تواند به مکه برگردد، بلکه در همان جا احرام می‌بندد، و اگر تا پایان اعمال حج یادش نیامد، یا حکم را ندانست، حج او صحیح است و کفاره هم ندارد.

۱۷۶..... مناسک حج

۶— اگر عمداً وبا آگاهی از حکم شرعی، احرام را ترک کند، باید آن را جبران نماید، و اگر پیش از وقوف در عرفات احرام ببندد، حج او صحیح است، و اما اگر پیش از وقوف در عرفات نتواند آن را جبران کند، حج باطل است، و سال آینده باید اعاده کند.

۷— کسی که برای حج تمتع احرام بست، بنا بر احتیاط پیش از رفتن به عرفات نباید طواف مستحبی انجام دهد، و اگر انجام داد، بعد از طواف مستحبی (تلبیه) را مجدداً بگوید.

آداب احرام حج

مسأله ۴۳۱— احرام حج و آداب و مستحبات آن همانند احرام عمره است که قبلاً بیان شد.

کسی که برای حج احرام بسته و از مکه خارج شده است، با رسیدن به «ابطح» مستحب است با صدای بلند لبیک بگوید. و زمانی که به سمت منی حرکت کرد با متانت و آرامی حرکت کرده و بگوید: «اللهم ایاک ارجوا، و ایاک ادعوا، و بلغنی املی، و اصلح لی عملی» با رسیدن به منی بگوید: «الحمد لله الذی اقدمنیها صالحاً فی عافیه، و بلغنی هذا المكان» سپس بگوید: «اللهم هذه منی، و هی مما مننت به علینا من المناسک فأسألک ان تمن علی بما مننت به علی انبیائک، فانما انا عبدک فی قبضتک» و مستحب است شب عرفه در منی بماند و تا صبح به عبادت خداوند - خصوصاً نماز خواندن در مسجد خیف - بگذراند.

احرام حج ۱۷۷

باطلوع فجر نماز صبح را در منی بخواند و تا برآمدن آفتاب به تعقیبات بپردازد، پس از طلوع آفتاب به سوی عرفات حرکت نموده و از وادی محسر عبور نماید. و اگر پیش از طلوع آفتاب از وادی محسر نگذرد و خروج پیش از طلوع فجر از منی مکروه است، ولی اگر خارج شود گناه نکرده است. اما اگر از مکه به سوی عرفات برود اشکال ندارد. چنانچه امروزه غالباً حجاج چنین می کنند.

با حرکت به سمت عرفات این دعا را بخواند: « اللهم إلیک صمدت و إلیک اعتمدت و وجهک أردت فأسألك أن تبارک لی فی رحلتی وأن تقضی لی حاجتی وأن تجعلی الیوم ممن تباهی به من هو أفضل منی»
پس از آن مرتب لبیک بگوید تا به عرفات برسد.

وقوف در عرفات

مسأله ۴۳۲- دومین واجب حج تمتع، وقوف در عرفات است. مقصود از وقوف «بودن» در عرفات است، سواره باشد یا پیاده، ایستاده باشد یا نشسته و یا در هر حالت دیگر.

مسأله ۴۳۳- بیشترین فاصله عرفات از شهر قدیمی مکه حدود بیست و دو کیلومتر است، و این مقدار بیشترین مسافتی است که حاجی با خروج از مکه باید آن را قصد کند. عرفات صحرای بزرگی است بیرون حرم که به حرم متصل است، و در میان عرفات و مشعرالحرام منطقه‌ای به اسم «مأزمین» واقع است.

۱۷۸..... مناسک حج

در روایات محل وقوف در عرفات را با نقاطی که در آن زمان مشخص و شناخته شده بوده معین کرده است. مانند: بطن عنقه، ثوبه، و در نمره و ذی المجاز. بعضی از این اسامی هم اکنون نیز موجود است، و در نقشه‌های مخصوص عرفات آمده است. چنانچه مسجد نمره هم اکنون موجود و مشخص است. امروزه محل وقوف در عرفات با علائم و نشانه‌های که در اطراف آن قرار داده، روشن و مشخص است.

وقوف باید در درون مناطق محل وقوف باشد یعنی مناطق و مکانهای مذکور از حدود محل وقوف (موقف) شمرده شوند ولی جزء موقف به حساب نمی‌آیند به همین جهت وقوف در خود مکانهای مذکور جایز نیست، و فرق ندارد که در کوه باشد یا بیابان، هر چند بهتر است که در دامنه کوه از سمت چپ باشد.

مسأله ۴۳۴— زمان وقوف اختیاری در عرفات از زوال روز نهم ذی الحجت تا غروب همان روز است. وقوف در تمام این مدت واجب است، و اگر آن را ترک کند، و تنها مدت کوتاهی را در عرفات بماند، گناه کرده است، ولی حج او درست است. البته اگر وقوف در عرفات را حتی در مدت کوتاهی از روی عمد و توجه یا به خاطر ندانستن حکم که در آن معذور نیست ترک کند، حج ابطال است.

مسأله ۴۳۵— برای وقوف در عرفات نیت کامل و واضح همراه با قصد قربت و اخلاص لازم است. و در نیت باید مشخص کند که وقوف مربوط به چه نوع حج است. حج تمتع است یا افراد، واجب است یا مستحب، برای

وقوف در عرفات ۱۷۹

خودش هست یا دیگری، و اگر از طرف کسی نایب است اسم او را بیاورد.

و اگر حج مستحبی است کلمه (حجت الاسلام) لازم نیست.

اگر در تمام این مدت در عرفات، خواب، بیهوش و یادیوانه باشد، وقوف در عرفات محقق نمی‌شود.

مسئله ۴۳۶ — جایز نیست که حاجی عمداً و از روی توجه پیش از غروب آفتاب از عرفات کوچ کند. و اگر کوچ کرد، حج اوباطل نمی‌شود، ولی گناه کرده و باید یک شتر پنج ساله کفاره دهد که در روز عید آن را در منی نحر کند، و اگر نمی‌تواند، هجده روز روزه بگیرد، و فرق ندارد در مکه روزه بگیرد یا در راه و یا در شهر خود، و موالات در آن شرط نیست، و اگر از کوچ کردن پشیمان شد و برگشت، کفاره ندارد و اگر سهواً یا به خاطر ندانستن حکم پیش از غروب آفتاب کوچ کرد، هر وقت متوجه شد، یا حکم را فهمید و می‌توانست برگردد، باید برگردد، چنانچه برنگشت، ظاهراً کفاره ندارد. و حج اوصحیح است، و اگر نتوانست برگردد، حج او درست و کفاره ندارد. و اگر پیش از غروب آفتاب، نه به قصد کوچ کردن، از عرفات بیرون رود و قصد و اطمینان داشته باشد که پیش از غروب آفتاب برمی‌گردد، رفتن اشکال دارد.

مسئله ۴۳۷ — کسی که به هر دلیل موجه وقوف اختیاری در عرفات را نتواند درک کند، واجب است وقوف اضطراری را به جای آورد. یعنی قسمتی از شب عید قربان را در عرفات توقف کند. در این صورت حج او صحیح است و کفاره ندارد.

۱۸۰..... مناسک حج

مسأله ۴۳۸— اگر برای قاضی اهل سنت اول ماه ذی الحجه ثابت شود، وبه اول ماه حکم نماید، ولی نزد شیعه ثابت نشود؛ این مسأله چندصورت دارد که به ترتیب زیر بیان می‌شود:

۱— احتمال دهد حکم او مطابق واقع باشد، که در این صورت متابعت از او واجب است، و باید همراه برادران اهل سنت به عرفات برود، هرچند مورد تقیه هم نباشد، نباید با آنها مخالفت نماید. اگر با آنها مخالفت نموده و روز بعد به عرفات رفت، وقوف او اشکال دارد. زیرا وظیفه واقعی او وقوف با برادران اهل سنت بوده است، نه در روز بعد که آن نیز مشکوک است.

۲— اگر بداند که حکم او مطابق واقع نیست وبه خاطر تقیه نمی‌تواند مخالفت نماید، واجب است از آنها متابعت نموده و با آنها به عرفات برود، وبعید نیست که این وقوف در عرفات برای حج کافی باشد، هر چند احوط آن است که سال آینده آن را اعاده کند.

۳— اگر تقیه نباشد وبدون ترس واحساس خطر و به صورت عادی می‌تواند روز بعد وقوف را به جای آورد، احتیاط واجب آن است که — اگر می‌تواند — بین وقوف با اهل سنت ووقوف روز بعد جمع نماید.

و اگر نمی‌تواند جمع کند، با اهل سنت وقوف را انجام دهد واز باب احتیاط وجوبی — در صورت فراهم شدن شرایط — سال آینده حج را اعاده کند.

۴— اگر وقوف مخالف تقیه باشد، مبعوض است. و تقرب به خداوند با آن ممکن نیست. بنابراین نباید مخالف اهل سنت عمل کرد.

آداب و مستحبات وقوف در عرفات

مسأله ۴۳۹— روز عرفه، روز دعا و زاری و خضوع و خشوع در پیشگاه خداوند است. در حدیث آمده است: «انما تعجل الصلاة وتجمع بينهما لتفرغ نفسك للدعاء، فانه يوم دعا و مسألة» (نماز را سریع و یکجا بخوانید تا وقت بیشتر برای دعا داشته باشید، زیرا این روز، روز دعا است).
وقوف در عرفات آداب و مستحباتی دارد که به ترتیب بیان می‌شود:
۱- مستحب است با وضو باشد.

۲— با آرامی و متانت به محل وقوف بیاید، حمد و تهلیل خداوند نموده و مجد و ثنای او را به جای آورد و سپس بگوید: الله اکبر (صد مرتبه)، الحمد لله (صد مرتبه)، سبحان الله (صد مرتبه)، پس از آن صد مرتبه سوره توحید بخواند، سپس هر دعایی که دوست دارد بخواند.

۳— در دعا جدیت و تلاش ورزد، زیرا که این روز، روز دعا و خواستن است. و از شیطان به خداوند پناه ببرد، زیرا شیطان هیچ جایی را به مانند این جا که تورا از یاد خداوند غافل کند دوست ندارد.

۴- متوجه خودش باشد و این دعاها را بخواند:

« اللهم إني عبدك فلا تجعلني من أخيب وفدك وارحم مسيري
إليك من الفج العميق»

«اللهم رب المشاعر كلها، فك رقبتي من النار، و اوسع علي من
رزقك الحلال، و ادرأ عني شر فسقة الجن و الانس، اللهم لا تمكر

۱۸۲..... مناسک حج

بی، ولا تخذعنی، ولا تستدرجنی، اللهم إني أسألك بحولك وجودك
وكرمك وفضلک ومنک، یا اسمع السامعین، ویا ابصر الناظرین، و یا
اسرع الحاسبین، ویا ارحم الراحمین، ان تصلى على محمد وآل محمد.
وأن تفعل بی کذا وکذا».

به جای ان تفعل بی کذا وکذا حاجات خود را طلب کند، پس از آن رو
را به جانب آسمان نموده و بخواند: «اللهم حاجتی إليك التي إن أعطيتها
لم يضرني ما منعتني، والتي إن منعتها لم ينفعني ما أعطيتها، أسألك
خلاص رقبتي من النار، اللهم إني عبدك وملك يدك، ناصيتي بيدك
وأجلى بعلمك، أسألك أن توفقني لما يرضيك عني وأن تسلم مني
مناسکی التي أريتها خليلك إبراهيم صلواتك عليه ودلت عليها نبيك
محمد. اللهم اجعلني ممن رضيت عمله وأطلت عمره وأحيطه بعد
الموت حياة طيبة».

۵— این دعا را بخواند که حضرت پیامبر آن را به عنوان دعای عرفه به
علیؑ تعلیم داد و فرمود که؛ این دعای پیامبران پیش از من بوده است: «لا
اله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك وله الحمد، يحيى ويميت ويميت
ويحيى وهو حي لا يموت بيده الخير وهو على كل شيء قدير، اللهم لك
الحمد أنت كما تقول وخير ما يقول القائلون، اللهم لك صلاتي ودينی
ومحياي ومماتي، ولك تراثي وبك حولي ومنك قوتي، اللهم اني أعوذ
بك من الفقر، ومن وسواس الصدر، ومن شتات الأمر، ومن عذاب النار،

وقوف در عرفات ۱۸۳

ومن عذاب القبر، اللهم إني أسألك من خير ما يأتي به الرياح، وأعوذ بك من شر ما يأتي به الرياح، وأسألك خير الليل وخير النهار.»

در حدیث آمده است که رسول خدا (p) در عرفات بود و هنگام نزدیک شدن غروب آفتاب فرمود: «اللهم انی اعوذ بک من الفقر و من تشتت الامر، و من شر ما يحدث باللیل والنهار، امسى ظلمى مستجيراً بعفوك، وامسى وجهى الفانى مستجيراً بوجهك الباقي، ياخير من سئل، ويا اجود من اعطى، جللنى برحمتك.» پس از آن حاجات خود را بخواهد.

ع— در حدیث آمده است: زمانی که آفتاب روز عرفه غروب کند، این دعا را بخواند:

« اللهم لا تجعله آخر العهد من هذا الموقف وارزقنيه من قابل أبدا ما أبقيتني و اقلبني اليوم مفلحا منجحا مستجابا لي مرحوما مغفورا لي بأفضل ما ينقلب به اليوم أحد من وفدك و حجاج بيتك الحرام واجعلني اليوم من أكرم وفدك عليك و أعطني أفضل ما أعطيت أحدا منهم من الخير و البركة و الرحمة و الرضوان و المغفرة و بارك لي فيما أرجع إليه من أهل أو مال أو قليل أو كثير و بارك لهم في.»

۷— شایسته است حجاج در این روز هر دعایی که دوست دارند بخوانند، واز دعاهاى منقول دعای عرفه امام حسین (ع) و دعای امام زین العابدین (ع) را بخواند.

وقوف در مشعر

مسأله ۴۴۰— وقوف در مشعرالحرام سومین واجب حج تمتع است. مشعرالحرام اسمی است بر دره‌ای وسیع به نام (مزدلفه) که از شهر قدیمی مکه حدود ده کیلومتر فاصله دارد، و داخل حرم است. واجب است بعد از کوچ از عرفات در آن توقف کند. مراد از وقوف (بودن) در مشعرالحرام است، و فرق ندارد خواب باشد یا بیدار. محل وقوف در مشعرالحرام طولاً از مآزمین است تا وادی محسر، و خوداین دونقطه جزء محل وقوف نیست. البته در هنگام ازدحام یا تنگی وقت وقوف در مآزمین اشکال ندارد.

مسأله ۴۴۱— برای وقوف در مشعرالحرام نیت کامل و واضح با قصد قربت معتبر است، مثلاً اگر نیت کند: توقف می‌کنم در مشعرالحرام از طلوع فجر تا طلوع آفتاب برای حج تمتع از حجت الاسلام الی الله. کفایت می‌کند، و اگر نایب باشد، باید اسم او را بیاورد، و اگر حج مستحبی باشد آوردن (حجت الاسلام) لازم نیست.

مسأله ۴۴۲— مشهور است میان علماء که پیش از برآمدن آفتاب بیرون شدن از مشعرالحرام جایز نیست. ولی خارج شدن از مشعرالحرام قبل از طلوع آفتاب، به اندازه‌ای که تا از وادی محسر بگذرد آفتاب طلوع نماید، اشکال ندارد.

مسأله ۴۴۳— کسی که از عرفات به جانب مشعرالحرام کوچ کرده، واجب نیست که شب دهم ذی الحجت در مشعر بماند. آن چه

وقوف در مشعر ۱۸۵
واجب است، حضور او در مشعر الحرام بین طلوع فجر تا برآمدن آفتاب
است.

مسأله ۴۴۴— وقوف در مشعر الحرام از طلوع فجر روز دهم ذی
الحجّت تا طلوع آفتاب همان روز واجب است. این وقوف را وقوف
اختیاری گویند. اگر قسمتی از این مدت را توقف کند حج او صحیح است
و اشکال ندارد. و اگر مدت کمی از شب دهم ذی الحجّت را در
مشعر بماند، و وقوف مابین الطلوعین را عمداً و با دانستن مسأله ترک کند،
گناه کرده است و باید یک شتر نر کفاره دهد، و بنا بر اقرب حج او صحیح
است. و اگر حکم را نمی‌داند، باید یک گوسفند کفاره دهد، و اگر مدت
کوتاهی بعد از طلوع فجر در مشعر بماند و عمداً پیش از طلوع آفتاب خارج
شود، چنانچه حکم را نداند، اشکال ندارد، هر چند که اگر جهل به
خاطر کوتاهی بوده گناه کرده است. و اگر حکم را می‌داند، باید یک گوسفند
کفاره دهد.

مسأله ۴۴۵— وقوف بین الطلوعین در مشعر الحرام واجب است، اما
زنها، بچه‌ها، افرادی که از دشمن ترس دارند، افراد ضعیف مانند: پیرمردان
و بیماران از این حکم مستثنی هستند، و آنها پس از این که مدت کوتاهی از
شب دهم ذی الحجّت را در مشعر الحرام توقف کردند می‌توانند
پیش از طلوع فجر به سوی منی حرکت کرده و جمره عقبه را همان شب رمی
کنند.

۱۸۶..... مناسک حج

مسأله ۴۴۶- کسی که به خاطر فراموشی یا فراهم نشدن وسیله نقلیه ویا عذرهای دیگر نتواند وقوف اختیاری بین الطلوعین را در مشعر الحرام درک کند، باید وقوف اضطراری را انجام دهد؛ یعنی مدتی از زمان طلوع آفتاب تا ظهر روز دهم را در مشعر الحرام توقف نماید.

درک دو وقوف

مسأله ۴۴۷- چنانچه پیشتر بیان شد، هر کدام از وقوف در عرفات و مشعر دو وقت دارد:

یکی وقت اختیاری و دیگری وقت اضطراری.

وقت اختیاری وقوف در عرفات از زوال روز نهم ماه ذی الحجت تا غروب همان روز است. و وقت اضطراری آن شب دهم ذی الحجت تا طلوع فجر است. زمان اختیاری وقوف در مشعر الحرام از طلوع فجر روز دهم ذی الحجت تا طلوع آفتاب است، و وقت اضطراری آن از طلوع آفتاب تا زوال همان روز است.

مسأله ۴۴۸- درک نرکدن وقوف اختیاری در عرفات و مشعر الحرام چند صورت دارد که به ترتیب زیر بیان می‌شود:

۱- در عرفات و مشعر فقط وقوف اضطراری را درک کند، و از دست دادن وقوف اختیاری به خاطر سهل انگاری و اهمال نباشد، در این صورت حج اوصحیح است و گناه نکرده است، و اگر از دست دادن وقوف اختیاری به خاطر تسامح و اهمال باشد، حج او باطل و گناه کرده است، و درک وقوف اضطراری کفایت نمی‌کند. بلکه باید در سال آینده حج را اعاده کند.

۲— وقوف اضطراری عرفات و مشعر را نیز درک نکند. در این صورت حج باطل است، و با عدول از نیت، عمره مفرده انجام دهد. یعنی با همان احرام طواف عمره مفرده به جای آورد، نماز بخواند، سعی انجام دهد و حلق یا تقصیر نماید و دوباره به مسجدالحرام برگردد و طواف النساء و نماز طواف را انجام دهد. و عمره او با خارج شدن از احرام کامل می‌شود، و چیزهایی که با احرام حرام شده بود حلال می‌شود. البته عمره مفرده به جای حج کفایت نمی‌کند، و در صورتی که استطاعت او باقی باشد، یا دوباره مستطیع شود و یا حج در ذمه‌اش باشد، باید سال آینده حج را انجام دهد.

۳— وقت اختیاری عرفات و اضطراری مشعر الحرام را درک کند، یا برعکس، در این صورت حج او صحیح است و گناه هم نکرده است.

۴— اگر فقط وقوف اختیاری مشعر الحرام را درک کند، و وقوف در عرفات را اصلاً درک نکند. ظاهراً حج او صحیح است، و اگر برعکس شود، یعنی وقوف اختیاری عرفات را درک کند و به دلایلی وقوف در مشعرالحرام را اصلاً درک نکند، بعید نیست که حج او صحیح باشد.

هر چند احوط آن است که آن حج را کامل کند بعد از آن عمره مفرده را انجام دهد، و سال آینده دوباره به حج بیاید.

۵— وقوف اختیاری در عرفات را درک کند ولی در مشعر الحرام توقف ننماید، و از عرفات به منی برود، چنانچه جاهل به حکم باشد، در این صورت اگر در منی حکم را فهمید و می‌تواند برگردد و وقوف — حتی اضطراری — را درک کند، باید برگردد. و اگر در منی حکم را نفهمید، یا فهمید ولی نمی‌تواند

۱۸۸..... مناسک حج
برگردد و وقوف را درک کند، حج درست است و باید یک گوسفند کفاره دهد، و اگر حکم را می‌دانسته و در عرفات توقف نکرده است، ظاهراً حج او درست است، و باید یک شتر نر کفاره دهد.

۶— اگر فقط وقوف اضطراری در مشعر الحرام را درک کند و وقوف در عرفات را نه اختیاری و نه اضطراری درک نکند، یا تنها وقوف اضطراری در عرفات را درک کرده و وقوف در مشعر نه اختیاری و نه اضطراری را درک نکند، در هر دو صورت ظاهراً حج او صحیح نیست، و حج به عمره مفرده تبدیل می‌شود که با همان احرام عمره مفرده انجام دهد و از احرام خارج شود، و سال آینده دوباره حج را به جای آورد.

آداب و مستحبات وقوف در مشعر الحرام

مسأله ۴۴۹— وقوف در مشعر الحرام آداب و مستحباتی دارد که ترتیب آنها بصورت زیر است:

۱— مستحب است هنگام کوچ کرده از عرفات به سوی مشعر الحرام با متانت و آرامی گام بردارد و حالت تضرع داشته باشد، و از خداوند خیر دنیا و آخرت را بخواهد.

۲— بهتر است نماز مغرب و عشاء را به تأخیر بیاندازد، و پس از رسیدن به مشعر هر دو را یکجا با یک اذان و دو اقامه به جای آورد.

۳— در حدیث آمده است که شب مزدلفه (مشعر الحرام) را از دست ندهد و در آن شب بخواند: «اللهم هذه جمع، اللهم انی أسألك أن تجمع لی فیها جوامع الخیر، اللهم لا تؤیسنی من الخیر الذی سألتک أن تجمعه لی فی

آداب و مستحبات و قوف در مشعر الحرام..... ۱۸۹

قلبی، و اطلب إليك أن تعرفني ما عرفت أولياءك في منزلي هذا، وأن تقيني جوامع الشر».

وهر مقداری که می‌تواند آن شب را بیدار بماند، و به دعا و عبادت بپردازد. زیرا آسمان در آن شب برای صدای مناجات مومنین باز است. طنین مناجات آنها در آن شب بمانند آواز زنبوران است خداوند (در آن شب) می‌فرماید: «انا ربکم و انتم ادیتم حقّی، علی ان استجیب لکم»، «من پروردگار شما هستم و شما حق مرا ادا کردید، بر من است که دعای شما را اجابت کنم.» در آن شب گناهان هر که را بخواهد فرومی‌ریزد، و هر کدام را که بخواهد می‌بخشد.

۴ — مستحب است بعد از نماز صبح با طهارت به حمد و ثنای پروردگار بپردازد، و از نعمت‌ها و امتحان‌های الهی هر قدر می‌تواند یاد کند، و بر محمد و آل او درود بفرستد، و این دعا را بخواند: «اللهم رب المشعر الحرام فك رقبتي من النار، وأوسع علي من رزقك الحلال، وادراً عني شر فسقة الجن والإنس، اللهم أنت خير مطلوب إليه وخير مدعو وخير مسؤول ولكل وافد جائزة، فاجعل جائزتي في موطني هذا أن تقيلني عثرتي، وتقبل معذرتي، وأن تجاوز عن خطيئتي، ثم اجعل التقوى من الدنيا زادي».

اعمال روز عید سعید قربان

مسأله ۴۵۰— با طلوع آفتاب روز دهم ذی الحجت برنامه حاجیان در مشعر الحرام به پایان می‌رسد، و باید به سمت منی حرکت کنند. منی سرزمینی است که در جهت طول، یک طرف آن مکه عقبه قرار دارد، و در سمت مشعر الحرام وادی محسر، و در جهت عرض حدود مشخصی ندارد، و باید از افراد مطلع و آگاه آنجا پرسید. رفتن در نقاطی که شک دارد جزء منی هست یا نه، بعید نیست که جایز باشد.

رمی جمره

در روز عید قربان سه چیز در منی واجب است:

۱- رمی جمره عقبه.

۲- ذبح یا نحر.

۳- تراشیدن یا کوتاه کرده موی سو.

احکام هر یک به ترتیب و به دنبال هم می‌آید.

رمی جمره عقبه

مسأله ۴۵۱— چهارمین واجب از واجبات حج تمتع رمی جمره است، جمره عقبه نام حل خاصی است در منی و یکی از جمرات سه گانه می‌باشد. در روز عید فقط رمی جمره عقبه واجب است.

شرایط رمی جمره

اول — نیت: مثلا چنین بگوید: (هفت ریگ به جمره عقبه در حج تمتع از حجت الاسلام الی الله رمی می‌کنم). در صورتی که حج افراد باشد به جای حج تمتع آن را ذکر کند. واگر حج نیابتی باشد نام کسی را که از طرف او نایب شده در نیت بیاورد واگر حج مستحبی باشد کلمه حجت الاسلام در نیت ساقط می‌شود.

دوم — این که هفت بار رمی کند و کمتر از آن کافی نیست ولی بیشتر از آن اشکال ندارد. رمی اجسام دیگر به جای ریگ کفایت نمی‌کند.

سوم — این که انداختن ریگ‌ها باید یکی پس از دیگری باشد نه این که همه را به هم رمی کند.

چهارم — این که ریگها را رمی کند یعنی به سوی جمره بیندازد واگر نزدیک برود و ریگها را روی آن بگذارد کفایت نمی‌کند، و نیز اگر قبل از آن که به جمره برسد ریگها روی جمره بیفتد کفایت نمی‌کند، و در صورتی که ریگ را بیندازد و در مسیر به چیزی دیگری برخورد نماید و بعد به جمره اصابت کند کافی است، مگر این که آن چیز جسم سختی باشد و برخورد ریگ به جمره مستند به آن جسم سخت باشد نه به انداختن و رمی شخص، که در این صورت نیز کفایت نمی‌کند.

پنجم — این که رمی جمره باید بین طلوع و غروب خورشید روز دهم ذی الحجت انجام گیرد، ولی کسانی که کوچ کردن آنها از مشعر. در شب جائز است، رمی جمره نیز برای آنها در آن شب جایز می‌باشد، و

۱۹۲..... مناسک حج
همچنین بعید نیست که حلق و تقصیر برای آنها در همان شب جایز باشد ولی نمی‌توانند در آن شب قربانی نمایند بلکه قربانی باید در روز صورت گیرد مگر شخصی که می‌ترسد که چنین شخصی می‌تواند در شب از مشعر کوچک کند همچنانکه می‌تواند تمام اعمال روز عید را در همان شب عید انجام دهد.

مسأله ۴۵۲- اگر شک کند که ریگ به جمره اصابت کرده است یا نه، بنا بگذارد که اصابت نکرده و ریگ دیگری بیندازد تا یقین کند که به جمره اصابت کرده است، البته در صورتی که وارد واحبی شده باشد که مترتب بر رمی است و شک کند که ریگ به جمره اصابت کرده یا نه و یا بعد از دخول شب شک کند، نباید به آن شک اعتنا نماید.

مسأله ۴۵۳- ریگ‌ها باید از حرم برداشته شود به جز از مسجد الحرام و مسجد خیف، و ریگ‌ها باید بنا بر احتیاط مستحب بکر باشند یعنی علم به استفاده قبلی از آنها نداشته باشد.

مسأله ۴۵۴- رمی جمره از طبقه دوم جایز است.

مسأله ۴۵۵- اگر حاجی از روی فراموشی و یا از روی ندانستن حکم، رمی جمره را ترک کند و بعداً متوجه شود، چند صورت دارد:

اول: این که در همان روز عید متوجه شود، در این صورت فقط همان رمی را انجام دهد و اعاده بقیه اعمال حج از قبیل ذبح، حلق، یا تقصیر و طواف واجب نیست.

رمی جمره ۱۹۳

دوم: این که در شب یا روز یازدهم یادش بیاید، که در این صورت در روز یازدهم قضای آن را بجا آورد، ورمی قضا را بر رمی واجب به مدت یک ساعت مقدم بدارد، ولی احتیاط مستحب این است که انجام قضا را در صبح قرار دهد وادا را درظهر، واعاده اعمال حج که انجام داده واجب نیست. **سوم:** این که بعد از روز یازدهم و قبل از خروج از مکه یادش بیاید، در اینصورت واجب است که رمی را درخلال ایام تشریق که از روز یازدهم تا پایان روز سیزدهم انجام دهد، و اگر درمکه یادش بیاید، واجب است به منی برگشته ورمی کند و اگر بعد از ایام تشریق متوجه شود ودرمکه باشد، واجب است به منی مراجعت نموده ورمی را انجام دهد.

چهارم: این که بعد از خروج از مکه در حالی که راهی بلادش گردیده یادش بیاید، در این صورت بازگشت به منی بر او واجب نیست.

سؤال: آیا حکم کسیکه جاهل به وجوب رمی در روز عید است، مانند حکم ناسی و فراموش کار در وجوب قضا در روز یازدهم است؟

جواب: البته حکم جاهل همانند حکم ناسی است، بلکه در وجوب قضا بین این که از روی فراموشی ترک کرده باشد و یا از روی جهالت و یا عذر دیگری، فرقی نیست حتی اگر عمدی و از روی التفات باشد.

مسأله ۴۵۶— اگر حاجی حکم شرعی را بداند ولی عمداً رمی جمره را ترک کند، اگر ترک را ادامه دهد، حشش باطل است، و اگر قبل از انقضاء حج تدارک کند، حشش صحیح است، و در این صورت اعاده اعمالی که در

۱۹۴..... مناسک حج
منی انجام داده بعید نیست که واجب نباشد هر چند احتیاط این است که
اعاده کند.

مسأله ۴۵۷- اگر عمداً طواف حج را پیش از رمی جمره عقبه انجام دهد
— در حالی که وجوب تقدم رمی بر طواف را می داند — چنانچه رمی را انجام
ندهد، حجش باطل است، و اگر قبل از پایان یافتن وقت رمی نماید، حجش
صحیح است، ولی اعاده طواف و اعاده اعمال بعد از طواف مانند سعی بر او
واجب می باشد.

مسأله ۴۵۸- اگر حاجی عمداً و از روی آگاهی رمی جمره عقبه را انجام
ندهد و رهسپار مکه شود و قبل از حلق و قربانی طواف را بجا آورد. باید یک
گوسفند به عنوان كفاره بدهد و به منی بازگشته رمی کند و قربانی و بعد حلق
یا تقصیر نماید، سپس به مکه برگشته و طواف را قبل از انقضاء وقت، اعاده
نماید که در این صورت حجش صحیح است و الا باطل می باشد. و همچنین
اگر رمی جمره عقبه را انجام دهد و لکن حلق و یا تقصیر را عمداً و از روی
آگاهی به تسلسل اعمال حج، ترک کند و به مکه رهسپار شود و طواف حج
نموده و سعی بین صفا و مروه را انجام دهد، باید یک گوسفند قربانی نموده
و به منی برگردد و در آنجا حلق و یا تقصیر نماید و بعد طواف و سعی را اعاده
کند، در این صورت نیز حجش صحیح است و گرنه فاسد می باشد.

مستحبات رمی جمرات

مسأله ۴۵۹- در رمی جمرات چند چیز مستحب است:

۱- در حال رمی، با طهارت باشد.

۲- وقتی به جمره عقبه رسید، روبه جمره و پشت به قبله بایستد و رمی کند.

۳- وقتی ریگ‌ها را در دست گرفت و آماده رمی شد این دعا را بخواند: «اللهم هؤلاء حصیاتی فاحصهن لی وارفعهن فی عملی».

۴- با هر ریگی که می‌اندازد بگوید: «الله اکبر اللهم ادحر عنی الشیطان، اللهم تصدیقا بکتابک وعلی سنة نبیک محمد صلی الله علیه وواله، اللهم اجعله لی حجا مبرورا، وعملا مقبولا، وسعیا مشکورا، وذنبا مغفورا».

۵- پس از بازگشتن از رمی بگوید: «اللهم بک وثقت وعلیک توکلت فنعم الرب ونعم المولی ونعم النصیر».

قربانی در منی

پنجمین واجب از واجبات حج تمتع قربانی کردن است.

مسأله ۴۶۰- محل قربانی منی است و اگر منی بر مردم تنگ شود و از انجام واجبات در آن معذور گردند، شرعا سرزمین منی توسعه پیدا کرده و شامل وادی محسر — که منطقه‌ای است بین منی و مشعر و منی را از مشعر جدا می‌کند - می‌شود.

بنابراین اگر مردم واجبات منی را در آن تمام کنند کافی است، و اگر حکومت از قربانی کردن در منی ممانعت کنند و قربانگاه را در خارج از منی تعیین نمایند، حاجی می‌تواند در همان قربانگاه و یا در مکه قربانی کند،

۱۹۶..... مناسک حج

البته به شرطی که در طول ماه ذی الحجت به خاطر عذری قادر بر ذبح در منی نباشد، والا واجب است که ذبح را به تأخیر اندازد. و اگر در اثر ندانستن مسأله و یا از روی فراموشی و یا به اعتقاد اینکه فلان مکان جزء منی است و در آنجا ذبح کند، بعید نیست که ذبحش صحیح باشد، قربانی در نقطه مشکوک — در صورتی که شک از جهت شبهه مفهومی باشد — بعید نیست که کافی باشد.

مسأله ۴۶۱— بنا بر احتیاط، قربانی در روز عید انجام گیرد و اگر عمداً و یا غیر عمد قربانی را در آن روز انجام ندهد، احوط آن است که در ایام تشریق — یازدهم، دوازدهم و سیزدهم ذی حجه — و اگر تا روز سیزدهم هم قربانی نکرد، باید در ماه ذی الحجه قربانی نماید.

مسأله ۴۶۲— قربانی باید بعد از رمی جمره انجام شود، و اگر از روی ندانستن مسأله و یا از روی فراموشی قبل از رمی صورت گیرد، صحیح است و اعاده لازم نیست. ولی اگر عمداً قربانی را مقدم بدارد، بعید نیست که اعاده آن بعد از رمی واجب نباشد اگر چه احتیاط آن است که آن را اعاده کند.

مسأله ۴۶۳— اگر کسی نتواند روز عید در منی قربان کند، واجب نیست که حلق و یا تقصیر را نیز تأخیر اندازد. جواز تأخیر ذبح و یا نحر در منی بعید نیست اگر چه بهتر است که احتیاط رعایت گردد.

مسأله ۴۶۴— وقتی می‌خواهد خود شخص قربانی کند و یا وکیل بگیرد، باید نیت کند مثلاً بگوید: «گوسفند را ذبح می‌کنم برای حج تمتع از حجت

قربانی در منی ۱۹۷

الاسلام الی الله» و اگر نایب باشد باید اسم نایب را ذکر کند، و در صورتی که حج مستحبی باشد، کلمه حجت الاسلام در نیت ساقط می‌شود.

مسأله ۴۶۵— اگر شخصی از روی عذر، نتوانست در منی روز عید ذبح و یا نحر کند، آیا می‌تواند در خارج منی مثلاً در مکه این کار را انجام دهد؟ اگر عذرش به خاطر ضیق بودن منی باشد، شرعاً منی توسعه پیدا کرده و شامل وادی محسر نیز می‌شود، و او می‌تواند در وادی قربانی کند نه در خارج از آن. البته در صورتی که در وادی هم امکان نداشت، جایز است که در مکه قربانی نماید، و اگر عذرش از این جهت باشد که نگذارد در منی قربانی نماید و قربانگاه را در خارج از منی تعیین کرده باشند، در این صورت اگر از ذبح کردن در منی تا آخر ذی الحجت ناامید شود، جایز است که در خارج از منی ذبح کند و اگر بداند که در ایام تشریق و یا تا آخر ذی حجه برای ذبح در منی قدرت پیدا می‌کند، واجب است که ذبح را تأخیرانداخته و در منی قربانی کند.

مسأله ۴۶۶— اگر عمداً قربانی را در روز عید ترک و بقیه واجبات حج از قبیل حلق و یا تقصیر و طواف را انجام دهد، در صورتی که ترک قربانی را ادامه دهد، حش باطل است، و اگر قبل از انقضاء وقت تدارک کرده و قربانی نماید، حش صحیح است، ولی واجب است که طواف را اعاده کند، و اما اعاده نکردن حلق و یا تقصیر خالی از قوت نیست، گرچه احتیاط آن است که اعاده شود، و اگر از روی فراموشی و یا ندانستن مسأله، قربانی را ترک کند و بعد یادش بیاید، واجب است که ذبح و یا نحر نماید ولو این

۱۹۸..... مناسک حج

که در آخر ذی الحجه متوجه شود و در این حالت طواف و عمل بعد از طواف هم واجب نیست که اعاده شود.

مسأله ۴۶۷— واجب است که قربانی یا شتر باشد و یا گاو و یا گوسفند. اگر شتر باشد باید پنج سال را تمام کرده و داخل شش سالگی شده باشد و اگر گاو و یازب باشد باید دو سال را تمام کرده و بنا بر احتیاط داخل سال سوم شده باشد و اگر گوسفند باشد باید هفت ماهگی را تکمیل نموده و وارد ماه هشتم شده باشد، و احوط این است که یک سالش تمام و داخل سال دوم باشد.

مسأله ۴۶۸— اگر پس از قربانی کردن معلوم شود که قربانی سن معتبر ندارد، باید قربانی را اعاده کند، قربانی باید تام الاعضاء و سالم باشد، و قربانی یک چشم و لنگ و گوش بریده و یا قسمت داخلی شاخ آن شکسته باشد و یا خاصی (اخته) باشد، کفایت نمی کند، و همچنین در نظر عرف لاغر نباشد، و بنا بر احتیاط مستحب مریض، تخم کوبیده، خیلی پیر که مغز نداشته باشد و در اصل خلقت دم بریده و بی شاخ نباشد. ولی اگر گوش حیوان شکاف داشته باشد و یا سوراخ باشد اشکال ندارد، و در صورتی که قربانی دارای شرایط مذکور یافت نشود، آنچه مقدور و میسر باشد کفایت می کند. و جایز نیست که دو نفر مشترکاً در حجت اسلام یک قربانی نمایند، بلکه هر کدام باید قربانی مستقلی داشته باشند.

قربانی در منی ۱۹۹

مسأله ۴۶۹— اگر قربانی را به اعتقاد اینکه سالم است خریداری کند و قیمتش را نقدا بپردازد و بعد معلوم شود که عیب دارد، ظاهراً می‌شود به آن اکتفاء کرد.

مسأله ۴۷۰— اگر به اعتقاد اینکه قربانی چاق است و آن را بخرد و بعد معلوم شود که لاغر بوده، کافی است اگر چه قبل از ذبح و یا نحر کشف شود که لاغر بوده است، و در این حکم بین اینکه قربانی را با خریداری مالک شود و یا از طریق ارث و یا از راه هبه بدست آورده باشد فرقی نیست.

مسأله ۴۷۱— اگر بعد از ذبح شک کند که قربانی دارای شرایط بوده یا نه، صحیح است و واجب نیست که اعاده نماید، به شرطی که در وقت ذبح ملتفت به وجود شرایطی بوده باشد که در صحت آن لازم است، و همچنین اگر بعد از قربانی شک کند که در منی واقع شده یا در جای دیگر، صحیح است، البته در صورت شک که آن نقطه جزء منی است یا نه، چنانچه شک به نحو شبهه موضوعیه باشد، قربانی را که در آن نقطه نموده کافی نیست، و اگر به نحو شبهه مفهومیه باشد، بعید نیست که کافی باشد. ولی اگر شک کند که قربانی کرده یا نه، در صورتی که شکش بعد از داخل شدن در انجام حلق یا تقصیر باشد، نباید به شکش اعتناء کند.

مسأله ۴۷۲— اگر در لاغر بودن قربانی شک داشته باشد، اگر به امید اینکه امتثال امر خداوند شود، آن را ذبح کند، بعد معلوم شود که چاق بوده، کفایت می‌کند.

۲۰۰..... مناسک حج

مسئله ۴۷۳- اگر حیوان صحیح و سالمی را برای قربانی خریداری نماید و بعد مریض شود و یا لاغر گردد و عضوی از اعضایش مثل پا و یا قسمت داخلی شاخ بشکند و یا عیب دیگر مثل کوری بر او عارض شود، همان حیوان برای قربانی کافی است و واجب نیست که به قربانی سالم تبدیل شود.

مسئله ۴۷۴- اگر قربانی گم شود و قربانی دیگری بخرد، چنانچه قربانی اول قبل از ذبح دومی پیدا شود باید اولی را ذبح کند و نسبت به دومی مخیر است که ذبح نماید یا نه و در حکم سایر اموال او خواهد بود، و اگر بعد از ذبح دومی پیدا شود، اولی را نیز ذبح کند، البته در صورتی که دومی بهتر از اولی نباشد، و اگر دومی بهتر باشد مثلاً قربانی دومی چاق تر از اولی باشد، بعید نیست که ذبح دومی کافی باشد، اگر چه احتیاط این است که اولی نیز ذبح شود.

مسئله ۴۷۵- اگر کسی قربانی گم شده را پیدا کند، واجب است تا روز دوازدهم و سیزدهم ذی حجه آن را معرفی کند و اگر صاحبش پیدا نشد، عصر روز سیزدهم از طرف صاحبش در منی ذبح کند.

مسئله ۴۷۶- اگر حاجی نتواند قربانی پیدا کند، در صورتی که قیمتش را دارد باید آن را در مکه نزد شخصی که مورد اطمینان است بگذارد تا قربانی خریداری و تا پایان ماه ذی الحجه از جانب او در منی ذبح کند، و اگر ماه ذی حجه به پایان رسیده باشد، واجب است که در سال آینده قربانی نماید.

قربانی در منی ۲۰۱

مسأله ۴۷۷— کسی که نه قربانی دارد و نه پولش را، باید به جای قربانی ده روز را روزه بگیرد، سه روز (روزهای هفتم، هشتم و نهم ذی الحجّه) را در حج روزه بگیرد و می‌تواند آن سه روز را از اول ذی حجه بعد از پوشیدن لباس احرام عمره تمتع شروع کند، و واجب است که آن سه روز را پی در پی انجام دهد چه در ضمن ده روز اول گرفته شود و یا بعد از ایام تشریق و یا در ضمن ده روز آخر، چه در مکه و چه در وطن، و اگر بافاصله باشد، کافی نیست.

و هفت روز دیگر را بعد از مراجعت به وطن روزه بگیرد، و بنا بر ظاهر پی در پی باشد، و در صورتی که به وطن برنگشت و در مکه اقامت نمود، باید صبر کند تا حجاج به وطنشان برگردند و یا یک ماه صبر نماید، بعد هفت روز، روزه گیرد.

مسأله ۴۷۸— کسی که وظیفه‌اش روزه گرفتن در حج است، اگر نتواند روز هفتم را روزه بگیرد، باید تا بعد از ایام تشریق به تأخیر اندازد، و اگر در مکه می‌ماند، باید سه روز را پی در پی روزه بگیرد، و اگر نمی‌تواند در مکه بماند، مخیر است بین این که آن سه روز را در مسیر بازگشت روزه بگیرد و یا در وطن، و جایز نیست که بین سه روز و هفت روز جمع کند به این صورت که ده روز پی در پی روزه بگیرد، بلکه باید بین آن دو فاصله اندازد، و اگر تا اول ماه مُحرم سه روز را روزه نگرفت، روزه از اوساقت می‌شود و باید در سال آینده قربانی کند.

۲۰۲..... مناسک حج

مسأله ۴۷۹— کسی که برای انجام اعمال حج در منی می ماند، نمی تواند در ایام تشریق (یازدهم، دوازدهم، سیزدهم ذی حجه) روزه بگیرد، ولی بعد از بازگشت از منی به مکه می تواند روز سیزدهم روزه بگیرد، همچنانکه برای غیر حجاج جایز است که در ایام تشریق در وطنشان و یا در جای دیگری روزه بگیرند.

مسأله ۴۸۰— کسی که قربانی برایش ممکن نبود ولی بعد از عید در ضمن ایام تشریق و یا بعد از آن حتی اگر در ده روز آخر ذی حجه، قربانی میسرشد، در صورتی که قبل از سه روز روزه گرفتن باشد، بدون شک وظیفه اش قربانی است و اگر بعد از آن باشد، بنابراین باید قربانی کند.

مسأله ۴۸۱— کسی که در طول ماه ذی حجه، سه روز، روزه را ترک کند چه ترک روزه از روی اختیار باشد و یا از روی نسیان و یا از روی جهل و یا به جهت عذر مانند مرض و امثال آن، باید سال آینده قربانی کند و روزه گرفتن در ماه بعد از ذی حجه کفایت نمی کند.

مسأله ۴۸۲— کسی که سه روز، روزه را در حج گرفته است، می تواند هفت روز دیگر را بعد از ذی حجه در وطنش بگیرد.

مسأله ۴۸۳— کسی که سه روز، روزه را در مکه فراموش کند و بعد از مراجعت به وطن یادش بیاید، اگر قادر بر قربانی کردن باشد، وظیفه اش قربانی است نه روزه.

قربانی در منی ۲۰۳

مسئله ۴۸۴— کسی که سه روز، روزه را در ماه ذی حجه گرفته است ولی قبل از آن که هفت روز دیگر را بگیرد به وطن مراجعت کند و بمیرد، قضای آن هفت روز بر ولی او واجب نیست.

مسئله ۴۸۵— کسی که نمی‌تواند به تنهایی قربانی تهیه کند ولی در صورت شرکت بادیگران می‌تواند قربانی تهیه نماید، وظیفه‌اش روزه گرفتن است.

مسئله ۴۸۶— اگر شخص دیگری را برای قربانی وکیل کند، چنانچه شک کند که وکیل قربانی کرده یا نه، بناگذار که قربانی نکرده است، ولی اگر وکیل مورد وثوق باشد و بگوید که قربانی کرده‌ام و یا اطمینان کند که او قربانی نموده است، کافی است.

مسئله ۴۸۷— شرایطی که در قربانی معتبر است، در کفاره معتبر نیست.

مسئله ۴۸۸— واجب است که حاجی قربانی را در منی ذبح و یا نحر کند و یا وکیل بگیرد و لازم نیست که وکیل مومن باشد، همین که مسلمان باشد کافی است. ولی قصد قربت در وقت وکیل گرفتن وظیفه حاجی است نه وکیل.

مسئله ۴۸۹— اگر حاجی در وقت وکیل گرفتن، نیت را فراموش کند، اشکال ندارد، البته در صورتی که نیت در اعماق وجودش باشد، به گونه‌ای که اگر سؤال شود چه می‌کند؟ فوراً متوجه شود که فلانی را برای ذبح به قصد قربت وکیل گرفته است.

مصرف قربانی

مسأله ۴۹۰— در صورتی که حاجی قربانی را با خود به منی برده باشد، واجب است که از گوشت آن به فقرای موجود در منی صدقه بدهد، و خود و عیال و برادرانش هم می‌توانند از آن بخورند. و در صورتیکه قربانی را از منی تهیه کرده باشد، واجب است یک سوم گوشت آن را به فقرا صدقه دهد و یک سوم آن را به قانع و معتر بدهد و یک سوم باقی مانده آن را خود و اهلهش بخورد. البته این در صورتی است که قدرت بر چنین کاری نداشته باشد و گرنه بر او چیزی واجب نیست.

مسأله ۴۹۱— اگر حاجی در وطنش از طرف فقیر وکیل شود و در منی از جانب او ثلث گوشت قربانی را قبض کند، کفایت نمی‌کند، و لازم نیست فقرای موجود در منی، مومن باشند، بلکه هر مذهبی داشته باشند، صدقه دادن به آنان کافی است. البته خارج کردن گوشت قربانی از منی جایز است.

مسأله ۴۹۲— اگر سهم فقرا تلف شود، صاحب قربانی ضامن آن نیست، بلکه اگر خود او هم عمداً و با توجه به حکم شرعی آن را تلف کند، ضامن نمی‌باشد.

آداب ذبح یا نحر

مسأله ۴۹۳— در وقت ذبح یا نحر مستحب است این دعا را بخواند:
«وجهت وجهی للذی فطر السماوات والأرض حنیفاً مسلماً وما أنا من المشرکین، ان صلاتی ونسکی ومحیای ومماتی لله رب العالمین، لا شریک

حلق و تقصیر ۲۰۵
له وبذلک أمرت وأنا من المسلمین، اللهم منک ولک، بسم الله والله أكبر،
اللهم تقبل منی کما تقبلت عن ابراهیم خلیلک وموسی کلیمک ومحمد
حیبک» .

حلق و تقصیر

ششمین واجب از واجبات حج تمتع، حلق (سرتراشیدن) یا تقصیر
(گرفتن مقداری از مو یا ناخن) است.

مسأله ۴۹۴— مکان حلق و تقصیر، منی است، بنابراین اگر از روی
فراموشی و یا ندانستن حکم، پیش از حلق و تقصیر از منی خارج شود، در
صورتی که متوجه شود و بازگشتن به منی ممکن باشد، واجب است برگردد
و حلق و یا تقصیر را انجام دهد، و در صورتی که بازگشتن به منی غیر ممکن
و یا دشوار باشد، در همان جا که متوجه شده سرش را بتراشد یا تقصیر نماید
و موی خود را به منی بفرستد. اگر عمداً و با توجه به حکم شرعی و سلسله
مراتب اعمال حج، قبل از حلق و یا تقصیر از منی خارج شود، در صورتی
که به موقع تدارک کند، حجت صحیح است، و اگر همچنان بر ترک حلق
و یا تقصیر ادامه دهد، حجت باطل می باشد. بنابراین اگر عمداً قبل از حلق یا
تقصیر، طواف وسعی را انجام دهد، واجب است بعد از حلق یا تقصیر طواف
وسعی را دوباره اعاده کند و یک گوسفند به عنوان کفاره قربانی نماید.

مسأله ۴۹۵— زمان حلق و تقصیر بنابر احوط روز عید است، و اگر عمداً
و با توجه به حکم شرعی، آن را از روز عید تأخیر اندازد و بعد از عید یا در

۲۰۶..... مناسک حج

ایام تشریق یا بعد از ایام تشریق و بلکه تا آخر ذی حجه انجام دهد، حجش صحیح است، ولی اگر عمداً طواف و سعی را قبل از حلق و یا تقصیر انجام داده باشد، باید اول حلق و یا تقصیر کند و بعد طواف و سعی را اعاده نماید و کفاره بدهد چنانچه که در مسأله قبل گذشت، و اگر از روی فراموشی و یا ندانستن حکم، آن را ترک کرده و از منی خارج شود، در صورت امکان واجب است هر وقت متوجه شود برگردد و حلق و یا تقصیر را انجام دهد، و اگر بازگشت غیر ممکن و یا دشوار باشد، باید در همان جایی که متوجه شده، حلق یا تقصیر را انجام دهد و موی خود را به منی بفرستد.

مسأله ۴۹۶— اگر کسی به خاطر حاجتی قبل از حلق یا تقصیر از منی خارج شود، در حالی که نیتش این بوده که برای انجام اعمال به منی برگردد، ولی به سبب عذری نتواند مراجعت کند، باید در همان مکان، حلق یا تقصیر نموده و مویش را به منی بفرستد.

مسأله ۴۹۷— حلق یا تقصیر باید بعد از رمی جمره و ذبح قربانی انجام شود، ولی اگر از روی فراموشی و یا ندانستن حکم و یا عمداً آن را قبل از قربانی انجام بدهد، حج صحیح است و بعد از ذبح قربانی اعاده لازم نیست، و اگر از روی ندانستن حکم و یا از روی فراموشی، قبل از رمی جمره انجام دهد، باز هم صحیح است، ولی اگر عمداً قبل از رمی جمره انجام دهد، هر چند اعاده نکردنش بعید نیست و لکن احوط آن است که اعاده کند.

مسأله ۴۹۸— کسی که برای چندمین بار حج می کند، بین حلق و تقصیر مخیر است که هر کدام را انجام دهد، مراد از حلق، تراشیدن تمام موی سر

حلق و تقصیر ۲۰۷

است چه با تیغ باشد و یا ماشین موزنی، در صورتی که مو باقی نگذارد، ولی کسی که برای بار اول به حج میرود، بعید نیست که بین حلق و تقصیر مخیر باشد، هر چند احوط و بهتر آن است که سرش را بتراشد. البته اگر موی سر را با چیزی چسپانده و یا بافته باشد، اظهر این است که موی سر را بتراشد، هر چند بار اولش (صروره) نباشد.

مسأله ۴۹۹— زن باید تقصیر کند هر چند موهای سرش بهم چسپیده و بهم بافته باشد.

مسأله ۵۰۰— در حلق یا تقصیر نیت با تمام عناصر سه گانه اش (نیت قربت، اخلاص و قصد اسم مشخص) واجب است، مثلاً بگوید: موی سرم را می تراشم و یا مو یا ناخنم را کوتاه می کنم در حج تمتع از حجت الاسلام، قربه الی الله فقط برای رضایت خدای بزرگ، و در صورتی که از طرف کسی نایب باشد، نام او را ذکر کند، و اگر حج مستحبی باشد کلمه حجت الاسلام ساقط می شود.

مسأله ۵۰۱— بعد از حلق یا تقصیر همه مُحرمات احرام، بر او حلال می شود، بجز بوی خوش وزن و شکار، بنابراین پوشیدن لباسهای عادی و پوشاندن سرو... برای او جایز است.

مسأله ۵۰۲— خنثای مشکل در صورتی که موی سر خود را نچسبانده یا نبافته، واجب است که تقصیر کند و گرنه، هم تقصیر و هم حلق نماید.

آداب و مستحبات حلق

مسأله ۵۰۳- در حلق چند چیز مستحب است:

- ۱- روبه قبله باشد. ۲- از طرف راست شروع کند. ۳- در وقت حلق این دعا را بخواند: «اللهم اعطني بكل شعرة نوراً يوم القيامة». ۴- موی خود را در منی در خیمه خود دفن کند.
- ۵- ریش و سیل خود را اصلاح کند و بعد از حلق ناخن‌ها را هم بگیرد.

طواف حج و نماز طواف وسعی

هفتم و هشتم و نهم از واجبات حج، طواف، نماز طواف وسعی است.

مسأله ۵۰۴- کیفیت و شرایط این سه واجب، عین کیفیت و شرایطی است که در طواف عمره و نماز وسعی آن بیان کردیم، به جزء نیت که فرق می‌کند و طواف و نماز طواف وسعی را (به جای عمره تمتع) به نیت حج تمتع انجام دهد.

مسأله ۵۰۵- زمان طواف از روز دهم ذی حجه تا پایان آن ماه ادامه دارد، بنابراین تأخیر تا بعد از ایام تشریق بلکه بنا بر اظهار تأخر ماه ذی حجه، جایز است، هر چند احوط و بهتر آن است که از روز یازدهم تأخیر نیندازد. و حکم در سعی نیز چنین است و از نظر سلسله مراتب بعد از طواف و نماز طواف است.

طواف حج و نماز طواف وسعی ۲۰۹

مسأله ۵۰۶— جایگاه طواف و نماز آن وسعی از نظر سلسله مراتب اعمال، بعد از رفتن به عرفات و مشعر الحرام و اعمال منی در روز عید است، بنابراین مقدم داشتن طواف، نماز وسعی بر وقوف در عرفات و مشعر و اعمال منی، جایز نیست، و اگر عمداً و یا از روی غیر عمد، طواف حج و نماز آن وسعی را قبل از دووقوف مذکور انجام دهد، کافی نیست و واجب است که آن را بعد از اعمال منی اعاده کند. البته چهارگروه از مردم از حکم مذکور استثنا هستند که اینها میتوانند طواف حج، نماز طواف وسعی را قبل از وقوف در عرفات و مشعر انجام دهند:

۱- شخصی که عذر شرعی دارد.

۲- پیرمرد و پیرزن.

۳- زنی که بیم حیض شدن دارد.

۴- مریض.

افراد مذکور می‌توانند طواف نساء را هم بر وقوف در عرفات و مشعر الحرام مقدم بدانند هر چند بهتر آن است که احتیاط را ترک نکنند.

مسأله ۵۰۷— کسی که از برگشتن و ورود به مکه، بر جان یا عرض و یا ناموس خود بیم دارد، می‌تواند طواف، نماز وسعی را قبل از وقوف در عرفات و مشعر الحرام، انجام دهد بلکه مقدم داشتن طواف نساء هم جایز است.

مسأله ۵۰۸— تقدیم طواف حج بر حلق یا تقصیر، جایز نیست، بنابراین اگر عمداً و از روی علم پیش از حلق یا تقصیر به مکه رود و طواف نماید،

۲۱۰..... مناسک حج
باید بعد از حلق یا تقصیر، طواف و نماز و سعی را اعاده کند و یک
گوسفند هم کفاره بدهد. و اگر از روی ندانستن حکم و یا فراموشی طواف را
بر حلق یا تقصیر مقدم کند، و بعد متوجه شود، باید حلق یا تقصیر را انجام
دهد ولی اعاده و کفاره بر او واجب نیست.

مسئله ۵۰۹— اگر کسی (چه مرد و چه زن) طواف و نماز آن و سعی بین
صفا و مروه را انجام دهد، بوی خوش برایش حلال می شود و از مُحَرِّمات
احرام فقط دو چیز باقی می ماند:

۱— زنان و مراد از حرمت زنان خصوص جماع است، و اما سایر انواع
استمتاع و بهره بردن (مانند بازی کردن و بوسیدن) با حلق یا تقصیر حلال
می شود، و همچنین عقد نکاح.

۲— شکار احرامی (شکاری که از جهت احرام حرام شده بود نه شکار
حرمی)، با طواف نساء، زنان هم حلال می شوند و وقتی خورشید روز
سیزدهم ذی حجه زوال نمود، صید احرامی حلال می گردد، ولی صید حرمی
تا زمانی که در حرم است، حرام می باشد. باید توجه داشت تا زمانی که بعد
از طاف و نماز آن، سعی انجام نشده، بوی خوش حلال نمی شود.

مسئله ۵۱۰— اگر کسی که طواف نساء را انجام داده، زنش را که هنوز
طواف مذکور را انجام نداده از روی شهوت ببوسد، واجب است که یک
گوسفند به عنوان کفاره ذبح کند.

مسئله ۵۱۱— کسی که تقدیم طواف حج، نماز طواف و سعی، بر وقوف
در عرفات و مشعر برایش جایز است، در صورتی بوی خوش بر او حلال

طواف حج و نماز طواف وسعی ۲۱۱
می‌شود که تمام اعمال منی (رمی جمره عقبه، قربانی و حلق یا تقصیر) را انجام دهد.

مسأله ۵۱۲— اگر کسی عمداً و با توجه به حکم شرعی طواف یا نماز طواف و یا سعی را به جا نیاورد، در صورتی که قبل از انقضاء وقت تدارک کند، حجش صحیح است، و اگر تا پایان وقت (پایان ذی حجه) تدارک نکند، حج و احرامش باطل است، و همچنین اگر از روی ندانستن حکم طواف یا سعی را انجام ندهد و تا پایان وقت تدارک نکند، حج و احرام او باطل است و یک شتر و یا یک گاو کفاره هم باید بدهد.

مسأله ۵۱۳— کسی که نمی‌داند نماز طواف واجب است، و با چنین حالتی نماز طواف را ترک نماید، در صورت امکان باید آن را در محلتش تدارک نماید، و اگر تدارک در محل ممکن نباشد، هر جا که هست آن را بخواند، ولی اگر از روی فراموشی نماز طواف را ترک کند، در صورتی که در مکه متوجه شود، واجب است آن را در محلتش انجام دهد، و اگر از مکه خارج شود و بعد از فاصله کمی متوجه گردد که نماز طواف را نخوانده، واجب است برگردد و آن را در محلتش بخواند و یا نایب بگیرد تا از طرف او نماز را انجام دهد، البته بنا بر احتیاط واجب در صورتی می‌تواند نایب بگیرد که از انجام آن شخصاً عاجز باشد.

مسأله ۵۱۴— اگر کسی طواف را فراموش کند وسعی را اعاده نماید، چنانچه بعد از خروج از مکه متوجه شود که طواف نکرده، در صورتی که برگشتن برایش ممکن نباشد، باید نایب بگیرد تا اول طواف کند و بعد سعی

۲۱۲..... مناسک حج

نماید، البته بعید نیست که در صورت امکان برگشتن هم جایز است نایب بگیرد. و همچنین اگر کسی سعی را فراموش کند، همین حکم را دارد.

مسأله ۵۱۵— اگر کسی به خاطر عذری مانند بیماری وامثال آن در حج از انجام طواف وسیعی عاجز باشد، باید کسی او را طواف دهد و خود او سواره سعی بین صفا و مروه را انجام دهد، و اگر طواف دادن هم ممکن نباشد و یا سواره هم نتواند سعی نماید، باید برای طواف وسیعی نایب بگیرد.

مسأله ۵۱۶— اگر زن حائض یا نفساء نتواند تا پاک شدنش در مکه بماند تا طواف کند، باید برای طواف و نماز نایب بگیرد و بعد از طواف و نماز نائب، خودش سعی بین صفا و مروه را انجام دهد.

مسأله ۵۱۷— اگر کسی طواف را فراموش کند و بعد از خروج از مکه متوجه شود ولی عمداً و با علم به حکم، آن را انجام ندهد و نایب هم نگیرد. این مسأله دو صورت دارد:

۱— اگر در ماه ذی حجه و در وقتی متوجه شود که می‌تواند قبل از انقضاء وقت خودش تدارک کند و یا برای انجام آن نایب بگیرد ولی در عین حال کوتاهی کرد و عمداً و با توجه به حکم تدارک نکرد، در این صورت حجش باطل است.

۲— اگر بعد از ماه ذی حجه متوجه شد که طواف را فراموش کرده است، در این صورت هر چند قضاء بر او واجب است، ولی اگر عمداً و با علم به حکم، آن را ترک کند، حجش باطل نیست اما گناه کرده است.

طواف حج و نماز طواف وسعی ۲۱۳

مسأله ۵۱۸— اگر کسی طواف عمره تمتع را فراموش کند و بعد از انقضای وقت متوجه شود، باید آن را بعد از اعمال منی قضا کند، و اگر طواف حج را فراموش نماید و بعد از خروج از مکه متوجه شود، حکم آن در مسأله قبل گذشت.

مسأله ۵۱۹— اگر کسی طواف را فراموش نمود و از روی فراموشی با زن نزدیکی کرد، باید قربانی کند. حال اگر در وطن متوجه شود و طواف فراموش شده هم طواف حج باشد، باید قربانی را به منی بفرستد تا در آنجا ذبح شود، و اگر طواف عمره باشد، قربانی را به مکه بفرستد و در آنجا ذبح گردد. اگر در مکه متوجه شود و طواف را فراموش شده طواف حج باشد، باید قربانی را به منی بفرستد، و اگر طواف عمره باشد، قربانی را در مکه ذبح کند.

مسأله ۵۲۰— اگر کسی بعد از ماه ذی حجه و در مکه متوجه شود که طواف نکرده، برای انجام طواف احرام بستن مجدد بر او، واجب نیست.

مسأله ۵۲۱— اگر در وطن متوجه شود که طواف را ترک کرده و برگردد و در روز آخر ذی حجه وارد مکه شود ولی تا بعد از هلال مُحَرَّم انجام طواف برایش ممکن نباشد، واجب نیست که مُحَرَّم شود و بعد وارد مکه گردد.

مسأله ۵۲۲— قضای طواف فراموش شده وقت محدودی ندارد بلکه می‌توان آن را در طول سال قضاء کرد. اگر بعضی از کارهای طواف فراموش شود، تدارک همان بعض واجب است هر چند بهتر آن است که به

۲۱۴..... مناسک حج

قصدی که شامل کامل کردن مقدار ناقص واز سرگرفتن طواف است، یک طواف کامل انجام دهد.

آداب طواف حج و سعی

مسأله ۵۲۳— آدابی که در طواف عمره و نماز و سعی ذکر شد در طواف حج و نماز و سعی نیز جاری است، و مستحب است کسی که برای طواف حج می آید بر در مسجد بایستد و این دعا را بخواند:

«اللهم أعني على نسكك وسلمني له وسلمه لي أسألك مسألة العليل الذليل المعترف بذنبه أو تغفر لي ذنوبي وأن ترجعني بحاجتي اللهم إني عبدك والبلد بلدك والبيت بيتك جئت أطلب رحمتك وأوم طاعتك متبعاً لأمرك راضياً بقدرك أسألك مسألة المضطر إليك المطيع لأمرك المشفق من عذابك الخائف لعقوبتك أن تبلغني عفوكم وتجيرني من النار برحمتك». وقتی از این دعا فارغ شد و وارد مسجد گردید قبل از شروع به طواف نزد حجر الاسود برود و آن را ببوسد چنانچه بتواند و بدون اینکه مزاحم کسی شود و گر نه فقط آن را استلام کند و بعد دستش را ببوسد و اگر نتوانست این کار را انجام دهد، چنانچه غالباً چنین است، روبه حجر الاسود بکند و تکبیر بگوید و این دعا را بخواند: «اللهم امانتي اديتها و ميثاقي تعاهدته لتشهد لي بالموافاة».

طواف نساء و نماز آن

مسأله ۵۲۴— واجب دهم و یازدهم عبارتند از: طواف نساء و نماز آن که دو واجب مستقل می باشد، اما مکلف هر چند از روی عمد و علم به حکم، آن دو را ترک نماید حج باطل نمی شود. طواف نساء و نماز آن هم بر مرد واجب است و هم بر زن.

مسأله ۵۲۵— طواف نساء و نماز آن بعد از طواف حج و سعی، واجب است و جایز نیست که آن را بر طواف حج و سعی مقدم کند و اگر چنین نماید هر چند از روی جهل به حکم باشد، واجب است بعد از سعی دوباره آن را اعاده نماید، بلکه بنا بر اقرب اگر از روی فراموشی هم باشد واجب است دوباره آن را بعد از سعی اعاده کند.

مسأله ۵۲۶— اثر طواف نساء و نماز آن این است که بعد از انجام آن بر مکلف استمتاع و جماع که با احرام، حرام شده بود حلال می شود و بدین ترتیب همه امور به جز شکار که با احرام حرام شده بود حلال می شود. شکار با زوال روز سیردهم ذی الحجه حلال می شود. البته حرمت شکار در حرم و حرمت کندن درخت و گیاهانی که در حرم روییده همچنان به قوت خود باقی است و هم بر مُحْرَم و هم بر مُحَلِّ حرام است.

مسأله ۵۲۷— طواف نساء و نماز آن از لحاظ کیفیت و شرایط، مانند طواف حج و نماز آن است به جزئیات که باید در اینجا به قصد طواف نساء انجام شود.

۲۱۶..... مناسک حج

مسأله ۵۲۸— صورت نیت این گونه است که مثلاً بگوید: طواف نساء حج تمتع از حجت الاسلام را الی الله به جامی آورم. و اگر از طرف کسی نایب است اسم منوب عنه را ذکر نماید و طواف را از سوی او بجا بیاورد، و اگر حج مستحبی باشد کلمه (حجت الاسلام) آورده نمی‌شود. و کیفیت نیت در نماز طواف نساء به این صورت است که بگوید: دو رکعت نماز طواف نساء حج تمتع بجا می‌آورم الی الله .

مسأله ۵۲۹— کسی که به خاطر بیماری و مانند آن نتواند طواف نساء را بجا بیاورد، باید از کس دیگری کمک بخواهد تا با کمک او آن را انجام دهد، و اگر با کمک دیگران نیز نتواند طواف مذکور را انجام دهد، واجب است نایب بگیرد. و کسی که نمی‌تواند نماز طواف نساء را شخصاً بجا آورد، باید کسی را نایب بگیرد تا از سوی او نماز مذکور را بخواند.

مسأله ۵۳۰— کسی که طواف نساء را ترک کند چه از روی عمد و با علم به حکم باشد و چه از روی جهل و فراموشی باشد تا زمانی که آن را بجا نیاورده، زن بر او حرام می‌باشد، و اگر نتواند خودش آن را انجام دهد یا انجام آن مشکل باشد، باید کسی را نایب بگیرد تا طواف نساء را از طرف او انجام دهد، و بعد از آنکه نایب طواف مذکور را انجام داد، زن بر او حلال می‌شود.

مسأله ۵۳۱— اگر حاجی قبل از انجام طواف نساء بمیرد، چنانچه به آن وصیت کرده باشد، از ثلث مال او طواف مذکور را بجا آورد، و اگر وصیت نکرده باشد، بر ولی اوقضاء واجب نیست. کسی که نماز طواف نساء را

طواف نساء ۲۱۷
فراموش کرده باشد، حکم آن مانند حکم کسی است که نماز طواف حج را فراموش کرده است.

مسئله ۵۳۲— افراد معذور مانند کسی که بترسد و امثال او، جایز است طواف نساء را برووقوف در عرفات و مشعرالحرام مقدم بدارند، بعد از انجام طواف نساء زن بر او حلال نمی‌شود، بلکه بعد از تمام شدن کلیه اعمال حج، زن بر او حلال می‌گردد.

مسئله ۵۳۳— اگر زن حیض شود و قافله منتظر نماند تا او پاک گردد، می‌تواند طواف نساء را ترک کند، و بنا بر احتیاط واجب باید کسی را برای انجام طواف نساء و نماز آن نایب بگیرد. اگر زنی بیش از نصف طواف را بجا آورد و بعد حیض شود، می‌تواند باقی طواف را ترک نماید، و برای بقیه طواف نماز آن بنا بر احتیاط واجب کسی را نایب بگیرد.

توقف شبانه در منی (بیتوته در منی)

مسئله ۵۳۴— مراد از بیتوته در منی این است که حاجی شب در آنجا حضور داشته باشد و واجب نیست که در روز آنجا بماند مگر به اندازه رمی جمرات.

مسئله ۵۳۵— واجب است حاجی شب یازدهم و دوازدهم را در منی بماند، و کافی است نیمی از شب را در آنجا بماند خواه نیمه اول باشد یا دوم، و اگر شخصی نصف از شب را در آنجا بماند، کافی است و می‌تواند آنجا را ترک نماید و بقیه شب را در خارج از منی بگذراند.

چند دسته و گروه از بیتوته در منی معاف هستند

۱— کسانی که عذر دارند مانند بیماران و پرستاران و کسانی که از مال و آبروی خود می ترسند.

۲— کسانی که در مکه در تمام شب مشغول انجام اعمال طوف یا عبادت دیگری باشند و جز برای ضروریات خود مانند خوردن و آشامیدن و امثال آنها، کار دیگری انجام ندهند، و همچنین کسی که بعد از دخول شب، منی را به قصد عبادت در مکه ترک نماید.

۳— کسی که خانه خدا را طواف نموده و مشغول عبادت است و آنگاه از مکه خارج شده و از خانه های قدیمی مکه بگذرد، جایز است در راه بیتوته نماید بدون اینکه به منی برسد.

سه دسته باید در شب سیزدهم نیز در منی بماند

۱— کسی که در مدت احرام خود شکار نموده است.

۲— بنا بر احتیاط مستحب کسی که با زنش نزدیکی نموده باشد.

۳— کسی که در غروب روز دوازدهم هنوز در منی باشد.

مسأله ۵۳۶— کسانی که به خاطر ازدحام جمعیت یا مانع دیگری هنگام بازگشت از منی، نتوانند تا قبل از غروب از منی خارج گردد، در این صورت اگر می توانند واجب است شب را در آنجا بیتوته نمایند، و اگر نمی توانند و یا بیتوته در آنجا برای او مشقت داشته باشد، می تواند از آنجا خارج شود و هیچ اشکالی ندارد هر چند بهتر است یک گوسفند کفاره بدهد.

مستحبات منی..... ۲۱۹

مسئله ۵۳۷— اگر کسی از روی عمد و علم به حکم وبدون عذر بیتوته در منی را به کلی ترک نماید، حشش صحیح است اما گناه کرده، و برای هر شب واجب است یک گوسفند به عنوان کفاره قربانی نماید، اما اگر کسی از روی جهل به حکم و یا از روی فراموشی و جاهل معذور، از بیتوته در منی خودداری کند کفاره ندارد، اما جاهل مقصر، و عالم که عمداً بیتوته را ترک نماید، بنابراین واجب است کفاره بدهد.

مسئله ۵۳۸— اگر حاجی از منی خارج شود ولی به خاطر کاری بعد از دخول شب سیزدهم به منی برگردد، واجب نیست شب را در منی بیتوته نماید.

مستحبات منی

مسئله ۵۳۹— امور زیر در منی، برای حاجی مستحب است که آن را رعایت نماید.

۱— ماندن در منی به مدت سه شبانه روز، و سزوار است ماندن در منی را تا جایی که ممکن است بر خروج از آن مقدم دارد، هر چند طواف مستحبی باشد.

۲— گفتن تکبیر بعد از پانزده نماز، که آغاز آن نماز ظهر در روز قربانی و آخر آن نماز صبح روز سیزدهم می باشد. کیفیت تکبیرها بهتر است این گونه باشد: «الله أكبر الله أكبر، لا إله إلا الله والله أكبر الله أكبر والله الحمد، الله

۲۲۰..... مناسک حج

أَكْبَرُ عَلِيَّ مَا هَدَانَا، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلِيَّ مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ
عَلِيَّ مَا أَوْلَانَا».

۳- زیاد یاد خدا نمودن در ایام تشریق.

۴- خواندن نماز، تسبیح، لاله الا الله گفتن و حمد خدا را نمودن در مسجد
خیف. مسجد خیف دارای نشان بالا در نزد خداوند است تا جایی که در
روایات آمده است که یک رکعت نماز در آن مساوی با هفتاد سال عبادت
است.

رمی جمره سه گانه

مسأله ۵۴۰- یکی از واجبات حج رمی جمرات سه گانه (اولی، وسطی،
جمره عقبه) در روزهای یازدهم و دوازدهم است. اگر کسی در شب سیزدهم
در منی بیتوته نماید، واجب نیست روز سیزدهم رمی جمره نماید، هر چند
بهتر است این کار را انجام دهد.

مسأله ۵۴۱- کیفیت و شروط رمی جمره با آنچه که قبلاً گذشت و حاجی
آن را در روز عید در رمی جمره عقبه انجام می داد فرق نمی کند. و در این جا
این امر اضافه می شود که واجب است بین جمرات سه گانه ترتیب را رعایت
نماید، به این معنی که اول جمره اولی بعد جمره وسطی و آنگاه جمره عقبه را
رمی کند، و اگر کسی چه از روی علم به حکم و به صورت عمدی و چه از
روی فراموشی ترتیب را بهم بزند، باید برگردد و با رعایت رمی جمره را از
سر بگیرد، البته از این قاعده یک مورد استثنا شده است و آن اینکه، اگر

رمی جمره سه گانه ۲۲۱
مکلف از روی فراموشی ترتیب را بهم بزند و چهار ریگ را پرتاب نماید، کافی است که آن را کامل نماید و اعاده واجب نیست.

مسأله ۵۴۲— در رمی جمره نیت واجب است که مثلاً بگوید: رمی جمره باهفت ریگ برای حج تمتع از حجت الاسلام بجای می آورم الی الله، اگر مکلف از جانب کسی نایب شده است اسم منوب عنه را ذکر نماید، و اگر حج مستحبی است کلمه (حجت الاسلام) در نیت ساقط می شود، و اگر حج افراد است کلمه (حج تمتع) از نیت ساقط می شود و به جای آن کلمه (حج افراد) آورده می شود.

مسأله ۵۴۳— واجب است رمی جمره سه گانه را در روز انجام دهد، و اگر مکلف با اختیار خود رمی جمره را در شب انجام دهد، کافی نیست.

چند دسته می توانند رمی جمرات را در شب انجام دهند:

۱— عبد(بنده) و کسی که بر نفس، مال یا آبروی خود می ترسد، می تواند در شب رمی جمره را انجام دهد.

۲— پیرمردها و زنهار.

۳— کودکان و انسانهای ضعیف که از شلوغی و ازدحام می ترسند.

این سه دسته می توانند رمی جمرات را به جای روز در شب قبل آن، انجام دهند.

مسأله ۵۴۴— رمی جمرات سه گانه در روز یازدهم و دوازدهم واجب است، اما اگر مکلف آن را عمداً و با توجه به وجوب آن ترک نماید تا وقت

۲۲۲..... مناسک حج

آن بگذرد، حجه باطل نمی‌شود، و بنا بر ظاهر واجب نیست آن را قضا نماید هر چند بهتر است آن را قضا کند.

مسئله ۵۴۵— اگر مکلف در روز یازدهم رمی را فراموش نماید، در روز دوازدهم باید آن را قضا نماید، و اگر رمی را فراموش نماید و قبل از سپری شدن روز سیزدهم به یادش بیاید، باید آن را قضا نماید.

مسئله ۵۴۶— اگر حاجی بعد از بازگشت از منی به مکه متوجه شد که رمی جمره را به جا نیاورده، واجب است پیش از پایان ایام تشریق (روزهای ۱۱، ۱۲، ۱۳) به منی باز گردد و آن را بجا آورد، ولی اگر روز سیزدهم بگذرد، بنا بر احتیاط برگردد و بین قضاء و اداء فاصله اندازد به این ترتیب که قضا را یک ساعت زودتر از ادا انجام دهد، و اگر مکلف رمی را فراموش کند و بعد از خروج از مکه و پایان یافتن ایام تشریق یادش بیاید، و جوب رمی ساقط می‌شود، و بنا بر احتیاط آن را در سال آینده خودش در همان ایام قضا کند، و اگر نمی‌تواند کسی را نایب بگیرد که برای او قضا کند.

مسئله ۵۴۷— کسی که می‌تواند بدون مشقت رمی جمره را انجام دهد، واجب است خودش این کار را بجا آورد، و نمی‌تواند کسی را نایب بگیرد، اما کسی که به خاطر بیماری و امثال آن نمی‌تواند خودش آن را انجام دهد و تا غروب امیدی به برطرف شدن آن هم نیست، باید کسی را نایب بگیرد، و اگر قبل از زوال مانع برطرف شد، باید خود اقدام به رمی جمره نماید.

رمی جمره سه گانه ۲۲۳

مسأله ۵۴۸— اگر کسی به هر دلیلی نتواند در ایام تشریق در منی بماند، بنا بر اظهر باید نایب بگیرد، هر چند بهتر است بین رمی همه روزها در یک شب و بین نایب گرفتن جمع کند.

احکامِ مَسَدُود

مسأله ۵۴۹— «مَسَدُود» به کسی گفته می‌شود که از جانب دشمن یا حکومت بعد از احرام برای عمره یا حج، از انجام اعمال بازداشته شود.

مسأله ۵۵۰— کسی که مُحْرَمٌ به احرام «عمره مفرده» باشد و دشمنی یا فرد دیگری مانند عمال دولت یا سارقین یا غیر آنها او را از رفتن به مکه بازدارند، اگر قربانی به همراه دارد در همانجا قربانی می‌کند، و سر خود را بتراشد و با این دو کار از احرام بیرون می‌آید و هر آنچه که بر او حرام شده بود حتی زن بر او حلال می‌شود، اما اگر قربانی به همراه نداشته باشد، حلق یا تقصیر را انجام دهد و با این کار مُحِلٌ یعنی از احرام خارج می‌شود و قربانی بر او واجب نیست.

مسأله ۵۵۱— اگر کسی از عمره تمتع منع شود و این کار منجر به ممانعت او از حج نیز بگردد، در این صورت وظیفه او این است که یک قربانی را در همانجا انجام دهد و با این کار مُحِلٌ می‌شود، و بنا بر احتیاط همراه با قربانی تقصیر را نیز ضمیمه نماید. اما اگر منع از عمره منجر به ممانعت از حج نگردد و مکلف قادر به انجام حج باشد، مثلاً دشمن او را در وقتی که امکان انجام حج در آن وجود دارد آزاد نماید، بنابراین بر او احکام مَسَدُود اطلاق نمی‌شود، بلکه وظیفه‌اش از حج تمتع به حج افراد تبدیل می‌شود، که اگر حج افراد و بعد از آن عمره مفرده را انجام دهد، کفایت می‌کند.

مسأله ۵۵۲— مصدود از حج اگر از وقوف به عرفات و مشعر منع شود، واجب است که در همان محلی که منع شده قربانی نماید، و بعد از قربانی همه چیزهایی که بر او حرام شده بود حلال می‌شود حتی زن، و بنابر احوط باید حلق یا تقصیر را نیز با قربانی ضمیمه نماید و مصدود محسوب نمی‌شود.

مسأله ۵۵۳— اگر مکلف فقط از طواف وسیعی منع شده باشد و ممانعت تا آخر ذی الحجه ادامه نیابد، به این معنی که بعد از ایام تشریق او را رها نمایند و یا در دهه آخر ذی الحجه او را رها سازند، باید خودش اقدام به طواف و سعی نماید که با انجام آن دو حجت صحیح می‌باشد، اما اگر ممانعت تا آخر ذی الحجه ادامه پیدا کند، بر او واجب است کسی را نایب بگیرد تا از جانب او طواف نماید و دو رکعت نماز طواف را همراه با سعی و طواف نساء و نماز آن بجا آورد، که بعد از انجام این امور توسط نایب حجت صحیح است، و حکم مصدود بر او جاری نمی‌شود.

اما اگر نایب گرفتن برای او ممکن نباشد، در این صورت او مصدود محسوب می‌شود و وظیفه‌اش این است که در همانجا قربانی نماید و بنابر احتیاط حلق و یا تقصیر را نیز اضافه نماید و با این کار از احرام بیرون آمده و محلّ میشود، و مکلف باید در سال آینده حج را بجا بیاورد اگر استطاعتش باقی بماند و یا استطاعتش مربوط به همان سال نباشد، البته اگر بعد از مسافرت استطاعت او از بین برود و بار دوم هم مستطیع نگردد، در این صورت حج از او ساقط می‌شود.

۲۲۶..... مناسک حج

مسأله ۵۵۴- اگر مکلف صرفاً از انجام اعمال منی ممانعت گردد، احکام مصدود بر او جاری نمی‌شود، و وظیفه‌اش در این صورت این است که می‌تواند نایب بگیرد تا از سوی او رمی و قربانی را در منی انجام دهد و سپس سرخود را بتراشد یا مقداری از موی خود را کوتاه نماید و آن را به منی بفرستد، و با این کار مُحل می‌شود، و بقیه اعمال را انجام دهد، و اگر نمی‌تواند نایب بگیرد، در همانجا که منع شده قربانی خود را ذبح نماید و سپس حلق و یا تقصیر را انجام دهد، و بعد از این اعمال شخصاً به مکه رفته و طواف حج را انجام دهد و دو رکعت نماز طواف را بجا آورد آنگاه سعی بین صفا و مروه را انجام دهد و بعد از آن طواف نساء و دو رکعت نماز آن را بجا آورد، و وقتی این اعمال را انجام داد در حقیقت از حج فارغ شده است و در نتیجه تمام کارهایی که بر او حرام شده بود حتی زنان بر او حلال می‌شوند.

مسأله ۵۵۵- مصدود با قربانی کردن، حج از اوساقت نمی‌شود بلکه واجب است در سال آینده حج نماید، مگر اینکه استطاعت او در همان سال حاصل شده باشد، و اگر بعد از بازگشت از سفر استطاعت وی باقی نماند. و جوب حج از اوساقت است، چنانچه استطاعت جدیدی برای او حاصل نگردد.

مسأله ۵۵۶- اگر مکلف را از رجوع در منی جهت بیتوته و رمی جمره ممانعت نماید، حش صحیح است، و باید در صورت امکان کسی را نایب بگیرد تا از سوی او رمی جمره را انجام دهد.

احکام محصور ۲۲۷

مسأله ۵۵۷— کسی که به خاطر عذری غیر از حصر و صد نتواند حجش را کامل نماید، حجش باطل می‌شود اما کفاره ندارد.

مسأله ۵۵۸— در قربانی مذکور فرق نمی‌کند چه شتر باشد یا گاو و یا گوسفند، و در آن شرایط قربانی نیز شرط نیست، و اگر مکلف نتواند قربانی کند، احتیاط آن است که اگر ممنوع از حج است به جای قربانی ده روز، روزه بگیرد، و اگر ممنوع از عمره مفرده است، روزه واجب نیست.

مسأله ۵۵۹— کسی که پیش از وقوف در مشعر عمدأ و عالماً با زنش مجامعت (تزدیکی) نماید، و از کامل کردن حج منع شود، احکام منع شده از حج بر چنین شخصی جاری می‌شود.

مسأله ۵۶۰— اگر مکلف، قربانی همراه خود داشته باشد، و از حج منع شود، ذبح قربانی که همراه دارد کفایت می‌کند، زیرا معیار صدق ذبح یا نحر است و اینکه نوع قربانی چه گونه باشد فرق نمی‌کند.

احکام محصور

مسأله ۵۶۱— محصور کسی است که مرض یا مانند آن بعد از بستن احرام مانع از انجام حج، یا عمره مفرده او گردد، و بین اینکه محصور مرد باشد یا زن، فرقی نیست، بنابراین اگر در انجام عمره مفرده مانع وجود داشته باشد، محصور مخیر است بین اینکه قربانی را به محل آن که مکه است بفرستد که وقتی قربانی به مکه رسید، باید در همان جایی که قرار دارد

۲۲۸..... مناسک حج

حلق یا تقصیر نماید، یا در همان جایی که قرار دارد قربانی را ذبح یا نحر کند، و سپس در همانجا حلق یا تقصیر نماید، وقتی این اعمال را انجام داد، تمام مُحَرِّمات به جز زنان بر او حلال می‌شوند.

اما زنان جز با انجام عمره مفرده دیگری بر او حلال نخواهند شد، ولی اگر در انجام حج مانع موجود باشد و شخص از این جهت محصور گردد، حکم اینصورت مثل آن حکمی است که در عمره مفرده گذشت، و فقط فرقی که بین این دو صورت وجود دارد این است که زنان در عمره مفرده جز با انجام عمره مفرده دیگری برای محصور حلال نمی‌شوند، ولی در حج، با ذبح و حلق (تراشیدن موی سر) یا تقصیر (کوتاه کردن موی سر) برای شخص محصور حلال می‌شوند و حلال بودن زنها در صورت دوم به انجام عمره مفرده وابسته نیست.

اما شخصی که فقط در انجام عمره تمتع محصور است نه در انجام حج، بر چنین شخصی احکام محصور جاری نیست، بلکه وظیفه او در این صورت از عمره تمتع به حج افراد تبدیل می‌شود همچنانکه این مطلب در مصدود گذشت.

مسأله ۵۶۲— اگر در انجام حج محصور گردد و قربانی خود را به منی بفرستد سپس مرض او بهبود یابد، در اینصورت چنانچه خود شخص اعتقاد دارد که اگر سفر را به سوی مکه ادامه دهد و قوف در عرفات و مشعر الحرام یا یکی از آن دو و قوف را درک خواهد کرد، واجب است این کار را انجام داده و به مردم در دو «موقف» مذکور یا در یکی از آنها ملحق شود، بنابراین

اگر این کار را انجام دهد، حج او به عنوان حج افراد صحیح است، ولی احوط آن است که عمره مفرده را نیز بعد از آن انجام دهد.

اما اگر اطمینان رسیدن به وقوفین نداشته باشد، احتیاط واجب آن است که سفرش را به رجاء درک موقوف ادامه دهد و چنانچه موقف را درک کند، کفایت خواهد کرد، البته اعمال منی و طواف حج و نماز آن و سعی بین صفا و مروه و سپس طواف نساء و نماز آن را بجا آورد، وقتی این موارد را کامل نمود، حج او تمام است.

و چنانچه موقف را درک نکند دو صورت دارد:

۱- درک نکردن موقف به خاطر مرض که در اینصورت احکام محصور بر او جاری است، و چنانچه قربانی را در منی ذبح کند، باید خود او در همان جایی که هست سر خود را بتراشد یا کوتاه نماید، و اگر این کار را انجام داد، تمام مُحَرَمات حتی زنها بر او حلال خواهند شد، ولی اگر قربانی را در منی ذبح نکرده باشد، در اینصورت باید خود او اقدام به ذبح قربانی نموده سپس موی سر را بتراشد یا کوتاه نماید، آنگاه تمام مُحَرَمات حتی زنها بر او حلال می‌شوند.

۲- درک نکردن موقف به خاطر کوتاهی و سهل انگاری او بوده است، در اینصورت احکام محصور بر او جاری نیست، و احتیاط مستحب در چنین صورتی آن است که عمره مفرده را انجام دهد و حج را باید در آینده بجا آورد.

۲۳۰..... مناسک حج

مسأله ۵۶۳— اگر حاجی فقط از انجام اعمال و مناسک منی محصور گردد، احکام محصور بر او جاری نیست، بنابراین اگر مکلف شخصاً از ذبح قربانی در منی ناتوان است، باید نایب بگیرد و چنانچه از گرفتن نایب نیز ناتوان بود، می‌تواند در خارج منی مانند مکه و امثال آن قربانی را ذبح نماید، اما تراشیدن موی سر یا کوتاه کردن آن را چنانچه نتواند در منی انجام دهد، می‌تواند این عمل را در خارج منی انجام دهد ولی مورا به منی بفرستد، و نیز رمی جمره را در صورت تمکن هر چند با گرفتن نایب واجب است انجام دهد و گرنه واجب نیست، وقضای آن در سال آینده نیز واجب نمی‌باشد هر چند انجام قضا در سال آینده بهتر و سزاوارتر است.

مسأله ۵۶۴— اگر کسی محصور شود سپس قربانی خود را به محل آن بفرستد و قبل از آن که قربانی به محل خود برسد، سردرد موجب اذیت وی گردد، در این صورت می‌تواند یک گوسفند را در همان جایی که هست ذبح کند، یا سه روز روزه بگیرد، یا به شش مسکین برای هر کدام دو مد طعام دهد سپس سر خود را بتراشد.

مسأله ۵۶۵— اگر محصور به وسیله قربانی و تراشیدن موی سر یا کوتاه کردن از احرام بیرون آید، حج از اوساقط نیست بلکه باید در آینده حج را بجا آورد به شرط آنکه استطاعت او در همین سال به وجود نیامده باشد یا در همین سال به وجود آمده ولی بعد از بازگشت از سفر استطاعت باقی بماند.

مشترکات و تفاوت‌های محصور و مصدود ۲۳۱

مسأله ۵۶۶— کسی که در حج محصور است، چنانچه قربانی و قیمت آن را در اختیار نداشته باشد، باید ده روز روزه بگیرد چنانکه گذشت.

مشترکات و تفاوت‌های محصور و مصدود

مسأله ۵۶۷— اگر کسی (به وسیله دشمن یا حکومت) از انجام حج و عمره مفرده منع شود (مصدود) چنین شخصی به همان اعمالی که سایر مُحَرِّماتِ احرام برایش حلال می‌شود، زنها نیز حلال خواهند شد و حکم کسی که در حج محصور شده نیز چنین است. — محصور کسی است که به جهت مرض یا مانند آن از انجام حج یا عمره مفرده بازمانده است — و اما کسی که در انجام عمره مفرده محصور است، زنها جز با عمره مفرده دیگری برای او حلال نخواهند شد.

مسأله ۵۶۸— اگر کسی (به وسیله دشمن یا حکومت) از انجام حج منع شود (مصدود)، باید قربانی را در همان جایی که هست ذبح نماید، ولی کسی که از انجام عمره مفرده، منع شده است (مصدود)، چنانچه قربانی همراه داشته باشد، باید آنرا در همان جایی که خودش هست ذبح کند.

اما کسی که (به سبب مرض یا مانند آن) از انجام حج و عمره مفرده بازمانده است (محصور)، مخیر است بین اینکه قربانی را به محل آن (منی) بفرستد (تذبح شود) و یا اینکه قربانی را در همان جایی که او از انجام حج منع شده است ذبح نماید.

فهرست

| | |
|---------|------------------------------|
| ۵..... | شرایط وجوب حجت الاسلام |
| ۷..... | شرایط حجت الاسلام |
| ۷..... | ۲و۱- بلوغ وعقل |
| ۸..... | ۳- استطاعت |
| ۹..... | احکام استطاعت |
| ۹..... | رکن اول: امکانات مالی |
| ۱۵..... | احکام استطاعت بذلی |
| ۱۹..... | رکن دوم: امنیت وسلامت |
| ۲۲..... | رکن سوم: تمکن(ما به الكفاية) |
| ۲۴..... | موانع وجوب حج |
| ۲۷..... | احکام متفرقه |
| ۳۱..... | احکام نیابت |
| ۳۳..... | احکام نایب گرفتن |
| ۴۷..... | شرایط ومسائل نایب |
| ۵۷..... | مسائل متفرقه |
| ۵۹..... | حج مستحب |
| ۶۰..... | عمره |
| ۶۰..... | اول: عمره مفرده |
| ۶۰..... | دوم: عمره تمتع |
| ۶۲..... | موارد مشترک بین دو عمره |
| ۶۳..... | موارد اختلاف بین دو عمره |

| | |
|-----|--------------------------------------|
| ۲۳۳ | فهرست |
| ۶۴ | چند مسأله مرتبط با عمره مفرده |
| ۶۷ | اقسام حج |
| ۶۷ | اول: حج تمتع |
| ۶۷ | واجبات عمره تمتع |
| ۶۸ | واجبات حج تمتع |
| ۷۰ | دوم - حج افراد |
| ۷۰ | سوم - حج قران |
| ۷۰ | یکسان بودن اعمال حج تمتع با حج افراد |
| ۷۱ | موارد اختلاف حج تمتع با حج افراد |
| ۷۲ | نکات تکمیلی |
| ۷۴ | در حج تمتع پنج چیز معتبر می‌باشد |
| ۷۵ | مسائل گوناگون در ارتباط با حج |
| ۷۸ | واجبات احرام |
| ۷۸ | امر اول: مواقیت |
| ۸۳ | توضیحاتی تکمیلی |
| ۹۰ | امر دوم: حقیقت احرام |
| ۹۵ | امر سوم: واجبات احرام |
| ۹۷ | آداب و مستحبات احرام |
| ۹۹ | مُحَرِّمَات احرام |
| ۹۹ | نوع اول: مُحَرِّمَات مشترک |
| ۱۰۰ | ۱- شکار |
| ۱۰۲ | کفاره شکار |
| ۱۰۵ | ۲- جماع |
| ۱۰۷ | کفاره جماع |

| | | | |
|----------|-----|--|----------|
| | ۲۳۴ | | مناسک حج |
| ۱۰۸..... | ۳- | بوسیدن زن | ۱۰۸..... |
| ۱۰۹..... | ۴- | تماس با زن | ۱۰۹..... |
| ۱۰۹..... | ۵- | نگاه کردن به زن | ۱۰۹..... |
| ۱۱۰..... | ۶- | استمناء | ۱۱۰..... |
| ۱۱۱..... | ۷- | عقد نکاح | ۱۱۱..... |
| ۱۱۲..... | ۸- | بوی خوش | ۱۱۲..... |
| ۱۱۳..... | ۹- | نگاه کردن در آینه | ۱۱۳..... |
| ۱۱۴..... | ۱۰- | زینت نمودن | ۱۱۴..... |
| ۱۱۵..... | ۱۱- | سرمه کشیدن | ۱۱۵..... |
| ۱۱۶..... | ۱۲- | دروغ و دشنام | ۱۱۶..... |
| ۱۱۶..... | ۱۳- | جدال نمودن | ۱۱۶..... |
| ۱۱۷..... | | موارد استثناء از حرمت جدال | ۱۱۷..... |
| ۱۱۸..... | ۱۴- | کشتن جانوران بدن | ۱۱۸..... |
| ۱۱۸..... | ۱۵- | مالیدن روغن به بدن | ۱۱۸..... |
| ۱۱۹..... | ۱۶- | بیرون آوردن خون از بدن | ۱۱۹..... |
| ۱۱۹..... | ۱۷- | گرفتن ناخن | ۱۱۹..... |
| ۱۲۰..... | ۱۸- | کندن مواز بدن | ۱۲۰..... |
| ۱۲۱..... | ۱۹- | کشیدن دندان | ۱۲۱..... |
| ۱۲۲..... | ۲۰- | سر زیر آب فروبردن | ۱۲۲..... |
| ۱۲۲..... | ۲۱- | حمل اسلحه | ۱۲۲..... |
| ۱۲۲..... | ۲۲- | کندن درخت و گیاه حرم | ۱۲۲..... |
| ۱۲۳..... | ۲۳- | شکار در حرم | ۱۲۳..... |
| ۱۲۳..... | | نوع دوم: مُحَرِّمات مخصوص مرد مُحَرِّم | ۱۲۳..... |
| ۱۲۳..... | ۱- | پوشیدن لباسهای معمولی و متعارف | ۱۲۳..... |

| | |
|-----|--|
| ۲۳۵ | فهرست |
| ۱۲۵ | ۲- پوشیدن (موزه) چکمه و جوراب |
| ۱۲۵ | ۳- پوشاندن سر بر مردان |
| ۱۲۶ | ۴- زیر سایه رفتن مرد |
| ۱۲۸ | نوع سوم: مُحَرِّمَاتِ زَنِّ مُحَرِّمٍ |
| ۱۲۹ | جای کشتن کفاره و محل مصرف آن |
| ۱۲۹ | آداب و مستحبات داخل شدن به حرم |
| ۱۳۰ | آداب و مستحبات دخول مکه و مسجدالحرام |
| ۱۳۱ | طواف |
| ۱۳۲ | شرایط طواف |
| ۱۳۲ | شرط اول: طهارت |
| ۱۳۸ | شرط دوم: طهارت از نجاست |
| ۱۴۰ | شرط سوم: ختنه |
| ۱۴۱ | شرط چهارم: ستر عورت |
| ۱۴۱ | واجبات طواف |
| ۱۴۷ | احکام خارج شدن از مطاف |
| ۱۵۰ | احکام نقص در طواف |
| ۱۵۲ | زیادی در طواف |
| ۱۵۴ | احکام طواف |
| | Error! Bookmark not defined. کیفیت طواف |
| ۱۵۹ | آداب و مستحبات طواف |
| ۱۶۱ | نماز طواف |
| ۱۶۴ | آداب و مستحبات نماز طواف |
| ۱۶۵ | سعی |
| ۱۶۷ | احکام سعی |

| | | | |
|-------|-----|-------|---|
| | ۲۳۶ | | مناسک حج |
| | ۱۷۰ | | آداب و مستحبات سعی |
| | ۱۷۲ | | تقصیر |
| | ۱۷۳ | | احرام حج |
| | ۱۷۶ | | آداب احرام حج |
| | ۱۷۷ | | وقوف در عرفات |
| | ۱۸۱ | | آداب و مستحبات و قوف در عرفات |
| | ۱۸۴ | | وقوف در مشعر |
| | ۱۸۶ | | درک دووقف |
| | ۱۸۸ | | آداب و مستحبات و قوف در مشعرالحرام |
| | ۱۹۰ | | اعمال روز عید سعید قربان |
| | ۱۹۰ | | رمی جمره |
| | ۱۹۰ | | رمی جمره عقبه |
| | ۱۹۱ | | شرایط رمی جمره |
| | ۱۹۴ | | مستحبات رمی جمرات |
| | ۱۹۵ | | قربانی در منی |
| | ۲۰۴ | | مصرف قربانی |
| | ۲۰۴ | | آداب ذبح یا نحر |
| | ۲۰۵ | | حلق و تقصیر |
| | ۲۰۸ | | آداب و مستحبات حلق |
| | ۲۰۸ | | طواف حج و نماز طواف وسعی |
| | ۲۱۴ | | آداب طواف حج وسعی |
| | ۲۱۴ | | طواف نساء و نماز آن |
| | ۲۱۷ | | توقف شبانه در منی (بیتوته در منی) |
| | ۲۱۸ | | چند دسته و گروه از بیتوته در منی معاف هستند |

| | |
|-----|--|
| ۲۳۷ | فهرست |
| ۲۱۸ | سه دسته باید در شب سیزدهم نیز در منی بماند |
| ۲۱۹ | مستحبات منی |
| ۲۲۰ | رمی جمره سه گانه |
| ۲۲۴ | احکام مصدود |
| ۲۲۷ | احکام محصور |
| ۲۳۱ | مشترکات و تفاوت‌های محصور و مصدود |